

بازرسی اندیشه‌ها

مروری بر برترین پژوهش‌ها و اقدامات اندیشکده‌ها و مؤسسات سیاست‌پژوهی کشور



در این شماره می‌خوانید:

- ۱۴ زیست‌نخبگان و کارآفرینان بین‌المللی در ایران
- ۳۰ حمایت از بیمه‌شدگان بیکار شده در مواجهه با کرونا
- ۴۶ ساماندهی جمع‌آوری گازهای همراه نفت
- ۶۰ بازتخصیص آب کشاورزی
- ۶۶ سیاست‌گذاری استخراج رمزارز
- ۷۴ سامانه قانون‌بان



اندیشکده‌ها، مهم‌ترین سرویس‌ها و پلتفرم‌هایی هستند که توسط جامعه اندیشکده‌ها ایجاد شده‌اند. سند حاضر هفتمین فصلنامه جامعه اندیشکده‌ها است که برترین پژوهش‌های اندیشکده‌های کشور را در ۹ حوزه «آموزش، علم و فناوری»، «صنعت و تجارت»، «اجتماعی»، «فرهنگ و رسانه»، «انرژی»، «سلامت»، «کشاورزی و محیط زیست»، «اقتصاد» و «حکمرانی و توسعه» منتشر می‌کند. در این فصلنامه ۳۱ پژوهش از ۱۹ اندیشکده گردآوری شده است. ذکر این نکته لازم است که مطالب این فصلنامه صرفاً دیدگاه‌ها و نظرات اندیشکده‌ها

جامعه اندیشکده‌ها فعالیت خود را با هدف توسعه فعالیت اندیشکده‌ها در کشور و ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها و اقدامات ترویجی آنها از سال ۱۳۹۵ آغاز کرده است. در همین راستا پلتفرم‌ها و سرویس‌هایی را جهت انتشار نتایج و دستاوردهای برتر اندیشکده‌ها توسعه داده است. سایت جامعه اندیشکده‌ها به آدرس www.iranthinktanks.com، فصلنامه جامعه اندیشکده‌ها، برنامه رادیویی بانديشه و رزان، رویداد اندیش گو، جایزه ملی سیاستگذاری و سالنامه جامعه

و پژوهشگران پژوهش‌ها را بیان می‌کند و مسئولیت و مالکیت معنوی مطالب نیز متعلق به ایشان است. از تمامی اندیشکده‌ها و افرادی که در گردآوری محتوای این فصلنامه همکاری کرده‌اند، سپاسگزاریم. صاحب امتیاز: جامعه اندیشکده‌ها
تدوین محتوا: سجاد زوده‌مهر، فاطمه مرتضوی، فاطمه محمدی، زهرا زارع، نسترن امیدوار، مهدی عسگرزاده
صفحه‌آرایی و طراحی جلد: سید کمال موسوی
ویراستاری: محمد خاجی
قیمت: ۱۱۰ هزار تومان

پژوهش‌های اندیشکده‌ها در دامنه وسیعی از موضوعات و مسائل کشور و براساس متدولوژی‌های گوناگونی انجام می‌شود. هدف از این پروژه‌ها به صورت کلی شناخت، طراحی، برنامه‌ریزی، ارزیابی، رصد و بازنگری در حوزه‌هایی است که در ارتباط با آنها مسائل کلان و عمومی در کشور وجود دارد. البته ممکن است در یک پروژه همه این موارد پوشش داده نشود و تمرکز بر یک یا دو مورد از آنها باشد. به عنوان مثال، موضوع یک پروژه می‌تواند برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف خاصی باشد. در این پروژه، کار بیشتر بر روی شناخت هدف و تدوین برنامه تمرکز می‌شود و احتمال طراحی، ارزیابی و بازنگری مورد نظر نخواهد بود. اندیشکده‌ها در پژوهش‌های خود تلاش می‌کنند ابتدا مسئله را عموماً به درستی شناسایی و بیان کنند و پس از ریشه‌یابی و علت‌یابی عمیق، پیشنهادها و راهکارهای خلاقانه و بدیعی را برای حل آن طراحی کنند. در واقع تلاش برای حل مسئله و ارائه راهکار و پیشنهاد، وجه مشترک همه مطالعات و پژوهش‌های اندیشکده‌ها است. به عبارت دیگر، پژوهش‌های صرفاً نظری و تئوریک را که ناظر به حل مسائل عمومی و پژوهش‌های صرفاً کلان نیست، چندان نمی‌توان پژوهش‌های اصیل اندیشکده‌ای به شمار آورد.

تهران، خیابان انقلاب، بین چهارراه ولیعصر و خیابان برادران مظفر شمالی، پلاک ۹۰۷، واحد ۲

info@iranthinktanks.com

ایمیل:

۱۳۱۵۷۶۳۴۷۱

کد پستی:

www.iranthinktanks.com

وبسایت:

تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۸۸۰۵۷



iranthinktanks



iranthinktanks



iranthinktanks



iranthinktanks



iranthinktanks__com



۲۴



● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم
خارجی در ایران

صنعت و تجارت

۲۶



● اندیشکده اقتصاد مقاومتی
جاده ابریشم جدید و توسعه تجارت
ایران با کشورهای محور مقاومت

صنعت و تجارت

۲۸



● اندیشکده دیپلماسی اقتصادی
دیپلماسی اقتصادی با همسایگان

صنعت و تجارت

۳۰



● موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
حمایت از بیمه‌شدگان بیکار شده
در مواجهه با کرونا

مسائل اجتماعی

۳۲



● اندیشکده شفافیت برای ایران
تدوین شاخص شفافیت برای
شرکت‌های تعاونی در ایران

مسائل اجتماعی

۳۴



● اندیشکده پایا
طرح راهبردی - مردمی پیشرفت
محله هرنندی تهران

مسائل اجتماعی

۳۶



● انجمن دیاران
روندهای کلی مهاجرت در جهان

مسائل اجتماعی

۳۸



● اندیشکده راهبردی مهاجر
آسیب‌شناسی روش‌های حفظ و
تقویت دینداری در نخبگان

فرهنگ و رسانه

۴۰



● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در
صنعت سینما

فرهنگ و رسانه

۴



معرفی ارزیابان پروژه‌ها

معرفی

۶



معرفی اندیشه‌ورزان

معرفی

۸



● جامعه‌اندیشکده‌ها
پیوند ارتباطات و اندیشکده‌ها

درباره اندیشکده

۱۲



بررسی آماری پروژه‌های فصلنامه زمستان

آمار

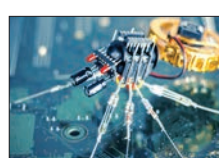
۱۴



● انجمن دیاران
زیست‌نخبگان و کارآفرینان بین‌المللی
در ایران

آموزش، علم و فناوری

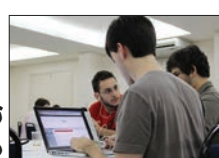
۱۶



● مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
سنجش رقابت‌پذیری علمی ایران در
منطقه

آموزش، علم و فناوری

۱۸



● اندیشکده هاتف
توسعه سرمایه انسانی؛ نگرشی بدیل
در سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری

آموزش، علم و فناوری

۲۰



● مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
مسائل و مشکلات آموزش و پرورش
و تعیین اولویت‌های سیاست‌گذاری

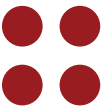
آموزش، علم و فناوری

۲۲



● موسسه راهبردهای بازنشتگی صبا
تأثیر تحریم پتروشیمی بر صندوق
بازنشتگی کشوری

صنعت و تجارت



فرهنگ و رسانه



۴۲

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
وضعیت خانه مسافر در صنعت گردشگری

فرهنگ و رسانه



۴۴

● اندیشکده پیشرفت گردشگری برای ایران
تحول در گردشگری با رویکرد اسلامی- ایرانی

انرژی



۴۶

● موسسه مطالعات انرژی سبحان
مدل حقوقی-اقتصادی ساماندهی جمع‌آوری گازهای همراه نفت

انرژی



۴۸

● اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران
مدل مطلوب شکل‌گیری بازار برق منطقه‌ای کشورهای عضو اوکو

انرژی



۵۰

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
مانع‌زدایی و پشتیبانی از تولید در صنعت نفت و گاز

انرژی



۵۲

● اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران
چالش و راهکار جمع‌آوری گازهای مشعل پالایشگاه‌ها

سلامت



۵۴

● موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
طراحی الگوی محاسبه و اعلام تعرفه‌های خدمات درمانی

سلامت



۵۶

● موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
امکان‌سنجی ارائه خدمات بهداشتی و پیشگیری در حوزه بیمه‌های اجتماعی

سلامت



۵۸

● مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
آسیب‌های فسادزا در نظام دارویی

کشاورزی و محیط زیست



۶۰

● اندیشکده تدبیر آب ایران
بازتخصیص آب کشاورزی

کشاورزی و محیط زیست



۶۲

● موسسه ماکا
مشکلات و چالش‌های سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی

کشاورزی و محیط زیست



۶۴

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
پیشگیری و مبارزه با آفت ملخ‌های صحرایی

اقتصاد



۶۶

● اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر
آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای سیاستگذاری استخراج رمزارز

اقتصاد



۶۸

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها

اقتصاد



۷۰

● موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
تحلیل نگرش تشکلهای کارگری و کارفرمایی در اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی

حکمرانی و توسعه



۷۲

● اندیشکده رصد
نقد و بررسی مدل توسعه اقتصادی و فرهنگی استان خراسان رضوی

حکمرانی و توسعه



۷۴

● اندیشکده شفافیت برای ایران
سامانه قانون بان

اخبار



۷۶

● جامعه اندیشکده‌ها
اخبار زیست‌بوم‌اندیشه‌ورزی

معرفی اعضای شورای علمی

فهرست ارزیابان این شماره از فصلنامه جامعه اندیشکده‌ها

نرگس اکبرپور روشن

دکتری علوم اقتصادی



نرگس آذری

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی



مهدی امینی

دکتری هنرهای کاربردی



احسان امید

کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های قدرت



سیدمحمد رضا باقرزاد

دکتری ریاضیات محض



سمانه ایروانی

دکتری اقتصاد کشاورزی



امیرحسین چیت ساززاده

کارشناسی ارشد علوم سیاسی



سیدبهرزاد بقایی

کارشناسی ارشد MBA



فرزاد حجتیان مقدم

کارشناسی ارشد مهندسی صنایع



رضا حافظی

دکتری آینده‌پژوهی



محمد خادمی

دکتری مدیریت آموزش عالی



سیدپیمان حقیقت‌طلب

کارشناسی ارشد مهندسی صنایع



محبوبه داوودی

کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی



مجید دانایی سیج

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه



مهدی سروی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی



امیررودی

کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات



سعید سیدحسین زاده یزدی

دکتری اقتصاد



جواد سلیمان پور

دکتری مهندسی نفت



بهرروز شاهمرادی

دکتری اقتصاد سرمایه گذاری بین الملل



حسین شاه محمدی آذر

دکتری مهندسی صنایع



حسین شیرازی

دکتری سیاستگذاری عمومی



محسن شهرابی

کارشناسی ارشد مهندسی صنایع



علی طاهری فرد

دکتری اقتصاد انرژی



ابوطالب صفدری شریانی

دکتری فلسفه علم



علی عبداللهی نسب

دکتری مهندسی محیط زیست



سید محمد عباس نیا

دکتری مدیریت مالی



محمد عظیم زاده

دکتری اقتصاد نفت و گاز



حسین عطااللهی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی



علی ملک زاده

کارشناسی ارشد اقتصاد



سجاد فتاحی

دکتری جامعه شناسی



روح اله مهدوی

دکتری اقتصاد



راحله ملکیان

دکتری آبیاری و زهکشی



علی نادری شاهی

دکتری اقتصاد پولی



محمد رضا مهدیار اسماعیلی

دکتری علوم اقتصادی



جمال یزدانی

دکتری علوم سیاسی



امیرمحمد واعظی

کارشناسی ارشد سیاستگذاری علم و فناوری



فهرست اندیشه‌ورزان

فهرست مدیر پروژه‌های این شماره از فصلنامه

معین احمدی

کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های انرژی



محمدجواد احمدی

کارشناسی ارشد مهندسی کنترل



کیومرث اشتریان

دکتری سیاستگذاری عمومی



مریم احمدیان

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی



محسن بابائی

کارشناسی ارشد توسعه روستایی



نرگس اکبرپور روشن

دکتری علوم اقتصادی



مهدی بختیاری زاده

کارشناسی ارشد اصلاح و ژنتیک دام



محمدحسین بادامچی

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی



امیرحسین چیت ساز زاده

کارشناسی ارشد علوم سیاسی



نادر جهان‌مهر

دکتری اقتصاد سلامت



مهدی روح‌اللهی

دکتری مدیریت فناوری



سیدپیمان حقیقت‌طلب

کارشناسی ارشد مهندسی صنایع



سعید سیدحسین زاده یزدی

دکتری اقتصاد



رضا سهرابی

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل



سروش طالبی اسکندری

دکتری منابع آب



بهروز شاهمرادی

دکتری اقتصاد سرمایه‌گذاری بین‌الملل



شهاب طلایی شکری

دکتری مدیریت دولتی



علی طاهری فرد

دکتری اقتصاد انرژی



مهدی فلاحیان

دکتری حقوق عمومی



امیرحسین عرب‌پور

کارشناسی ارشد معارف و مدیریت بازرگانی



جلال کریمیان

دکتری فلسفه آموزش و پرورش



فرزان قاسمی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد



فرهاد کوهی

کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت



وحید کشافی‌نیا

دکتری جامعه‌شناسی



روح‌اله مهدوی

دکتری اقتصاد



مهدخت متین

کارشناسی ارشد زمین‌شناسی نفت (پتروفیزیک)



وحید میره بیگی

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی



سیدرضا میرنظامی

دکتری اقتصاد



امیرمحمد واعظی

کارشناسی ارشد سیاستگذاری علم و فناوری



سیدباقر نبوی ثالث

کارشناسی ارشد سینما



پگاه یآوری فر

دکتری مدیریت گردشگری



نگاهی به پیوند ارتباطات و اندیشکده‌ها



امید هراتی

جامعه اندیشکده‌ها

جامعه اندیشکده‌ها

●● ضرورت توجه به ارتباطات در اندیشکده‌ها

ارتباطات در عصر فناوری‌های نوظهور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نهادهای سیاست‌پژوهشی بدون بهره‌گیری از ارتباطات، اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. ارتباطات بهترین وسیله برای مشارکت عمومی مخاطبان در فرایندهای پژوهشی محسوب می‌شود؛ زیرا از یک سو زمینه‌های لازم برای گفت‌وگو میان محققان و کاربران گوناگون را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، امکان همکاری اندیشکده‌ها با جامعه علمی را تسهیل می‌سازد و موجب نشر ایده‌های سیاستی در سطح عمومی و در جامعه سیاست‌گذاری می‌شود.

۱ ایجاد زمینه‌های لازم برای گفتگوی بین محققان و کاربران

۲ تسهیل همکاری اندیشکده‌ها با جامعه علمی

۳ نشر ایده‌های سیاستی در سطح عموم و جامعه سیاست‌گذاری

اهمیت ارتباطات برای اندیشکده‌ها

بنابراین، ارتباطات منبعی برای پرکردن شکافی است که اغلب میان تحقیق و سیاست وجود دارد. پژوهش در بیشتر اوقات، پیامدهای عمیقی برای سیاست‌گذاری به همراه دارد، اما بدون ارتباط مؤثر میان محققان و مخاطبان سیاستی، ممکن است اهمیت یافته‌های تحقیق از بین برود. ارتباطات، جعبه ابزاری است که اندیشکده‌ها از طریق آن می‌توانند به منظور افزایش استفاده از شواهد در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مهارت‌هایی را برای پرکردن شکاف مذکور ایجاد کنند.

●● گونه‌شناسی ارتباطات

شناخت گونه‌های ارتباطی مختلف اندیشکده‌ها می‌تواند در بهبود سازوکارهای آنها بسیار مؤثر باشد. گونه‌های ارتباطات معمولاً براساس اهدافی که دارند، به چهار نوع تقسیم می‌شوند. البته باید به این نکته توجه داشت که تنوع در



امروزه انجام فعالیت‌های پژوهشی، تنها بخشی از کارکرد اندیشکده‌ها محسوب می‌شود. اقداماتی مانند: برقراری ارتباط به‌منظور انتقال مطالب و یافته‌های پژوهشی، از دیگر امور لازم و ضروری است که گاه سطح تأثیرگذاری و اهمیت اندیشکده‌ها را نسبت به یکدیگر متفاوت می‌سازد. از این رو، نهادهای سیاست‌پژوهی به‌منظور اثربخشی و نشر ایده‌های خود باید یافته‌هایشان را به طیف وسیعی از ذی‌نفعان و علاقه‌مندان منتقل کنند. این ذی‌نفعان گاهی شامل سیاست‌گذاران و در برخی مواقع نیز متشکل از مردم و جامعه مدنی هستند. ابزارهای ارتباطی اندیشکده‌ها براساس نوع مخاطبی که فعالیت‌های خود را حول آنها سامان می‌دهند، با یکدیگر متفاوت است. در مطلب پیش‌رو، ابتدا تلاش می‌شود به اهمیت ارتباطات در دنیای امروز اشاره و سپس، به معرفی مخاطبان و ابزارهای ارتباطی پرداخته شود. در این مطلب همچنین به مبحث ارتباطات و دیگر محورهای پیرامونی آن نیز اشاره می‌شود. در مطالب بعدی تلاش خواهد شد به جنبه‌های مختلف ارتباطات در اندیشکده‌ها اشاره شود و هریک از این جنبه‌ها، به‌شکلی جزئی‌تر بررسی و کنکاش شوند.



انواع گونه‌های ارتباطی بر اساس هدف اصلی آن‌ها

●● ارتباطات و جامعه مخاطبان

اندیشکده‌ها با توجه به کارکردهای خود، طیف گوناگونی از مخاطبان را هدف قرار می‌دهند. سیاستگذاران و دستگاه‌های حاکمیتی از جمله مخاطبان اصلی و اولیه اندیشکده‌ها محسوب می‌شوند. در این جایگاه، اندیشکده‌ها سعی در پرکردن شکاف‌های موجود میان جامعه آکادمیک و جامعه سیاستگذاری دارند. آنها از طریق برقراری ارتباط با جامعه سیاستگذاری، بسیاری از پژوهش‌های علمی را جامعه عمل می‌پوشانند. به مرور زمان و به موازات دموکراتیک‌تر شدن جوامع، مخاطبان اندیشکده‌ها نیز تنوع و گستردگی بیشتری یافتند. این امر، موجب شد که مردم و جامعه مدنی نیز وارد چرخه مخاطبان اندیشکده‌ها شوند.

● ارتباط با سیاستگذاران

ارتباط با سیاستگذاران به عنوان مخاطبان اصلی قراردادهای پژوهشی، اندیشکده‌ها را بیش از پیش به سیاستگذاران وابسته ساخته است؛ به گونه‌ای که اندیشکده‌ها از طریق تهیه گزارش و ارائه آنها در بسترهای حضوری و مجازی، برگزاری رویدادها، برگزاری جلسات توجیهی با سیاستگذاران، ارائه بیانیه‌های مطبوعاتی و گسترش حضور خود در رسانه‌ها، توییت‌زنی، برگزاری جلسات مشارکتی با مقامات دولتی، تبلیغات، ساخت ویدئو و... سعی در همراه ساختن سیاستگذاران با خود دارند. اساساً اندیشکده‌ها به چهار روش متمایز بر سیاستگذاران تأثیر می‌گذارند [۳]:

① با پیشنهاد ایده‌ها و گزینه‌های سیاستی جایگزین؛

② از طریق فراهم ساختن مجموعه‌ای از کارشناسان خبره برای استخدام در دولت؛

گونه‌های ارتباطی، بسیار فراتر از این چهار گونه ارتباطی بوده و هدف از بیان آنها، تنها آشنایی ذهن خوانندگان با گونه‌های کلان ارتباطی است:

● ارتباطات نهادی

ارتباطات نهادی، مردم و گروه‌های اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. هدف از ایجاد آن نیز تقویت ظرفیت اندیشکده به منظور تأثیرگذاری بر طرز تفکر، احساس و رفتار عموم مردم (ارزش‌ها، ایده‌ها و هنجارهای آنها) است. ایجاد روابط مناسب با مردم و همچنین کسب شهرت اجتماعی و وجهه عمومی مناسب در میان آنها، از جمله اولویت‌های این گونه ارتباطی است. بسیاری از افراد معتقدند که اگر بتوان در میان مردم و گروه‌های اجتماعی محبوبیتی برای خود کسب کرد، به طور خودکار شناخت بهتری نسبت به اندیشکده‌ها در اذهان عمومی به وجود می‌آید. از این رو، این گونه ارتباطی در تعامل با عموم افراد جامعه محقق می‌شود.

● ارتباطات داخلی

ارتباطات داخلی همان‌طور که از نامش پیدا است، به بررسی ارتباط میان کارکنان، داوطلبان، هیئت‌مدیره و دیگر افرادی که سعی در حفظ استقلال و ارتقاء اندیشکده دارند، می‌پردازد. همسویی فعالیت‌های این افراد با اهداف اصلی اندیشکده‌ها بر توانایی و پویایی‌های نهادهای سیاست‌پژوهی می‌افزاید.

● ارتباطات امور عمومی

هدف از بکارگیری ارتباطات امور عمومی، ترویج اجماع به منظور ارتقاء اهداف اندیشکده (پیشنهادها و ایده‌های آن) در فضای عمومی میان کلیه ذی‌نفعان یا کارگزارانی است که عملکرد اندیشکده‌ها ممکن است روی آنها تأثیر بگذارد. این ذی‌نفعان شامل: سیاستگذاران، احزاب، شرکت‌ها، رسانه‌ها و ... می‌شوند. برخلاف ارتباطات نهادی که روی مردم و گروه‌های اجتماعی تأکید می‌کند، این گونه ارتباطی سطح وسیع‌تری از مخاطبان را در برمی‌گیرد.

● ارتباطات برای تهیه منابع

منظور از ارتباطات برای تهیه منابع، اقداماتی است که به منظور تهیه منابع لازم جهت حفظ اندیشکده‌ها در طول زمان بکارگرفته می‌شوند. این منابع شامل: دستیابی به پول، داوطلبان و افراد حمایت‌کننده است. در این گونه از ارتباطات، تهیه منابع مالی از جمله اولویت‌های اصلی اندیشکده‌ها محسوب می‌شود.



و دانشی که در اختیار دارند، خواسته‌ها و مطالبات جنبش‌های اجتماعی را تقویت می‌کنند تا به دست دولتمردان برسد. [۴] اندیشکده‌ها در این راه، حتی از انواع رسانه‌های خبری نیز بهره می‌گیرند. «شلزینگر» با این نگاه، کارکنان اندیشکده‌ها را «روشنفکران رسانه‌ای» می‌داند که میان مطالبات جامعه مدنی و دولت میانجیگری می‌کنند. در نهایت، این امر موجب می‌شود که اندیشکده‌ها زمینه‌های ارتباط و پیوند میان جامعه مدنی و دولت‌ها را فراهم آورند. [۵]

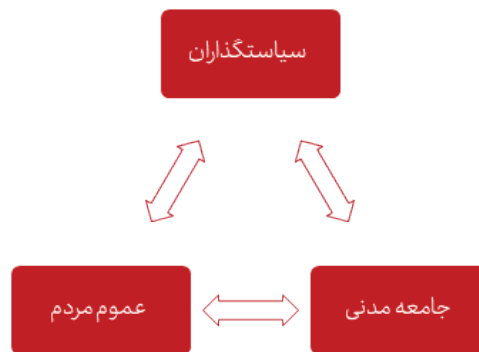
ابزارهای ارتباطی

استراتژی‌های برقراری ارتباط اندیشکده‌ها به نوع مخاطب بستگی دارد. به عبارت دیگر اگر مقام‌های دولتی در سطوح مختلف، شرکت‌های تجاری و یا عموم مردم مخاطب یک اندیشکده یا موضوع پژوهشی باشند، بایستی استراتژی برای برقراری ارتباط با آنها نیز متفاوت باشد. از این رو است که شناسایی مخاطبان اندیشکده‌ها و انتخاب بهترین شیوه برقراری ارتباط با آنها در اثرگذاری و موفقیت یک اندیشکده از اهمیت فراوانی برخوردار است و باید به بخشی از تحقیقات سیاستی صورت گرفته در اندیشکده‌ها تبدیل شود. اندیشکده‌ها براساس موضوع و مخاطبان خود، باید از ابزارهای ارتباطی گوناگونی مانند: شبکه‌های اجتماعی، انتشار کتب و مجلات، ارائه گزارش‌های سیاستی به مقام‌های عالی‌رتبه، برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌ها، انتشار مقالات و مصاحبه‌هایی در روزنامه‌ها، مجلات و تشویق پژوهشگران مقیم در اندیشکده جهت برگزاری سخنرانی در دانشگاه‌ها استفاده کنند. [۶] از این رو، در اندیشکده‌ها با طیف مختلفی از ابزارهای ارتباطی مواجهیم که به‌طور کلی به چهار دسته انتشارات، فضای آنلاین و دیجیتال، رسانه و رویدادها تقسیم می‌شوند.



ابزارهای ارتباطی اندیشکده‌ها [۷]

۳) با ارائه مکان‌هایی جهت شکل‌گیری بحث‌های سطح بالا میان نمایندگان دولت و کارشناسان خود؛
۴) از طریق آموزش شهروندان و تلاش‌های رسمی به‌منظور میانجیگری میان دولت و شهروندان.



جامعه مخاطبان اندیشکده‌ها

ارتباط با عموم مردم

پیچیده‌تر شدن جوامع، گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد و آموزش، بلوغ دموکراسی‌های جوان، رشد طبقه متوسط و ظهور رسانه‌های جمعی، از جمله عواملی بودند که برای نخستین بار عموم مردم را وارد چرخه ارتباطی اندیشکده‌ها کردند؛ به‌گونه‌ای که در کنار پژوهشگران، عموم مردم هم به‌عنوان موضوع تحلیل و هم در جایگاه تولیدکننده محتوا قرار گرفتند. تعامل معنادار با مردم در تولید دانش به‌منظور استفاده در سیاستگذاری، از جمله اهدافی است که در این مرحله مورد توجه اندیشکده‌ها قرار می‌گیرد. با این اقدام، مردم خود بخشی از ارائه راه‌حل‌ها در نظر گرفته می‌شوند و به کنشگری فعال در عرصه سیاستگذاری می‌پردازند. به‌طور کلی، اندیشکده‌ها می‌توانند با پیشبرد گفتمان عمومی و تحلیل مباحث سیاسی، باعث افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری سیاسی در طیف وسیعی از اقدشار جامعه شوند و همزمان با برگزاری نشست‌های عمومی، مشارکت عمومی افراد در فرایندهای سیاسی را نیز تشویق کنند.

ارتباط با جامعه مدنی

ارتباط نزدیکی میان اندیشکده‌ها و جامعه مدنی وجود دارد. تا جایی که برخی پژوهشگران، اندیشکده‌ها را سازمان‌های جامعه مدنی در نظر می‌گیرند. گاهی اندیشکده‌ها از سازوکارهای جامعه مدنی مانند: رسانه‌ها و جنبش‌های اجتماعی به‌منظور فشار مضاعف بر دولت‌ها استفاده می‌کنند. اندیشکده‌ها با شبکه‌سازی

مخاطبان و ابزارهای ارتباطی مورد بررسی قرار داد. هریک از این گونه‌ها دارای ابعاد گسترده‌تری هستند که در مطالب بعدی تلاش می‌شود به صورت جزئی و دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند. دلیل ضرورت ارتباطات برای اندیشکده‌ها این است که می‌تواند حجم زیادی از دانش انباشته شده آنها را در اختیار مخاطبان قرار دهد. از این رو، به هر مقدار که اندیشکده‌ها سعی در تقویت این ویژگی ساختاری خود داشته باشند، قدرت تأثیرگذاری آنها نیز افزایش خواهد یافت. این امر می‌تواند به نوبه خود شکاف موجود میان دانش و سیاستگذاری را بیش‌ازپیش پر کند.

درباره گزارش

این گزارش در جامعه اندیشکده‌ها توسط امید هراتی در سال ۱۴۰۰ تهیه شده است.

منابع

- ① Thepaceproject. <https://thepaceproject.org/our-results/building-champions/policy-communication-toolkit/>.
- ② Werauch, v., the challenge of communicating with different actors: is segmentation a good investment for think tanks? ۲۰۱۴.
- ③ Haass, R.N., Think tanks and US foreign policy: a policy-makers perspective. US Foreign Policy Agenda, ۲۰۰۲. ۷ p. ۸-۵.
- ④ Baertl, A. Exploring the relationship between think tanks and social movements. ۲۰۱۹; Available from: <https://onthinktanks.org/articles/exploring-the-relationship-between-think-tanks-and-social-movements/>.
- ⑤ Pautz, H. Think Tanks and Policymaking. ۲۰۲۰; Available from: <https://oxfordre.com/politics/view/10.1093/acrefore/9780190228637,001,0001/acrefore-9780190228637e1420->.
- ⑥ فتاحی، سجاد و دیگران، ساختار و کارکرد اندیشکده‌ها. ۱۳۹۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ⑦ Mendizabal, E. Communication options for think tanks: channels and tools. ۲۰۱۲; Available from: <https://onthinktanks.org/articles/communication-options-for-think-tanks-channels-and-tools/>.

⑧ سلی، اندرو، راهنمای راهبردی اندیشکده‌ها برای رسیدن به تأثیرگذاری سیاسی. ۱۳۹۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

هریک از ابزارهای ارتباطی مذکور، مزایا و معایبی دارند. برای مثال، اگرچه کتاب‌ها برای ارائه به سیاستگذاران مناسب نیستند، اما از نظر زمانی طول عمر بیشتری دارند و قادرند طیف گسترده‌ای از موضوعات را از گذشته تاکنون، پوشش دهند. حال آنکه مطالب کوتاه و قابل دسترس‌تر موجود در وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی با وجود محدودیت زمانی، امکان واکنش‌های سریع‌تری را به مسائل نوظهور میسر می‌سازند. [۸]

پیشنهادات

- ① در برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، باید مشخص شود که وی باتوجه به سطح دانش و دلایل خاصش برای علاقه‌مندی به موضوع، باید درباره موضوع، چه بداند. به قول «جیمز لیندسی» از شورای راهبردی روابط خارجی، «نکته مهم در برقراری ارتباط با سیاستگذاران این نیست که به آنها بگوییم چه نمی‌دانند، بلکه به آنها چیزی را بگوییم که به دانستن آن نیاز دارند.» بنابراین، شناخت نظام موضوعی مسائل و نیازهای مخاطبان از اولین نکاتی است که باید مدنظر قرار گیرد.
- ② برای برقراری ارتباطات مؤثر باید از طریق شناخت قلاب ذهنی مخاطب میان جلب علاقه آنها و تحلیلی قوی و مبتنی بر تجربه، توازن برقرار کرد. حتی اسنادی نظیر: یادداشت‌ها، شهادت‌های کنگره، گزارش کارگروه‌ها و وبلاگ‌ها نیازمند قلابی هستند که مخاطب مدنظر را به چنگ آورند و سپس تحلیلی ارائه دهند که مخاطب برای تصمیم‌گیری یا تغییر دیدگاه خود به آن نیاز دارد.
- ③ شناخت بهترین راه‌های برقراری ارتباط با مخاطبان در جذب آنها بسیار مؤثر است. در این قسمت، شناخت وضعیت و درنظرگرفتن شرایط مخاطبان، از مهم‌ترین نکاتی است که اندیشکده‌ها باید به آنها توجه کافی داشته باشند. برای مثال، فقدان زمان کافی و حجم بالای کارها موجب شده است که جهت برقراری ارتباط بهتر با سیاستگذاران از یادداشت‌های سیاستی استفاده شود؛ یادداشت‌هایی که بتوانند حجم چشمگیری از مطالب را در یک تا دو صفحه خلاصه کنند.

جمع‌بندی

در این مطلب تلاش شده است به مرور اصل ارتباطات در اندیشکده‌ها پرداخته و چارچوبی کلی از آنها ارائه شود. همان‌طور که در متن اشاره شد، ارتباطات در اندیشکده‌ها را می‌توان از لحاظ گونه‌شناسی، جامعه

بررسی آماری پژوهش‌های فصلنامه

اندیشکده‌های دارای پژوهش در این فصلنامه

۱۹

کل اندیشکده‌هایی که پژوهش ارسال کرده‌اند

۵۵

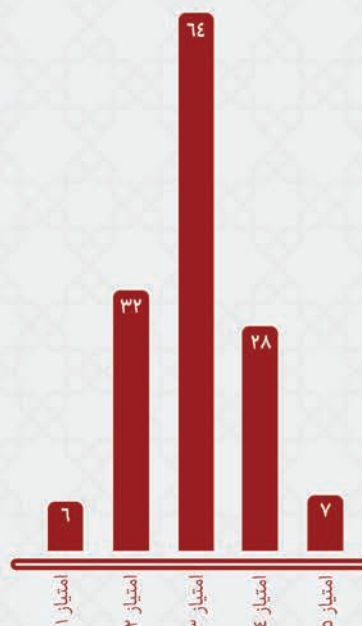
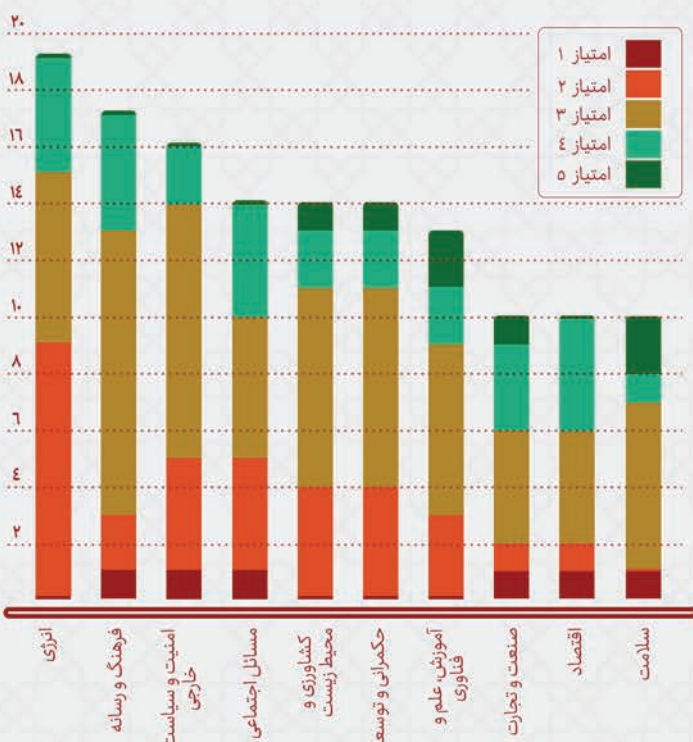
تعداد پژوهش‌های چاپ شده در مجله

۳۱

تعداد کل پژوهش‌های دریافت‌شده

۱۳۷

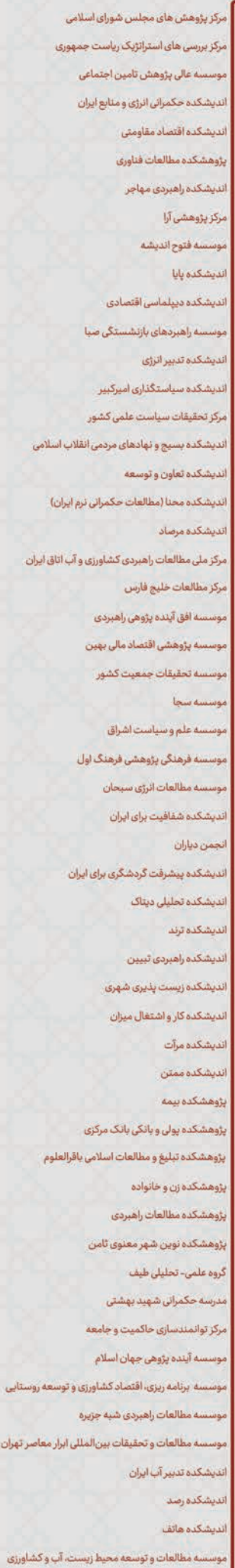
پژوهش‌های فصلنامه به تفکیک اندیشکده



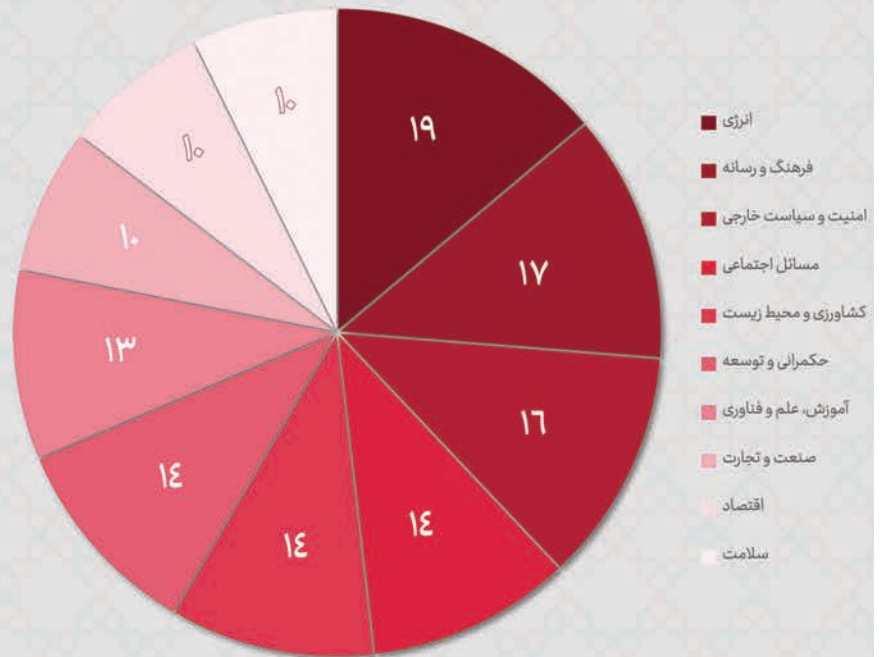
نمودار امتیازات پژوهش‌های دریافتی به تفکیک حوزه

نمودار امتیازات پژوهش‌های دریافتی

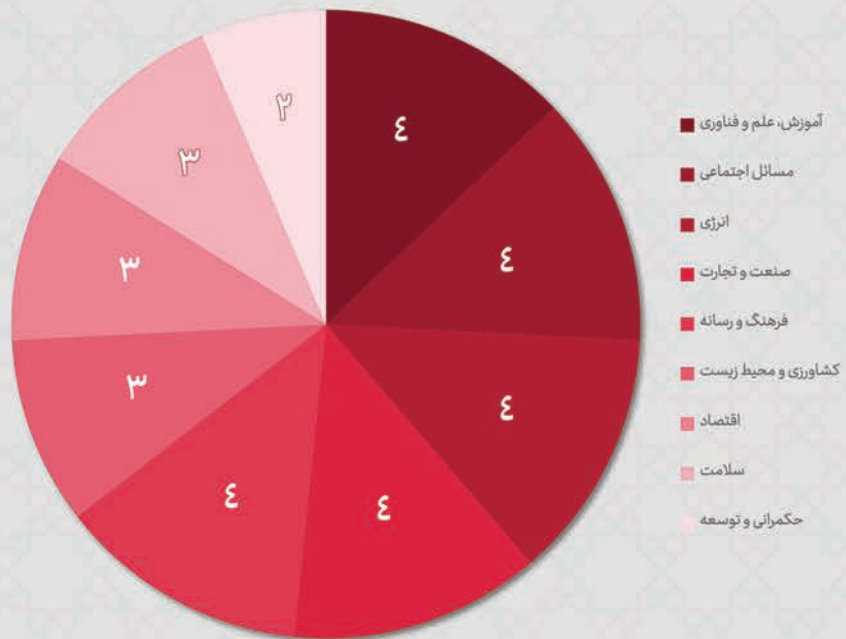
تعداد کل پژوهش‌های دریافتی به تفکیک اندیشکده



کل پژوهش‌های دریافتی به تفکیک حوزه موضوعی



پژوهش‌های فصلنامه به تفکیک حوزه موضوعی



زیست‌نخبگان علمی و کارآفرینان بین‌المللی در ایران



امیرحسین چیت‌ساز زاده



انجمن دیاران

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در دنیای امروز، سرمایه‌ انسانی به‌صورت روزافزونی در حال تبدیل شدن به محرک اصلی رشد و توسعه اقتصادی است؛ به‌نحوی که افراد ماهر و با استعداد، نقشی کلیدی در رفاه و کامیابی آینده کشورها ایفا می‌کنند. آن‌ها مشاغل کلیدی حوزه‌های نوآوری و پیشرفت فناورانه را به دست می‌گیرند. در نهایت ایشان به تسریع رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای دیگران و شرایط بهتر زندگی برای همگان یاری می‌رسانند. از این رو، تلاش برای جذب نیروی کار ماهر و آموزش دیده به‌منظور تقویت رقابت و به دست آوردن رفاه در بلندمدت از اهمیت زیادی برخوردار است.

امروزه سطح تحصیلات و مهارت‌های نیروی کار در سراسر جهان به‌شکل چشمگیری افزایش یافته است و جوانانی که به بازار کار می‌آیند، آموزش دیده‌تر از افرادی هستند که بازنشسته می‌شوند. از سوی دیگر، به دلیل پیچیدگی‌های روزافزون مسائل پیش‌روی کشورها، تمایل فراوانی نسبت به جذب موج عظیم تحصیل‌کرده‌های نخبه در سطوح ملی و بین‌المللی وجود دارد. این موضوع در چشم‌انداز پویای فعلی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

باز بودن سیاست‌های مهاجرتی کشورها به‌منظور بهره‌مندی از مهارت‌های افراد مختلف، ظرفیت شناسایی استعدادها و پاداش دادن به آنها از جمله ویژگی‌های مهم در جذب نخبگان مهاجر محسوب می‌شود. باید توجه داشت که در جهان بی‌ثبات و در حال تغییر امروز، دسترسی به عده‌ای از انسان‌های مستعد و نخبه کافی نیست؛ بلکه شهرها و کشورها باید تلاش بیشتری در راستای تنوع‌بخشی فرهنگی داشته و به توسعه فرهنگ ادغام متعهد باشند. نخبگان تنها به متفاوت بودن نیاز ندارند، بلکه به ادغام اجتماعی و شنیده شدن صدایشان از سوی سیاستگذاران نیازمندند.

در این شرایط و به‌دنبال برنامه دولت‌ها جهت جذب نخبگان، بهره‌گیری از استعدادهای مهاجر در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی افزایش یافته است. از سوی دیگر، بررسی سطح تحصیلات و مهارت‌های افرادی که از ایران مهاجرت کرده‌اند، حاکی از آن است که بیشتر مهاجرت‌کنندگان ایرانی دارای تحصیلات دانشگاهی و متخصص هستند؛ این در حالی است که بیشتر مهاجران وارد شده به ایران را کارگران ساده و فاقد مهارت تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی، برای استقرار ایران در چرخه جابه‌جایی نخبگان در جهان و به‌منظور بهره‌گیری از دانش و فناوری روز دنیا، ضروری است که زمینه لازم برای حضور و نقش‌آفرینی نخبگان غیرایرانی در کشور فراهم شود.

●● موانع زیست‌نخبگان غیرایرانی در ایران

در میان اتباع غیرایرانی ساکن ایران، افراد بسیاری وجود دارند که از

فناوری و نوآوری

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



امروزه در سطوح مختلف بین‌المللی دیگر بحث بر سر این نیست که حضور مهاجران نخبه در کشور مقصد، فرصت یا تهدید به شمار می‌آید. این بحث، اکنون جای خود را به چگونگی رقابت بر سر جذب مهاجران مستعد و فراهم ساختن محیطی مناسب برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های آنها داده است. ایران از چهار دهه گذشته میزبان جمعیت زیادی از مهاجران کشورهای منطقه بوده است. شیوه مواجهه قوانین و دستگاه‌های اجرایی با نخبگان علمی و کارآفرینان مهاجر با اشکالات زیادی روبه‌رو است؛ به‌نحوی که این قشر، همچنان برای رفع برخی از نیازهای اولیه و روزمره خود؛ مانند دریافت خدمات بانکی، گواهینامه رانندگی، مجوز اشتغال و ... باید گرفتار مسیرهای پرپیچ‌وخم اداری باشد.

اتمام تحصیل بتوانند ضمن کسب مجوز کار، به فراخور رشته تحصیلی و تخصص حرفه‌ای خود در شغل موردعلاقه‌شان مشغول به کار شوند. همچنین آنها باید از مزایای مثبت شغلی مانند: بیمه و سابقه کار نیز بهره‌مند شوند و به دولت ایران مالیات بپردازند. در گام بعدی، ایران باید مثل سایر کشورهای دنیا برای دانشجویان مهاجر ویزای اقامت پس از تحصیل صادر کند تا این افراد در صورت یافتن موقعیت شغلی مناسب بتوانند در ایران بمانند.

● **تمدید مدارک افراد دارنده کارت اقامت ویژه متناسب با مدت زمان اقامت:** کارت اقامت ویژه، می‌تواند نخستین گام در بهبود وضعیت مهاجران نخبه غیرایرانی به شمار آید که باهدف حمایت از نخبگان علمی و کارآفرینان خارجی صورت می‌پذیرد. این اقدام می‌تواند به اولویت‌بندی مواجهه با مهاجران، متناسب با توانایی و شایستگی‌های آنها منجر شود. همچنین به منظور اثربخش بودن کارت اقامت ویژه، باید تمامی مدارک افراد دارای کارت اقامت ویژه، متناسب با مدت زمان این نوع اقامت تمدید شود.

● **تسهیل روند بهره‌مندی از خدمات بانکی برای دارندگان کارت اقامت ویژه:** در دنیای امروز، بهره‌مندی از خدمات بانکی یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. از این رو لازم است که نهادهای ذی‌ربط، موانع موجود بر سر راه بهره‌مندی دارندگان کارت اقامت ویژه از خدمات بانکی را مرتفع سازند.

● **صدور گواهینامه رانندگی برای دارندگان کارت اقامت ویژه بدون نیاز به اخذ تعهد محضری و متناسب با مدت زمان اقامت:** به منظور تسهیل زیست شهروندان دارای اقامت ویژه باید گواهینامه رانندگی این افراد بدون اخذ تعهد محضری و متناسب با مدت زمان اقامت آن‌ها در کشور صادر شود.

ازجمله پیشنهادات دیگری که می‌توانند به رفع مشکلات نخبگان مهاجر کمک کنند می‌توان به «ایجاد زمینه‌های لازم جهت استخدام نخبگان خارجی دارای ۱۰ سال اقامت در ایران به‌عنوان استاد حق‌التدریس»، «رفع موانع مالکیت اتباع خارجی برای نخبگان مهاجر»، «انجام اصلاحات در زمینه نحوه صدور مجوز خروج و بازگشت دارندگان کارت اقامت ویژه» و... اشاره کرد.

جمع‌بندی

امروزه پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از حضور مهاجران در ایران، فقدان نگاه فرصت‌محور به آنها یکی از معضلات بزرگ کشور در حوزه سیاست‌های مهاجرتی است. اکنون در ایران جمعیتی میلیونی از مهاجران نخبه حضور دارند که عده‌ای از آنها باوجود محدودیت‌های انبوهی که از نگاه تهدیدمحور سیاست‌گذاران ناشی می‌شود، توانسته‌اند در حوزه‌های مختلف علم، فناوری، کارآفرینی و تجارت به مراتبی از موفقیت برسند. با این حال، این گروه از نخبگان برای زندگی در ایران با مشکلات بسیاری مانند: عدم صدور مجوز کار برای فارغ‌التحصیلان بین‌الملل، عدم امکان استخدام به‌عنوان هیئت‌علمی دانشگاه‌های ایران و موارد دیگری از این دست روبه‌رو هستند؛ از این رو در پژوهش پیش‌رو تلاش شد تا پیشنهاداتی جهت حل مشکلات این قشر ارائه شود.

دریاره پژوهش

این مطالعه در انجمن دیاران توسط امیرحسین چیت‌ساز زاده در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

توانمندی‌های خاصی در حوزه‌های علم و فناوری برخوردارند اما زندگی این افراد در کشور با چالش‌های متعددی روبه‌رو است؛ چالش‌هایی که جذابیت‌های ماندن آنها در ایران را کاهش می‌دهد. بدین معنا، در بسیاری از موارد به‌دلیل وجود قوانین قدیمی ناکارآمد، این افراد با محدودیت‌های متعددی روبرو هستند و هیچ‌گونه تسهیلات ویژه‌ای دریافت نمی‌کنند. این محدودیت‌ها که غالباً به سیاست‌های کلان مهاجرتی کشور مربوط می‌شود، ظرفیت‌های حوزه علم و فناوری را برای این افراد، غیرقابل استفاده می‌کند. در ادامه، به برخی از این مشکلات و محدودیت‌ها اشاره می‌شود:

● **عدم صدور مجوز کار برای فارغ‌التحصیلان بین‌الملل:** دانشجویان بین‌الملل پس از اتمام تحصیل در ایران، به‌دلیل عدم صدور مجوز اشتغال، ناچار به ترک کشور هستند. عده زیادی از این دانشجویان مهاجران افغانستانی ساکن ایران هستند که مجبور به اشتغال در مشاغل غیررسمی می‌شوند. آنها حتی چنانچه موفق به فعالیت در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود شوند نیز به‌دلیل نداشتن مجوز اشتغال قادر به برخورداری از خدمات بیمه‌ای نخواهند بود؛ بنابراین نمی‌توانند مدرک معتبری که حاکی از مدت زمان اشتغالشان باشد را به‌عنوان رزومه کاری خود ارائه کنند.

● **مشکلات بانکی:** نخبگان علمی و صاحبان کسب‌وکار برای رشد و توسعه فعالیت‌های خود، نیازمند استفاده از تسهیلات بانکی هستند. این در حالی است که افراد خارجی در ایران، امکان دریافت وام از بانک‌ها را ندارند، به آن‌ها دسته‌چک یا ضمانت‌نامه بانکی داده نمی‌شود و از امکان دریافت پایانه‌های فروش الکترونیکی هم محروم‌اند.

● **مشکلات متعدد در زمینه تمدید اقامت:** مهاجران خارجی ساکن ایران باید به‌صورت سالانه مدرک اقامتی خود را تمدید کنند. این اقدام، یک تا دو ماه از زمان مهاجران را به خود اختصاص می‌دهد؛ زمانی که می‌تواند صرف امور پربازده‌تری شود.

● **مشکلات صدور گواهینامه رانندگی:** به هر مهاجر غیرایرانی دارای گذرنامه، تنها در صورتی گواهینامه رانندگی اعطا می‌شود که اولاً متاهل باشد و دوماً تعهد محضری بدهد که از جابه‌جایی مسافر خودداری خواهد کرد. از سوی دیگر، صدور گواهینامه رانندگی برای مهاجران ساکن شهرستان‌ها امکان‌پذیر نیست و این امکان تنها برای مهاجران ساکن تهران، آن هم پس از صرف زمانی طولانی مقدور است. علاوه‌براین، از میان اعضای خانواده مهاجران، فقط یک نفر می‌تواند گواهینامه دریافت کند.

راهکارهای حل برخی از مشکلات نخبگان مهاجر

مسائل نخبگان غیرایرانی در دو گروه «دسترسی به حقوق اولیه شهروندی» و «محدودیت در ارتقاء زندگی و بهبود سطح اجتماعی-اقتصادی» دسته‌بندی می‌شود. بر این اساس، سیاست‌های پیشنهادی جهت برون‌رفت از وضعیت موجود و حل پاره‌ای از مشکلات نخبگان مهاجر به شرح زیر ارائه می‌شود:

● **بازنگری در سیاست‌های مهاجرتی نخبگان و تعریف ویزاهای اقامت پس از تحصیل برای دانشجویان بین‌الملل:** وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر نهادهای سیاست‌گذار باید متناسب با واقعیت‌های زندگی دانشجویان مهاجر، در سیاست «بازگشت دانشجویان مهاجر افغانستانی به افغانستان، پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی»، بازنگری کنند. بدین معنا، باید به دانشجویان مهاجر اجازه داده شود که پس از

سنجش رقابت پذیری علمی ایران در منطقه با استفاده از شاخص پیچیدگی علمی



بهروز شاهمرادی



مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

پژوهش و تولید علم

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوآرکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

توجه به علم و تفکر، محور اصلی آموزه‌های دین اسلام را تشکیل می‌دهد و در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با تکیه بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری، بر این امر تأکید زیادی شده است. در سند مذکور، از جنبش و نهضت نرم‌افزاری و علم‌آموزی به‌عنوان عنصری بسترساز برای تحقق استقلال فرهنگی، اقتصادی و حل‌وفصل مشکلات جامعه براساس ارزش‌های درونی، یاد شده است.

از آنجاکه عملکرد پژوهشگران ایرانی و به‌تبع آن، نظام علمی ایران طی سال‌های اخیر، تنها براساس تعداد مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های استنادی یا تعداد استنادات به مقالات ایرانی، مورد بررسی قرار گرفته است، لزوم استفاده از روش‌های چندمعیاره برای دستیابی به تصویری واقعی از نظام علمی ایران در مقایسه با کشورهای رقیب منطقه‌ای احساس می‌شود؛ بنابراین، هدف از انجام پژوهش پیش‌رو، ارائه تصویری واقعی و دقیق از جایگاه علمی ایران برای پاسخ‌گویی به نیازهای بیشتر است.

نتایج این پژوهش می‌تواند در راستای سیاست‌گذاری‌های کلان علمی، برنامه‌های راهبردی و نیز اتخاذ تصمیم‌های کلیدی جهت بهبود و پیشبرد سند چشم‌انداز علمی کشور مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تصویر درستی از وضعیت کشور در حوزه علم به‌دست دهد و راهبردهایی جهت افزایش تعاملات با نهادهای سیاستگذار این حوزه در سطوح ملی و بین‌المللی ارائه کند.

●● علم‌سنجی و سنجش پیچیدگی علمی

در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران باید کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی و علمی در سطح منطقه باشد. بنابراین سیاست‌گذاری در این دو حوزه باید در راستای تحقق این هدف باشد. یکی از ملزومات سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه علم، پایش و تحلیل کمی و کیفی حرکت کشور به‌کمک روش علم‌سنجی است. اساس کار این علم، بررسی چهار متغیر اصلی است که شامل: «گزارش‌های علمی منتشرشده»، «استناد به نتایج یک تحقیق علمی پس از انتشار»، «بررسی منابع پژوهش‌های علمی» و «وابستگی مؤسساتی محققان و نویسندگان» می‌شود. علم‌سنجی پس از بررسی همه‌جانبه، با ارائه ترکیب مناسبی از شاخص‌ها، به تبیین روند تولید علم و بازدهی پژوهش‌های علمی می‌پردازد.

مطالعات انجام‌گرفته در حوزه علم‌سنجی در کشور به‌دلیل استفاده از روش‌های تک‌معیاره (تعداد مقالات) و عدم سنجش پیچیدگی تولیدات علمی کشور در مقایسه با کشورهای منطقه، از قابلیت اتکای چندانی برخوردار نیستند. این مطالعات، عمق پیشرفت‌های علمی و فناوریانه کشور



در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، بر روندشناسی وضعیت علمی-اقتصادی به‌عنوان پیش‌زمینه تحرک کشور به‌منظور دستیابی به سطحی از توسعه‌یافتگی در منطقه تأکید شده است. در این نگاه، بُعد علمی و پژوهشی برمبنای روحیات و تلاش‌های جهادی، کوشش در مسیر نهادینگی جنبش علم و نهضت نرم‌افزاری به‌عنوان زیربنا و شاکله اصلی توسعه و پیشرفت کشور مطرح است. مجلات و منابع معتبر علمی در سطح دنیا به سنجش کمی و کیفی وضعیت علمی کشورها می‌پردازند. باوجود اینکه در بسیاری از موارد از جمله: نانو و علوم هسته‌ای-نظامی، پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است، اما به‌دلیل عدم ارتباطات فراملی و تحریم‌های مختلف، جایگاه و سنجش اثرگذاری کشور به‌شکلی واقعی مشخص نشده است.

● ● راهکارهای سنجش مطلوب وضعیت علمی ایران در سطح جهان و منطقه

ایران برای ورود به حوزه‌های پیچیده و کمتر فراگیر، نیازمند بسترسازی و ایجاد قابلیت‌های بیشتر نسبت به کشورهای رقیب منطقه‌ای است. در ادامه، به مهم‌ترین راهکارهای موجود در این زمینه اشاره می‌شود:

۱) برای بهینه‌سازی نظام پژوهشی و آموزشی، مسئولان و سیاستگذاران ستاد نقشه جامع علمی کشور باید در روزآمدسازی شاخص‌ها به شاخص‌های کیفی نظیر: شاخص پیچیدگی علمی (علوم بهداشت، پرستاری، حرفه‌های سلامت و سایر حوزه‌های پزشکی و روانشناسی و...) توجه داشته باشند.

۲) از دولت انتظار می‌رود که با حضور فعال و مؤثر خود، راهگشای ایجاد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موردنیاز جهت دستیابی به علوم دارای پیچیدگی بالا و یاری‌رسان رشد و شکوفایی علمی کشور باشد.

۳) مسئولین و دست‌اندرکاران نظام ارزیابی اعضای هیأت علمی آموزشی و پژوهشی باید بر مبنای حوزه فعالیت علمی اساتید، به ارزیابی عملکرد آنها بپردازند.

۴) لازم است سیاستگذاران عرصه علمی کشور به منظور درک هرچه بهتر و شفاف‌تر وضعیت موجود علمی و آگاهی از مسیر پژوهشی پیش‌رو، به موازات بهره‌مندی از سایر نقشه‌های علمی، در ارائه راهبردها و تصمیمات خود از چنین نقشه‌هایی هم بهره‌مند شوند.

۵) برای هدایت و جهت‌بخشی به فعالیت‌های علمی نظام‌های آموزشی و پژوهشی، لازم است حوزه‌های علمی و اثرگذار دارای پیچیدگی بالا و فراگیری پایین، به آنها معرفی شوند.

۶) پژوهشگرانی که مایل به انجام پژوهش در حوزه‌های سیاست علمی هستند، باید از طریق پایگاه‌های معتبر دنیا به ترسیم نقشه فضای علم بپردازند.

جمع‌بندی

عملکرد پژوهشگران ایرانی و به تبع آن، نظام علمی کشور طی سال‌های اخیر، تنها براساس تعداد مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های استنادی مورد بررسی قرار گرفته است، بنابراین، لزوم استفاده از روش‌های چندمعیاره‌ای که بتواند نظام علمی ایران را از ابعاد دیگری مانند: تنوع و فراگیری مورد بررسی قرار دهد، امری مهم و کلیدی است. بدین منظور، در پژوهش پیش‌رو از روش علم‌سنجی استفاده شده است که به کمک آن می‌توان کارایی تحقیقات را اندازه‌گیری کرد. نتایج حاصل از بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایران در حوزه‌های علمی دارای پیچیدگی بالا، رتبه ۴۰ جهان و ۸ منطقه را در اختیار دارد. این جایگاه، نشان می‌دهد که ایران در بسیاری از علوم پیچیده با معیارهای استنادی دنیا فاصله دارد. برای بهبود وضعیت ایران در این حوزه، پیشنهادهایی مطرح شده که یکی از مهم‌ترین آنها، توجه مسئولان و سیاستگذاران ستاد نقشه جامع علمی کشور به روزآمدسازی شاخص‌های کیفی جهت بهینه‌سازی نظام پژوهشی و آموزشی است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به: شاخص پیچیدگی علمی (علوم بهداشت، پرستاری، حرفه‌های سلامت و سایر حوزه‌های پزشکی، روانشناسی و...) اشاره کرد.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با همکاری بهروز شاه‌مردادی و امیرا جنوی در سال ۱۳۹۶ انجام شده است.

در حوزه‌های مختلف، تنوع حوزه‌های مذکور و فراگیری تولیدات علمی ایران را دربرنمی‌گیرند. از این رو به منظور سیاستگذاری مؤثرتر، لزوم استفاده از روش‌های چندمعیاره برای سنجش پیچیدگی علمی ایران درمقایسه با کشورهای منطقه احساس می‌شود.

رویکرد پیچیدگی، روشی چندمعیاره برای سنجش پیچیدگی علمی کشورها درمقایسه با یکدیگر است. این روش به واسطه ترکیب همزمان دو سنجش تنوع علمی در نظام علمی کشورها، بررسی تعداد استنادات مقاله‌های تولیدشده در حوزه‌های مختلف علمی و نیز فراگیری علم تولیدشده، به مقایسه پیچیدگی تولیدات علمی کشورها می‌پردازد.

● ● وضعیت ایران از منظر شاخص پیچیدگی علمی در جهان و منطقه

طبق آمار و ارقام، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۶، ایالات متحده آمریکا، استرالیا و کانادا کشورهای هستند که از حیث شاخص پیچیدگی علمی، رتبه‌های اول تا سوم جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. در این پژوهش، کشورهای منطقه که در سند ۱۴۰۴ تأکید شده است ایران در حوزه‌های اقتصادی و علمی باید سرآمد آنها باشد- مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در میان کشورهای بررسی شده، تنها رژیم صهیونیستی جزو ۱۰ کشور برتر جهان از منظر پیچیدگی علمی است و آذربایجان و ارمنستان نیز جزو ۱۰ کشور آخر دنیا هستند.

از حیث پیچیدگی علمی، ایران در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ رتبه هشتم منطقه‌ای و رتبه چهارم جهانی را به خود اختصاص داده است. رتبه‌های برتر منطقه به ترتیب در اختیار «رژیم صهیونیستی»، «ترکیه»، «لبنان»، «امارات»، «اردن»، «کویت»، «عربستان»، «ایران»، «مصر»، «قطر»، «عمان»، «پاکستان»، «فلسطین»، «عراق»، «گرجستان»، «قزاقستان»، «یمن»، «سوریه»، «آذربایجان» و «ارمنستان» است. کسب رتبه هشتم شاخص پیچیدگی علمی در میان بیست کشور منطقه، حاکی از آن است که حجم بالایی از تولیدات علمی و استنادات ایران در علوم فراگیر و فاقد پیچیدگی بالا صورت گرفته است.

بر مبنای تولیدات علمی مشترک کشورهای منطقه، ترکیه، عربستان، پاکستان و مصر، مهم‌ترین رقیبان تولیدات علمی ایران در منطقه محسوب می‌شوند. در شرایط کنونی، رژیم صهیونیستی، فارغ از رتبه اول پیچیدگی در منطقه، به دلیل کمترین تولیدات علمی مشترک، از منظر شاخص پیچیدگی علمی رقیب ایران محسوب نمی‌شود.

شاخص ارزش فرصت نیز دیگر شاخص مورد استفاده در این پژوهش است که نشان‌دهنده ضعف در ایجاد ظرفیت‌ها و بسترهای تولید علوم پیچیده نسبت به سایر کشورهای منطقه است. براساس نتایج این شاخص، چنانچه کشورهای نظیر: اردن، کویت، لبنان و ترکیه بخواهند در حوزه‌ها و زیرحوزه‌های دارای پیچیدگی بالا اقدام کنند، برای رسیدن به هدف خود از قابلیت‌های بیشتری نسبت به ایران برخوردارند. ایران نیز برای ورود به حوزه‌های پیچیده و کمتر فراگیر، نیازمند بسترسازی و ایجاد قابلیت‌های بیشتری نسبت به کشورهای مذکور است. برای مثال، ایران از سال ۱۳۷۹ به بعد، فعالیت‌های مرتبط با فناوری‌های نانو را به شکل جدی در دست‌ورکار خود قرار داد. این اقدام، باعث جهش کشور در حوزه‌های علمی پیچیده و منجر به ارتقای جایگاه ایران در سطح منطقه و جهان شد؛ به نحوی که رشد کشور در حوزه‌های هسته‌ای و نانو به ۲۵۰ برابر میانگین جهان رسید. بنابراین، برای جهش در سایر حوزه‌های دارای پیچیدگی بالا به بسترسازی نیاز است.

توسعه سرمایه انسانی راهکاری بدیل در سیاستگذاری حوزه علم، فناوری و نوآوری



امیرمحمد واعظی



اندیشکده هاتف

فناوری و نوآوری

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

ضرورت و اهداف پژوهش

سیاستگذاری علم، فناوری و نوآوری تخصصی مرکب از نظریات گوناگون است. امروزه توسعه علم و فناوری به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی بشدت گره خورده است. در این حوزه که متغیرها و بازیگران متعددی وجود دارند و موجب پیچیده شدن مسیر توسعه علم و فناوری شده است. سؤالی که وجود دارد این است که آیا به راستی این اکوسیستم اثربخشی و کارایی مدنظر را داشته است؟

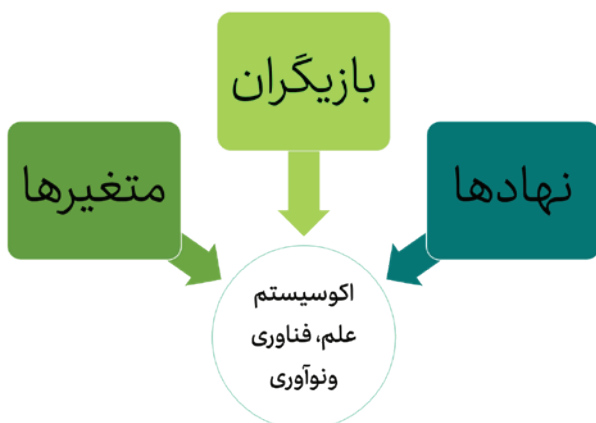
برای رسیدن به پاسخ این سؤال، ضروری است که مسائل این حوزه و گفتمان‌های حاکم بر فضای سیاستگذاری حوزه علم و فناوری شناسایی شوند. از طریق شناسایی علت‌ها و معلول‌های مسائل این حوزه می‌توان درک درستی از این فضا به دست آورد و برای رفع آن‌ها اقدام کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش تحقیق کیفی داده‌بنیان و پس از مصاحبه با ۲۰ نفر از بازیگران این اکوسیستم در حوزه‌های مختلف، دانش ضمنی بازیگران فعال را گردآوری کرده است و تصویری بدیل از وجوه اقتصاد سیاسی این اکوسیستم ارائه می‌دهد. همچنین نگرشی جدید جهت تبیین این وجوه از موضوع توسعه علم و فناوری در کشور پیشنهاد شده است. مدل مفهومی به دست آمده نشان می‌دهد که اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری از سه رکن «بازیگران»، «نهاده‌ها» و «متغیرها» تشکیل شده است.

ارکان اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری

همانطور که بیان شد، مدل مفهومی ساخته شده دارای سه رکن است که در ادامه به بررسی این سه رکن پرداخته می‌شود:



روزگار معاصر، دورانی است که بشدت به توسعه علم، فناوری و نوآوری گره خورده است. همه کشورها در رقابت با یکدیگر، به دنبال توسعه این عرصه هستند و کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در سال‌های اخیر، مسئله توسعه علم، فناوری و نوآوری، به شیوه‌ای خاص و متمایز در کشور مطرح شده است. شتاب‌دهنده‌ها، پارک‌های علم و فناوری، استارت‌آپ‌ها و... پدیده‌های جدیدی هستند که به تبع این شیوه جدید با بازار، صنعت و دانشگاه‌ها گره می‌خورند. این اکوسیستم نوین که با عنوان «اکوسیستم نوآوری» شناخته می‌شود، تبلیغات گسترده‌ای با خود به همراه داشته است، اما به ندرت ارزیابی دقیقی از وجوه عمیق سیاست‌گذاری آن انجام شده است.

• نهادها

نهادهای مختلفی در ایران بر توسعه علم و فناوری اثر می‌گذارند. (منظور از نهاد در این پژوهش، قواعد حاکم بر زمین بازی توسعه اکوسیستم نوآوری است). از جمله این نهادها می‌توان به نهادهای قانونی اشاره کرد که برای توسعه علم و فناوری باید پیش‌نیازهای قانونی نظیر «قانون حق مالکیت فیزیکی»، «قانون حق مالکیت معنوی» و... را فراهم کنند. نهادهای اقتصاد سیاسی که با اتفاقاتی مانند «حجم بالای اقتصاد خصولتی»، «حضور وسیع بازیگران امنیتی در اقتصاد» و بر توسعه علم و فناوری اثر گذارند. همچنین نهادهای فرهنگی، که به گسترش فرهنگ «فردمحوری به جای سیستم‌محوری»، «تحقیق ۴۰ ساله سرمایه‌داری» و... منجر شده‌اند، نیز بر توسعه علم و فناوری مؤثر هستند.

• بازیگران

بازیگران کسانی هستند که از طریق نهادها در بستر این اکوسیستم به فعالیت می‌پردازند. این بازیگران قواعد بازی نهادها را در تعاملات خود پیش فرض قرار می‌دهند و مبتنی بر آنها رویکردهای تقابلی، رقابتی و ائتلافی اتخاذ می‌کنند.

دولت یکی از بازیگرانی است که گاهی از طریق «تصدی‌گری در بازار»، «عددسازی برای نمایش وضعیت مطلوب در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان»، «سرمایه‌گذاری ناکافی و غیره‌د فمند در حوزه تحقیقات پایه» و... توسعه علم و فناوری را مختل می‌کند. شرکت‌های دولتی نیز به دلایلی همچون «ناکارآمدی مدیران دولتی به علت شریک‌نبودن در سود»، شرکت‌های خصولتی با «بهره‌مندی دوجانبه از مزایای شرکت‌های خصوصی و دولتی» نیز به توسعه این حوزه ضربه می‌زنند. شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان یکی دیگر از بازیگران این حوزه هستند که گردش مالی اندک دارند و در تأمین سرمایه محدودیت دارند. سرویس‌های امنیتی با ویژگی‌هایی نظیر «ورود تمامیت‌خواهانه به اقتصاد»، «دست‌آویز قرار دادن فناوری برای دسترسی بیشتر به منافع» و... یکی دیگر از بازیگران مؤثر بر توسعه علم و فناوری به شمار می‌آیند. بازیگر دیگر در این زمینه، نخبگان و دانشگاهیان هستند که با «الگو برداری ناقص»، «بی‌توجهی به خاستگاه فناوری در علوم انسانی» و... بر این حوزه اثر گذارند.

• متغیرها

متغیرها نتیجه بازی بازیگران را نشان می‌دهند که مبتنی بر قواعد بازی نهادها است. تمرکز بر این متغیرها به ارزیابی نتیجه کارکرد اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری در ایران منجر می‌شود. این متغیرها شامل «رشد فرهنگی»، «رشد سرمایه انسانی»، «رشد اقتصادی»، «رشد سیاسی»، «رشد علم و فناوری» و «بلوغ سیستمی» می‌شوند. هر یک از این متغیرها پارامترهایی برای سنجش دارند. به طور مثال، متغیر رشد سرمایه انسانی را می‌توان از طریق «میزان توانمندسازی اکوسیستم در جذب و نگهداری افراد پیش‌فعال، تربیت و توسعه مهارت‌های افراد» و «وجود افراد با توانمندی‌های علمی و فناوری، بازرگانی و اثرگذار در صنعت» سنجید. مثالی دیگر، متغیر رشد سیاسی است که به کمک پارامترهایی مانند «میزان رقابت و به رسمیت شناختن حضور دیگران» و «میزان مدیریت فعالانه تعارض منافع» و... مشخص می‌شود.

• گفتمان توسعه سرمایه انسانی

بنابر یافته‌های پژوهش باید از دو گفتمان کلاسیک و البته منسوخ در توسعه اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری فراتر رفت. گفتمان‌هایی که در

دو قالب «کشش بازار» و «فشار فناوری» ترسیم شده‌اند.

در گفتمان کشش بازار، تقاضای بازار تعیین‌کننده توزیع سرمایه انسانی و منشأ خلق ثروت است. مبتنی بر این گفتمان، علم و فناوری در نهایت محصول تقاضای بازار است. در گفتمان فشار فناوری منشأ تولید ثروت، بازاری است که ساختارهای آن را فناوری (تخصص‌های جدید پدیدآمده از دل پژوهش‌های طولانی‌مدت) تعیین می‌کند. گفتمان اول تقویت سمت تقاضای فناوری در بازارها و توسعه فناوری‌های نوین بر اساس نیاز بازار را به عنوان راهکار توسعه علم، فناوری و نوآوری پیشنهاد می‌دهد و گفتمان دوم بالعکس بر روی هزینه‌کرد دولتی در توسعه علوم پایه و فناوری‌های نوین را به عنوان راهکار توسعه علم، فناوری و نوآوری مد نظر قرار می‌دهد.

در این پژوهش، راهکار سومی به عنوان مسیر توسعه علم، فناوری و نوآوری در کشور مطرح می‌شود. سازوکار بهینه و پیشنهادی جهت توسعه علم، فناوری و نوآوری گفتمان توسعه سرمایه انسانی (توجه به تعدد و تنوع سرمایه انسانی و طراحی سازوکار برای توسعه و بهره‌برداری از آن) است. این گفتمان اصولی مشخص دارد.

در این گفتمان پیشنهادی، ثروت محصول مبادله نیاز و استعداد است و در واقع بازار زمانی پدید می‌آید که یک فرد، با استعداد خود به نیاز دیگری پاسخ دهد. توزیع سرمایه انسانی را استعدادها و نیازها تعیین می‌کنند. همچنین در این گفتمان، فناوری محصول تلاقی استعداد و نیاز بشر است. این گفتمان پیشنهاد می‌کند که نیازها و استعدادها سرمایه انسانی می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قرار داده شود. می‌توان به جای مباحث طولانی و بی‌سرانجام ناظر به اولویت بازار یا فناوری، به شکوفاسازی استعدادها فراوان موجود در سرمایه انسانی کشور و کمک به جای‌گیری درست افراد در محل‌های متناسب با استعدادها بالفعل و بالقوه‌شان پرداخته شود.

جمع‌بندی

سیاست‌ها در حوزه اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری از انسجام کافی برخوردار نیست. معضل اساسی، عدم توجه بر محوری‌ترین دارایی کشور، یعنی سرمایه انسانی در سیاستگذاری‌ها است. بنابراین لازم است برای متوجه‌ساختن سیاستگذاران به سرمایه انسانی اقدامی صورت گیرد. این پژوهش با ارائه پیش‌درآمدی از یک تصویر کلان از اکوسیستم علم، فناوری و نوآوری در ایران نشان می‌دهد که برخلاف آنچه در ظاهر امر به نظر می‌رسد، ریشه کلیدی مشکلات اکوسیستم در حوزه فروش و بازرگانی، حوزه تولید و فناوری و حوزه تحقیقات پایه نیست، بلکه باید آن را در حوزه توسعه بهینه سرمایه انسانی جستجو کرد. پیشنهاد این پژوهش توجه به گفتمان انسان‌گرا در مقابل گفتمان‌های کشش بازار و فشار فناوری است. پیش‌بینی می‌شود در گفتمان انسان‌گرا با تکیه بر دو مفهوم استعداد و نیاز، تلقی جدیدی نسبت به شکل‌گیری بازار و توسعه فناوری در حوزه سیاستگذاری صورت گیرد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده هاتف با همکاری امیرمحمد واعظی، محسن حسن‌نژاد و امیر محمدی‌دوست به سفارش مؤسسه هدایت تخصصی رضوان شریف در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

بررسی مسائل آموزش و پرورش و تعیین اولویت‌ها جهت سیاست‌گذاری



جلال کریمیان



مرکز بررسی‌های استراتژیک
ریاست جمهوری

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در سال‌های اخیر، نظام آموزش و پرورش کشور به دلیل فشارهای اقتصادی و سیاست‌های نادرست دولت‌ها در وضعیتی قرار گرفته است که نسبت به کارآمدی آن در سطوح مختلف تردیدهای جدی وجود دارد. از یک‌سو خانواده‌ها به‌ویژه خانواده‌های ساکن در شهرهای بزرگ، گرایش بیشتری به مدارس غیردولتی پیدا کرده‌اند و از سوی دیگر، معلم‌ها از شرایط شغلی خود ناراضی‌اند. از منظر جامعه‌شناختی و حکمرانی نیز آموزش و پرورش هنوز نتوانسته است وظایف خود را درقبال جامعه و دولت به‌درستی انجام دهد. مجموع این مسائل زمانی می‌تواند بهبود پیدا کند که نگاه حاکمیت به این عرصه از نگرشی روزمره و خدمات‌محور به نگرشی بلندمدت و راهبردی تغییر یابد. در این راستا پژوهش حاضر، ابتدا به شناسایی مسائل اساسی و ریشه‌ای حوزه سیاست‌گذاری آموزش و پرورش پرداخته و در گام بعدی، پیشنهادهایی اولیه برای ورود سیاست‌گذاران به قلمروی این مسائل ارائه کرده است.

●● نمایی کلی از دستاوردها و کاستی‌های آموزش و

پرورش

برای بررسی عملکرد آموزش و پرورش، لازم است کارکردهای اساسی آن را به‌عنوان شاخص بررسی عملکرد این نهاد مورد توجه قرار داد. شاخص‌های ارزیابی وضعیت آموزش و پرورش در سه دسته کلی «گسترش و همگانی شدن سواد»، «عدالت» و «کیفیت» طبقه‌بندی می‌شوند. برآیند بررسی‌ها حاکی از آن است که هرچند آموزش و پرورش در زمینه گسترش و اجباری‌سازی آموزش پیش از دبستان تعلل داشته، اما در مجموع، توانسته است در زمینه گسترش آموزش عمومی نمره قابل قبولی کسب کند. همچنین این نهاد نتوانسته است بستر مناسبی برای ایجاد نظامی شایسته‌سالار و ضدتبعیض آموزشی ایجاد کند. بررسی شاخص‌های کیفی ارزیابی نظام آموزش، نشان‌دهنده آن است که بیشتر اهالی آموزش و پرورش از شرایط حاکم بر مدارس و آموزش رضایت ندارند. همچنین مدارس در پرورش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های مربوط به اشتغال نیز موفقیت چندانی بدست نیاورده‌اند و از این جهت نیز مورد انتقادهای زیادی قرار دارند.

●● مسائل و مشکلات آموزش و پرورش

چالش‌های اساسی آموزش و پرورش را می‌توان ذیل سه عنوان اصلی «مسائل مربوط به ساختار آموزش و پرورش»، «برنامه‌داری و محتوای آموزشی و تربیتی» و «ارتباط آموزش و پرورش با سایر نظام‌ها» طبقه‌بندی کرد. نظام مسائل آموزش و پرورش را می‌توان در قالب شکل صفحه بعد نشان داد:

حکمرانی آموزش و فناوری

موضوع تخصصی



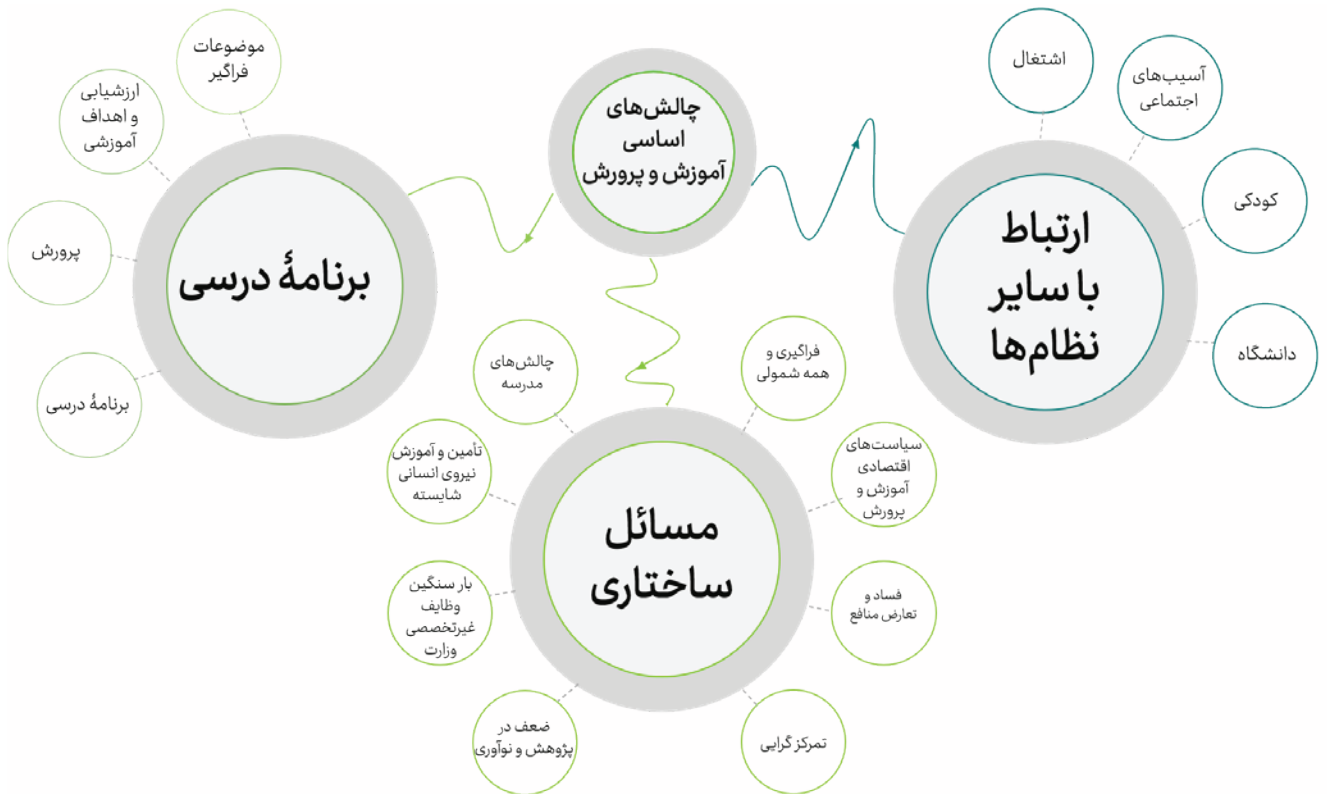
امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن
کامل پژوهش، کیوآرکد
مقابل را اسکن کنید.



آموزش و پرورش عمومی یکی از عرصه‌های مهم رفاه اجتماعی است. کارکرد اصلی نهاد آموزش و پرورش، ارتقای دانش و مهارت‌های عموم مردم به‌منظور مشارکت در رشد جامعه است. از دیگر کارکردهای آن می‌توان به آموزش مهارت‌های لازم به افراد برای استقرار در موقعیت‌های شغلی مورد نیاز جامعه و ایجاد زمینه‌ای برای ارتقای اجتماعی اقشار مختلف اشاره کرد. افق آینده‌پژوهانه نشان می‌دهد که نظام آموزش و پرورش علاوه بر مواجهه با مشکلات معمول خود، باید بتواند کارکردهایش را در جهان جدید بازتعریف کند تا به نقطه‌ای نرسد که هزینه‌هایش بر فایده‌هایش غلبه یابد. از این رو، به‌منظور بسط نگاه راهبردی در این حوزه، باید مهم‌ترین مسائل آموزش و پرورش را با توجه به اهمیت راهبردی آنها مورد بررسی قرار داد.



غیرفراگیر بدل کند. بنابراین، سیاست‌های خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش باید در اسرع وقت متوقف شود.

۵) **فقدان برنامه‌ریزی اصولی و واقع‌بینانه و نبود راه‌حل‌های نوآورانه:** با وجود تمام کاستی‌های مالی آموزش و پرورش و کمبود بودجه برای برنامه‌ریزی و نوآوری، لازم است نیروی انسانی و منابع مالی موجود، متناسب با یک برنامه‌ریزی واقع‌بینانه بکارگرفته شوند. پیشنهاد می‌شود که وزیر آموزش و پرورش جلوی برنامه‌ریزی‌های صوری در سازمان را بگیرد و بودجه و امکانات موجود را در مسیر اولویت‌های واقعی مدنظر، تنظیم کند. همچنین مثل سایر نهادهای دولتی و غیردولتی آموزش و پرورش، لازم است بازسازی نهاد متولی نوآوری یعنی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی نیز در دستورکار قرار گیرد.

جمع‌بندی

تردیدهای موجود در کارایی نظام آموزش و پرورش بر اثر فشارهای اقتصادی و سیاست‌های نادرست دولت‌ها، این ضرورت را مطرح می‌سازد که نگاه حاکمیت به این عرصه، باید از نگاهی روزمره و خدمات‌محور به نگرشی بلندمدت و راهبردی تغییر یابد. پژوهش پیش‌رو پس از آسیب‌شناسی نهاد آموزش و پرورش و بررسی دستاوردها و کاستی‌های آن، به دنبال ارائه اولویت‌هایی برای افزایش کارایی این نهاد است. در این راستا، پنج اولویت اصلی به‌منظور افزایش کارایی نظام آموزش و پرورش ارائه شده است. پیشنهاد محوری این پژوهش به وزارت آموزش و پرورش، اجرایی‌سازی اهداف و سیاست‌های سند تحول بنیادین در پرتو نگاه سیستمی به اولویت‌ها است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری توسط جلال کریمی‌ان در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

اولویت‌های سیاستی پیشنهادی در آموزش و پرورش

۱) عدم اولویت آموزش و پرورش در نظام تصمیم‌گیری کلان: تلاش برای بهبود تدریجی جایگاه آموزش و پرورش در نظام حکمرانی کشور، راهبردی‌ترین اقدامی است که باید توسط تصمیم‌گیران ذی‌ربط، پیگیری شود.

ورود هوشمندان به سطوح بالای سیاستی، نیازمند تعیین اولویت‌های سیاستگذارانه بر مبنای معیارهای مشخص و شرایط موجود است. سیاستگذاری باید بر اساس اهداف، امکانات و زمان در دسترس، نسبت به انتخاب معیارها و سپس اولویت‌های خود اقدام کند. در ادامه، به پنج اولویت آموزش و پرورش که لزوم مداخله و سیاستگذاری در آنها محسوس است، اشاره می‌شود:

۲) **کیفیت نیروی انسانی:** تعیین خط‌مشی برای جذب نیروهای توانمند در دو بخش ستاد و صف آموزش و پرورش، می‌تواند تأثیری بلندمدت بر همه بخش‌های آموزش و پرورش بگذارد. نیروی انسانی قدرتمند، در قامت مطالبه‌گری قوی برای آموزش و پرورش در دولت و جامعه ایفای نقش خواهد کرد.

۳) **ناتوانی ذی‌نفعان در مطالبه‌گری مؤثر:** یکی دیگر از برنامه‌ریزی‌های راهبردی سیاستگذاران آموزش و پرورش، باید بر آگاهی‌بخشی در زمینه آموزش و پرورش جامعه معطوف باشد تا از این طریق، جامعه مدنی به حمایت از نیازهای آموزش و پرورش بشتابد.

۴) **سیاست‌های خصوصی‌سازی:** تجربه‌های پنج‌سال گذشته نشان می‌دهد که اقتصاددانان دولتی به کیفیت آموزش در مدارس دولتی اهمیت نمی‌دهند و هدفشان واگذاری حد اکثری مدارس است. تداوم این روند، ظرف ۱۰ سال می‌تواند آموزش و پرورش عمومی را به نهادی

تأثیر تحریم پتروشیمی در سرمایه‌گذاری‌های صندوق بازنشستگی کشوری



سیدرضا میرنظامی



موسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

صنایع مادر و استراتژیک

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این
پژوهش در جایزه ملی
سیاستگذاری، کیوارکد
مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

پورتفوی صندوق بازنشستگی شامل ۱۱ شرکت پتروشیمی است. بررسی پورتفوی صندوق بازنشستگی از حیث محصولات تولیدی و صادراتی نشان می‌دهد که ۴ شرکت پتروشیمی جم، فن‌آوران، خارک و شازند بیشترین تأثیر را در سبد سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی دارند. به طوری که ۸۵ درصد سود خالص صندوق بازنشستگی، از این ۴ پتروشیمی به دست آمده است، علاوه بر این، ۴۷ درصد از کل تولیدات و ۴۴ درصد از درآمدهای صادراتی پتروشیمی‌ها، پورتفوی صندوق را تشکیل می‌دهند. از این منظر، بررسی روندهای کلان حاکم بر این شرکت‌ها، محصولات صادراتی آنها، وضعیت بازار جهانی این محصولات، دورنمای تجاری محصولات در دنیا و بررسی برنامه‌های آتی صنعت پتروشیمی ایران، مفید خواهد بود. به دلیل اینکه محصولات تولیدی پتروشیمی‌ها مانند، متانول و پلیمرها بیشترین تأثیر را دارند، این محصولات به صورت تخصصی بررسی می‌شود.

●● روش‌شناسی پژوهش

روش استفاده‌شده در این بررسی، کیفی و گروه تمرکزی (Focus Group) از طریق مصاحبه با مدیران باتجربه در حوزه‌های فنی، حقوقی، بازرگانی، مالی و فعالان در بازارهای جهانی پتروشیمی است. در این راستا، در فصل اول، به صورت تفصیلی، پورتفوی سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری در شرکت‌های پتروشیمی، شاخص‌های عمده در صنایع پتروشیمی دنیا و جایگاه ایران در تقسیم کار جهانی صنعت پتروشیمی بررسی می‌شود. با توجه به تأثیر زیاد دو محصول متانول و زنجیره اتیلن در پورتفوی صندوق بازنشستگی، در فصل‌های دوم و سوم، روندهای کلان حاکم بر این محصولات، بازیگران جهانی و داخلی و همچنین پیش‌بینی‌های آینده بازار این محصولات به صورت تفصیلی بررسی می‌شود. در فصل پایانی با مرور تحریم‌های مستقیم و غیرمستقیم که با صنعت پتروشیمی ایران مرتبط هستند، تأثیر این تحریم‌ها بر مؤلفه‌های بااهمیت صنعت پتروشیمی که شامل تأمین مالی، تأمین خوراک، دانش فنی و کاتالیست، صادرات محصولات، حمل‌ونقل و تراکنش‌های بانکی با تمرکز بر پتروشیمی‌های صندوق بازنشستگی است، بررسی می‌شود. سپس تأثیر نهایی افزایش هزینه‌های ناشی از تحریم بر سود بالقوه صندوق بازنشستگی کشوری، در سه سناریو محاسبه می‌شود.

●● محورهای اصلی تحریم صنعت پتروشیمی

ردیابی آثار تحریم‌های اعمال شده بر صنعت پتروشیمی، نشان می‌دهد به طور کلی ۷ مؤلفه کسب‌وکار این صنعت که از تحریم‌ها اثرپذیر هستند



حدوداً ۷۰ درصد از سهامداری سبد تولید صنعت پتروشیمی کشور با بخش عمومی است که شامل صندوق‌های بازنشستگی، بنیادها و سهام عدالت می‌شود. صندوق بازنشستگی کشوری در ۱۱ شرکت پتروشیمی سهامدار است. فارغ از میزان درصد سهامداری، صندوق بازنشستگی کشوری، به طور میانگین طی ۳ سال منتهی به ۱۳۹۷، سهامدار ۲۵ درصد از تولیدات پتروشیمی و ۳۰ درصد از صادرات پتروشیمی کشور است. در سال‌های اخیر، با تشدید و گسترش و تعمیق تحریم‌ها علیه ایران، صنعت پتروشیمی با محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. این تحریم‌ها بر مؤلفه‌های بااهمیت صنعت پتروشیمی، تأثیرات بدی گذاشته است.

صادق نبوده و راهبرد اصلی در این طرح‌ها همچنان خرید فناوری است. همچنین، تعریف یک بستر همکاری هلدینگ‌های بازنشستگی کشوری با شرکت‌های داخلی توانمند در حوزه کاتالیست، برای تأمین این ماده حیاتی طرح‌های بالادستی، ضرورت دارد.

• راهکارهای ضدتحریمی در صادرات فرآورده‌ها

تمرکز بر بازار ترکیه به عنوان بزرگترین بازار پتروشیمی همسایه، باید با سیاست‌های حمایتی دولت از جمله حمایت‌های تعرفه‌ای و لجستیکی، همراه باشد. همچنین، استفاده مجدد از ظرفیت شرکت‌های تراستی با قید هماهنگی داخلی و اقدام یکپارچه اما در قالب شرکت‌های متنوع، یک گزینه تجربه‌شده برای صادرات محصولات به کشورهای مقصد است.

• راهکارهای ضدتحریمی در حمل‌ونقل محصولات

با توجه به هزینه‌های حمل‌ونقل فعلی، مقایسه‌ای بین دو سناریوی حمل با چارتر کشتی‌های خارجی و خرید کشتی و حمل با این تانکرها صورت گرفت. براساس محاسبات انجام شده، با حفظ شرایط تحریم، می‌توان تانکرهای شیمیایی خرید و محصول را با کشتی‌های داخلی صادر کرد. این طرح به سرمایه‌گذاری ۱.۲ میلیارد دلاری نیاز دارد. با فرض فروش تمام کشتی‌های در اختیار طی ۵ سال آتی، چیزی در حدود ۰.۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی برای پتروشیمی‌های این حوزه از جمله شرکت‌های در اختیار صندوق بازنشستگی حاصل خواهد شد.

• راهکارهای ضدتحریمی در تبادلات مالی و بانکی

اصلی‌ترین راهکارهای آزموده در حوزه مبادلات بانکی، سه روش بانک‌های ثالث خطرپذیر، فلزات گران‌بها و ایجاد و تقویت شرکت‌های تراستی است. اما در استفاده مجدد از این راهکارها باید الزامات و اقتضائاتی را در نظر گرفت. علاوه بر این، استفاده از اتاق پایاپای مانند بلاک‌چین و رمزارزهای مبتنی بر آن نیز پیشنهاد می‌شود.

جمع‌بندی

با توجه به اهمیت صنعت پتروشیمی در سرمایه‌گذاری‌های صندوق بازنشستگی کشوری، بررسی تأثیر تحریم بر این صنعت ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور، در این پژوهش راهبردهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت این صنعت از سوی بازیگران آن از جمله صندوق بازنشستگی کشوری مبتنی بر رصد رفتار بازیگران و در عین حال مواجهه اصولی و هدفمند با محورهای تأثیرپذیر از تحریم این صنعت، ترسیم شد. با شناسایی مؤلفه‌های تحریم‌پذیر این صنعت و بررسی راهکارهای پیشین، مجموعه‌ای از راهکارها برای هر مؤلفه ارائه شد. هدف این راهکارها کاهش ضربه‌پذیری این صنعت از تحریم‌های احتمالی است. نمونه‌ای از راهکارهای ضدتحریمی در تأمین مالی در شرایط فعلی سه گزینه تأمین مالی از طریق آورده نقدی سهامداران، انتشار اوراق و ایجاد صندوق پروژه خصوصی، برای تکمیل دو طرح اصلی صندوق بازنشستگی (طرح ABS/Rubber پتروشیمی جم و اوره-آمونیاک مسجد سلیمان) است.

دریافته پژوهش

این مطالعه در مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا با همکاری سید رضا میرنظامی، سعید طهماسبی‌آشتیانی و سید حامد توانگر در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

عبارتند از: «تأمین مالی»، «تأمین خوراک»، «تأمین کاتالیست»، «تأمین دانش فنی»، «صادرات محصول»، «حمل‌ونقل و ترانکشن‌های بانکی». بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با فعالان صنعت و همچنین بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پتروشیمی وابسته به صندوق بازنشستگی، بازه زمانی اثرگذاری تحریم‌های اعمال شده بر هر یک از این مؤلفه‌ها و در نهایت تأثیری که تحریم بر سود صندوق بازنشستگی خواهد گذاشت، بر حسب جدول زیر خواهد بود.



• راهکارهای کاهش آسیب‌های تحریمی برای صندوق بازنشستگی

مؤلفه‌های تحریم‌پذیر، در نهایت خود را در قالب کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های شرکت‌ها نشان می‌دهند. از این رو در این بخش، راهکارهای ممکن و قابل اجرا برای گریز از تحریم‌ها و کاهش آثار منفی آن بر جریان مالی صندوق بازنشستگی بررسی می‌شود:

• راهکارهای ضدتحریمی در تأمین مالی

با توجه به نتایج مطالعات، در شرایط فعلی سه گزینه تأمین مالی از طریق آورده نقدی سهامداران، انتشار اوراق و ایجاد صندوق پروژه خصوصی، برای تکمیل دو طرح اصلی صندوق بازنشستگی (طرح ABS/Rubber پتروشیمی جم و اوره-آمونیاک مسجد سلیمان) پیشنهاد می‌شود.

• راهکارهای ضدتحریمی در تأمین دانش فنی و کاتالیست

با توجه به ظرفیت‌های ایجادشده، به‌ویژه در حوزه کاتالیست و طرح‌های عمده کشور مانند متانول و الفین‌ها، می‌توان به منابع داخلی اتکا کرد. البته این موضوع در خصوص دانش فنی طرح‌های پایین‌دستی

الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی



مریم احمدیان



مرکز پژوهش‌های مجلس

روابط تجاری و اقتصادی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

طی دو دههٔ اخیر، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با رشد و توسعهٔ اقتصادی بسیاری از کشورها همراه و موجب رقابت کشورهای جهان برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی شده است. FDI چرخه‌ای برای فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند که به واسطهٔ آن، انتقال فناوری و تأمین مالی خارجی صورت می‌پذیرد. در پژوهش‌های پیشین، کمتر به مسئلهٔ کیفیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و نحوهٔ بهینه‌کردن بهره‌وری از ظرفیت‌های موجود، پرداخته شده است. غالب پژوهش‌های انجام‌شده با مفروض داشتن نفع سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور، به دنبال ارائهٔ راهکاری برای ایجاد جذابیت و سودآوری برای خارجیان بوده‌اند. بدین ترتیب، از منظر محاسبهٔ احتمال آسیب یا کسب منافع حداقلی از FDI، آنچنان که باید به راهکارهای بهینه‌سازی منافع کشور از طریق ورود سرمایهٔ خارجی توجه نشده است. پژوهش پیش‌رو، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که چگونه می‌توان از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به‌عنوان ابزار رشد و توسعهٔ اقتصادی استفاده کرد؟ یا به بیان دیگر، شرایط و الزامات بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل جذب در ایران چیست و چگونه ایجاد می‌شود؟

●● وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در

جهان

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) طی سال‌های اخیر، رشد قابل توجهی داشته و در ۴۰ سال گذشته، نزدیک به ۴۰ برابر شده است. اگرچه بررسی آمارهای یک دههٔ اخیر پس از بحران مالی و افت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، نشان می‌دهد که تا به امروز، مجموع FDI سالیانه نتوانسته است به سقف پیش از بحران مالی برسد. بخش عمدهٔ این کاهش، به سرمایه‌گذاری جذب‌شده توسط کشورهای توسعه‌یافته مربوط است که جذب‌کنندهٔ نیمی از کل FDI هستند. بدین ترتیب، عدد مربوط به کشورهای در حال توسعه تقریباً ثابت مانده است. تا سال ۲۰۰۰، حدود ۷۸ درصد FDI توسط کشورهای توسعه‌یافته جذب شده است. این سهم در سال ۲۰۱۸، به ۶۴/۴ درصد کاهش یافته است، اما همچنان جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمایل بیشتری برای ورود به کشورهای توسعه‌یافته دارد. در سال‌های اخیر، آمریکا، چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور، نیوزلند، انگلیس، برزیل، استرالیا، اسپانیا و هند، به ترتیب بیشترین سرمایهٔ مستقیم خارجی را جذب کرده‌اند. همچنین ژاپن، چین، فرانسه، هنگ‌کنگ، آلمان، نیوزلند، کانادا، انگلیس، کرهٔ جنوبی و سنگاپور نیز بیشترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را انجام داده‌اند. ایران در سال ۲۰۱۸، تنها حدود ۰/۳ درصد جریان ورودی سرمایهٔ خارجی را جذب کرده است.



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «سرمایه‌گذاری مشتمل بر ارتباط طولانی‌مدت، منافع پایدار و کنترل شرکت خارجی در کشور مقصد» است و از نکات مثبت آن می‌توان به سهیم بودن سرمایه‌گذار خارجی در ریسک سرمایه‌گذاری، انتقال دانش و فناوری به کشور میزبان اشاره کرد. در دنیا این نوع سرمایه‌گذاری طی دو دههٔ اخیر رشد قابل توجهی داشته و تلاش‌هایی برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است؛ اما در ایران نتیجهٔ چنین تلاش‌هایی توفیق چندانی نداشته است. تاکنون بررسی‌های مختلفی پیرامون موانع جذب، راهکارهای افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مزایا و فواید آن بررسی شده، اما کمتر به کیفیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران توجه شده است.

آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد میزبان

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌تنهایی تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد، بلکه این بهبود شرایط اقتصاد میزبان و ایجاد ظرفیت‌های جذب و خلق فناوری است که به‌صورت هم‌زمان باعث افزایش رشد و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. ازجمله آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد میزبان، می‌توان به: تأثیر بر بهره‌وری، تأمین سرمایه و ارز، اشتغال و دستمزد، جریان تجارت، ایجاد ثبات اقتصادی، انتقال دانش، مدیریت و فناوری و درنهایت، تأثیر بر رشد اقتصادی کشورها اشاره کرد.

تجربه کشورهای در بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تجربه مشترک کشورهای آسیای شرقی (مالزی، چین، هنگ‌کنگ، کره جنوبی و سنگاپور) در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حاکی از آن است که تمامی کشورهای بررسی‌شده به FDI به‌عنوان ابزار توسعه و به‌ویژه انتقال فناوری از خارج نگریده‌اند. FDI تنها کانال انتقال فناوری از خارج نیست؛ کره جنوبی از سایر روش‌های انتقال فناوری مانند: مهندسی معکوس، خرید لیسانس، استخدام مشاور و متخصص خارجی در کنار تقویت ظرفیت‌های داخلی بهره‌برده است. FDI در کره جنوبی به‌شکلی بسیار محدود، گزینشی و صرفاً در مواردی که تنها راه دستیابی به فناوری به‌شمار آمده، مورد استفاده قرار گرفته است. اتکای اصلی دولت کره در رشد صنایع با فناوری پیشرفته، بر ایجاد و تقویت ظرفیت‌های داخلی تحقیق و توسعه بوده است. آنها برای انتقال فناوری از طریق FDI، به ایجاد ظرفیت و قابلیت جذب فناوری پرداخته‌اند. آزادسازی ورود سرمایه خارجی در چین و کره جنوبی برخلاف هنگ‌کنگ، فرایندی تدریجی و بلندمدت بوده است. علاوه بر جریان ورودی FDI، جریان خروجی نیز می‌تواند کانال انتقال فناوری از خارج باشد.

وضعیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

جذب سرمایه خارجی در ایران، منبع‌محور بوده و به‌ندرت وارد تولید شده است. بخش عمده سرمایه خارجی در بخش نفت خام وارد شده و از حیث روش سرمایه‌گذاری، غالباً به شکل قراردادی است. مسئله جذب اندک FDI در ایران، متأثر از مسائل سیاسی و فضای بین‌المللی بوده است. در شرایط فعلی، انگیزه اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، مبتنی بر دسترسی به بازار و منابع اولیه ارزان بوده است و FDI، تأثیر مستقیمی بر فعال شدن کانال‌های مختلف سرریز فناوری در کشور نداشته است. از سوی دیگر، سیاست شرکت‌های خارجی برای بهره‌مندی از بازار ایران در وهله نخست، مبتنی بر صادرات کالا یا اعطای لیسانس بوده است و اساساً این شرکت‌ها کمتر به تولید و سرمایه‌گذاری در ایران وارد شده‌اند. در صنعت نفت نیز به‌دلیل ضعف انتقال فناوری، بر لزوم ایجاد ظرفیت جذب فناوری و حضور فعال نهادهای تنظیم‌گر شاغل در این حوزه تأکید می‌شود. این تأکید، به‌منظور ایجاد زمینه بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های جذب، صورت می‌پذیرد.

برای شناخت فضای تدوین توصیه‌های سیاستی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نسبت به تشکیل تیمی خبره که هم با شرایط ایران آشنایی کامل داشته باشد و هم تجربه تدوین ماتریس SWOT را دارا باشد، اقدام شد. در ادامه، نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در این حوزه شناسایی شدند. ازجمله نقاط قوت ایران برای جذب سرمایه، می‌توان به: نیاز بازارهای جهانی به منابع کشور به‌ویژه نفت، گاز و معدن اشاره کرد. یکی از نقاط ضعف موجود، وجود تحریم‌های گسترده بین‌المللی است. چرخه صعودی جدید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، وجود منابع مالی و اشتیاق سرمایه‌گذار خارجی به سرمایه‌گذاری در اقتصادهای نوظهور، ازجمله فرصت‌ها به‌شمار می‌آید. ازجمله تهدیدها نیز می‌توان به: ادامه تحریم‌ها و وجود تصویری مخدوش از کشور نزد محافل سرمایه‌گذاری جهانی اشاره کرد.

راهکارهای جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

راهکارهای زیر، به‌منظور جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد برداشت و ادراکی صحیح از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نزد مدیران و سیاستگذاران کشور؛ به‌نحوی که سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان ابزاری برای انتقال فناوری تلقی شود، نه ابزاری برای تأمین مالی. به‌منظور بهره‌گیری از اصلی‌ترین کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یعنی انتقال فناوری، لازم است که ظرفیت‌های جذب فناوری از خارج ایجاد شود.
- سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین، با ملاحظه حفظ دستاورد شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی، تدوین شود.
- با الگوبرداری از کشورهای موفق مانند: کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ملاحظات فرا اقتصادی (به‌ویژه ملاحظات سیاسی و امنیتی) در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی جدی گرفته شوند.

جمع‌بندی

متأسفانه در ایران شرایط مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه خارجی اندک واردشده به‌منظور توسعه اقتصادی کشور فراهم نیست. اگرچه محیط نامناسب کسب‌وکار و تحریم‌های بین‌المللی از اقبال سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور کاسته، اما زمینه استفاده مناسب از همان سرمایه خارجی اندک واردشده نیز فراهم نشده است. ازجمله مهم‌ترین دلایل بروز این مشکل، می‌توان به: برداشت و ادراک نادرست مدیران و سیاستگذاران کشور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فقدان ظرفیت‌های جذب و انتقال صحیح و کامل فناوری از این طریق، اشاره کرد. در این پژوهش، پیشنهادهای برای جذب سرمایه خارجی در ایران ارائه شده است که از جمله آنها می‌توان به: «تدوین سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین با ملاحظه حفظ دستاورد شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی» اشاره کرد.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری مریم احمدیان و محمدصادق صارمی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

ظرفیت طرح جاده ابریشم جدید در توسعه تجارت با کشورهای محور مقاومت



رضا سهرابی



اندیشکده اقتصاد مقاومتی

روابط تجاری و اقتصادی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده سایر آثار این
اندیشکده در سایت جامعه
اندیشکده‌ها، کیوآرکد مقابل
را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ به خصوص کشورهای محور مقاومت، به دلایلی نظیر: ایجاد فقر و افزایش مهاجرت مردم به دیگر کشورها، سرایت ناامنی از این کشورها به ایران و اشتراکات دینی و فرهنگی برای جمهوری اسلامی ضروری و حائز اهمیت است. علاوه بر موارد مذکور، منافع سیاسی-اقتصادی ایران ایجاب می‌کند که با استفاده از ظرفیت موجود در بازار کشورهای محور مقاومت، به صادرات توان تولیدی مازاد خود و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف بپردازد و در نهایت زمینه رشد اقتصادی خود و سایر کشورهای این محور را رقم زند. چین سال‌ها است که در قالب طرح جاده ابریشم جدید، به اقتصاد بسیاری از کشورها ورود کرده و سعی دارد با تقویت زیرساختی کشورهای هم‌پیمان خود، جبهه‌بندی اقتصادی تازه‌ای در سطح دنیا رقم بزند. گسترش همکاری‌های ایران با چین در پرتو طراحی نقشه راهی آگاهانه می‌تواند از یک سو به توسعه تجارت خارجی کشور منجر شود و از سوی دیگر، به تقویت اقتصاد دو کشور سوریه و عراق به عنوان کشورهای محور مقاومت بیانجامد. از این رو در گام نخست، ضروری است که به شناسایی توانمندی‌های مهم ایران پرداخته شود و سپس، نیازهای کلیدی کشورهای محور مقاومت شناسایی و بررسی شوند.

●● نیازهای موجود در عراق و سوریه و اولویت سنجی آنها

نیازهای دو کشور عراق و سوریه و نیز کشوری مانند: یمن که هم‌زمان درگیر جنگ است و در مسیری مشابه عراق و سوریه حرکت می‌کند، به طور کلی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند. نیازهای اجتماعی که شامل نیازهای حوزه مسکن، آموزش، سلامت، میراث فرهنگی و گردشگری است. نیازهای تولیدی شامل: نیازهای حوزه کشاورزی و صنعت را شامل می‌شود. در نهایت نیازهای زیربنایی که مربوط به نیازهای حوزه انرژی، نفت و گاز، حمل و نقل، فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات شهری است.

در کشور عراق از حیث نیازهای اجتماعی، نیاز به مسکن و بهداشت از اولویت بیشتری برخوردار است. در زمینه نیازهای تولیدی، کشاورزی حائز اولویت بیشتری است و در نهایت از حیث نیازهای زیربنایی، بازسازی خطوط حمل و نقل و صنعت برق از اهمیت بیشتری به نسبت سایر موارد برخوردارند.

در کشور سوریه نیز از حیث نیازهای اجتماعی، ساخت مسکن برای آوارگان سوری در اولویت است. در زمینه نیازهای تولیدی، توسعه کشاورزی اولویت دارد و از حیث نیازهای زیربنایی نیز احیای صنعت نفت و زیرساخت‌های مرتبط با حمل و نقل از اولویت بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است



اکنون نیازهای اقتصادی متعددی در کشورهای جنگ‌زده سوریه و عراق وجود دارد که ایران از توانایی لازم برای رفع بسیاری از آنها برخوردار است. با این حال، وجود مشکلات داخلی و خارجی متعدد مانع از توسعه تجارت خارجی با کشورهای مثل سوریه و عراق شده است. رفع مشکلات داخلی نیازمند اقداماتی در حوزه‌های قانون‌گذاری و... است و رفع مشکلات خارجی در شرایط فعلی، مستلزم تعامل و همکاری با دیگر کشورها است. یکی از مناسب‌ترین کشورها برای گسترش همکاری‌های دو یا چند جانبه، چین است. استفاده از ظرفیت طرح جاده ابریشم جدید و تعامل آگاهانه با چین می‌تواند زمینه حل بسیاری از موانع تجارت خارجی ایران را فراهم آورد.

حذف دلار و استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری، می‌توان مانع از کاهش سرمایه در گردش و افزایش توان تولیدکنندگان ایرانی برای خرید مواد اولیه شد. همچنین از این طریق می‌توان از تشدید نوسانات ارزی که به علت وابستگی بیش از حد معاملات تجاری شرکت‌های ایرانی به دلار بوجود آمده‌اند، جلوگیری کرد.

• رفع برخی موانع خارجی از طریق همکاری با چین

با «ایجاد سیستم پرداخت مستقر، مستقل از سیستم‌های تحت سلطه آمریکا» و نیز عضویت در سیستم پرداخت بین‌بانکی فراسرزمینی (CIPS) چین و یا متصل ساختن سیستم‌های پرداخت محلی ایرانی نظیر: ساتنا به این سیستم، می‌توان عوارض ناشی از عدم همکاری سوئیفت با بانک‌های ایرانی را به حداقل رساند. همچنین مشکل عدم همکاری بانکی کشورهایی نظیر: عراق با بانک‌های ایرانی نیز در پرتو بهره‌گیری از نقش واسطه‌ای بانک‌های چینی حل‌شدنی است. «منطقه‌گرایی» یکی از کلیدی‌ترین اقدامات برای رفع آثار تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا است. در نتیجه با حمایت فعال چین از ایران برای عضویت دائم در برخی سازمان‌های منطقه‌ای و نیز تقویت تجارت منطقه‌ای از یک سو و کاهش تدریجی تعرفه‌ها از سوی دیگر، دولت آمریکا عملاً به اهدافی که از قبل تحریم ایران دنبال می‌کند، دست نخواهد یافت.

• توصیه‌ها و پیشنهادات سیاستی

در این پژوهش با اتکا به نقش و ظرفیت طرح جاده ابریشم جدید، توانمندی‌های داخلی ایران و نیازهای کلیدی کشورهای جنگ‌زده‌ای نظیر: عراق و سوریه مورد بررسی قرار گرفته است و سپس پیشنهادهایی جهت توسعه تجارت ایران با کشورهای محور مقاومت و رفع موانع موجود در حوزه تجارت خارجی ارائه شده است. از جمله این پیشنهادات می‌توان به: «شکل‌گیری جریان سرمایه‌گذاری‌های مشترک با چین»، «ایجاد سیستم پرداخت مستقر، مستقل از سیستم‌های تحت سلطه آمریکا»، «عضویت در سیستم پرداخت بین‌بانکی فراسرزمینی و (CIPS) و متصل ساختن سیستم‌های پرداخت محلی ایرانی به این سیستم»، «بهره‌گیری از نقش واسطه‌ای بانک‌های چینی» و در نهایت «تقویت تجارت منطقه‌ای» اشاره کرد.

جمع‌بندی

جنگ داخلی در سوریه و عراق، آسیب‌های زیادی را به بخش‌های مختلف این دو کشور وارد ساخته و اقتصاد هر دو کشور را با نقصان‌های جدی مواجه کرده است. در نتیجه فرصت مهمی برای ایران وجود دارد که با ورود به این کشورها موجبات بازسازی آنها و رونق اقتصادی خود را فراهم سازد. توجه به جایگاه رو به رشد چین در عرصه اقتصاد بین‌الملل، تعامل فعال و آگاهانه با این کشور در کنار طراحی نقشه راهی ناظر به نوع و میزان این تعامل، می‌تواند زمینه حل بسیاری از موانع تجارت خارجی ایران را فراهم سازد و توانمندی‌های داخلی کشور را به نیازهای موجود در کشورهای محور مقاومت پیوند بزند. در این پژوهش با بررسی نیازهای کشورهای محور مقاومت و مزیت‌های ایران برای رفع این مشکلات تلاش شده است با استفاده از ظرفیت چین در قالب جاده ابریشم جدید، پیشنهادهایی را برای سیاست‌گذاران ارائه دهد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده اقتصاد مقاومتی توسط رضا سهرابی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

• توانمندی‌های ایران در حوزه‌های مختلف

یکی از مهم‌ترین شروط کمک‌رسانی به کشورهای هدف، توانمندی کافی کشور کمک‌کننده است. توانمندی‌های داخلی ایران که قابلیت عرضه به سوریه و عراق را دارند، عبارتند از:

• امنیت

در مقطعی که بیشتر کشورهای خاورمیانه گرفتار جنگ‌های نیابتی یا تخاصمات داخلی مسلحانه هستند، جمهوری اسلامی به یکی از امن‌ترین کشورهای منطقه تبدیل شده است. عدم سرایت ناامنی‌های موجود در منطقه به مرزهای ایران، از توان بالای نیروهای نظامی کشور حکایت دارد.

• خدمات فنی و مهندسی

ویرانی‌های ناشی از جنگ در کشورهای عراق و سوریه، شرایط مساعدی را برای ترمیم و بازسازی بناهای آسیب‌دیده فراهم ساخته است. بسیاری از فعالان و متخصصین ایرانی در حوزه‌های فنی و مهندسی، از توان و آمادگی لازم برای حضور در کشورهای جنگ‌زده-چه در قالب پیمانکاری و چه در قالب سرمایه‌گذاری برخوردارند. بنابراین در حوزه‌های فنی و مهندسی نیز توان داخلی کافی برای کمک‌رسانی به کشورهای هدف وجود دارد.

• تولید و صادرات برق

ایران باتوجه به موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود، ظرفیت مناسب بالقوه و نیز زیرساخت‌های قابل توجهی که برای تولید برق در اختیار دارد، از ظرفیت لازم جهت تبدیل شدن به قطب منطقه در حوزه انرژی، به‌ویژه گاز و برق بهره‌مند است. با توجه به نیاز مبرم دو کشور سوریه، عراق و نیز سایر کشورهای منطقه به برق و گاز، ایران می‌تواند با کمک بخش خصوصی داخلی و خارجی به تقویت زیرساخت‌های خود بپردازد و جریان سرمایه‌گذاری را به سوی ساخت نیروگاه هدایت کند. در این صورت، میزان صادرات ایران در حوزه انرژی به کشورهای منطقه نیز افزایش خواهد یافت.

• ظرفیت طرح جاده ابریشم جدید چین برای

رفع موانع موجود

بر مبنای طرح جاده ابریشم جدید چین موسوم به ابتکار «اکمربند-راه»، دولت چین به توسعه زیرساختی کشورها پرداخته و با این ابتکار، هم برای نیروی متخصص و تولید مازاد خود بازار پیدا می‌کند و هم در نهایت با ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، دسترسی خود به بازارهای آسیا، آفریقا و اروپا را تسهیل و تسریع می‌سازد.

بخش زیادی از برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در راستای توسعه طرح جاده ابریشم جدید است و این امر، می‌تواند نقش مهمی در نقشه راه اقتصادی دو کشور ایفا کند. همچنین حضور اقتصادی چین در کشورهای عراق و سوریه پس از جنگ و اجرای پروژه‌های مختلف زیرساختی در این کشورها، ذیل طرح جاده ابریشم جدید، عامل مهم دیگری است که لزوم تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر جمهوری اسلامی در تعامل با این قدرت جهانی و تبیین حدود و ثغور این تعامل را ضرورت می‌بخشد.

• حل برخی مسائل داخلی به واسطه همکاری با چین

یکی از مشکلات شرکت‌های ایرانی، عدم توانایی کافی برای رقابت با شرکت‌های رقیب است. راه‌حل این مشکل را می‌توان در «شکل‌گیری جریان سرمایه‌گذاری‌های مشترک با چین» جست‌وجو کرد. در پرتو

راهنمای دیپلماسی اقتصادی ایران با همسایگان



امیرحسین عرب‌پور



انديشكده ديپلماسی اقتصادی

روابط تجاری و اقتصادی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

دیپلماسی اقتصادی راهی مؤثر در راستای افزایش رشد اقتصادی و مقاوم کردن اقتصاد کشور با توجه به بازگشت تحریم‌های اقتصادی است. برای رسیدن به چنین هدفی باید ایران اقتصاد قوی و اقتدار ملی داشته باشد. دیپلماسی اقتصادی یعنی مناسبات اقتصادی در روابط خارجی اهمیت یابد. دیپلماسی اقتصادی یکی از ابزارهای مهم برای پیشبرد اهداف بلندمدت و راهبردی کشورها است که می‌تواند به تحقق اهداف اقتصادی کمک کند و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی را افزایش دهد. به همین دلیل، اولویت دولت‌های یازدهم و دوازدهم، دیپلماسی اقتصادی و توجه به همسایگان در برنامه دولت و وزارت امور خارجه است. هدف این پژوهش، بررسی راهبرد نوین سیاست خارجی دولت دوازدهم در توجه به دیپلماسی اقتصادی و بازارهای منطقه در دوران افزایش تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی است.

●● اهمیت گسترش دیپلماسی اقتصادی با همسایگان

ایران به عنوان یک قدرت بالقوه اقتصادی در جهان در جایی واقع شده که حدود ۱۰ درصد ذخایر نفت و ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد. توجه و تمرکز به ظرفیت بازار بزرگ منطقه، پیشران تحقق برونگرایی سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشور خواهد بود. دستیابی به بازار کشورهای همسایه، در کنار نقش آفرینی همه نهادهای دولتی، تکالیف و وظایف سنگینی را متوجه وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌کند. گام اول در برونگرایی اقتصادی و توسعه صادرات غیرنفتی، حضور تولیدات و کالاهای ایرانی در بازار همسایگان است. بازار کشورهای منطقه به دلایلی همچون سهولت دسترسی (وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک و کاهش هزینه‌های حمل و نقل)، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و تمدنی، محوریت ترانزیتی ایران و امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه (در نتیجه کاهش آثار تحریم‌ها بر تجارت خارجی)، دارای اهمیت راهبردی هستند و در هر برنامه‌ای برای توسعه تجارت خارجی و صادرات کالاهای ایرانی، باید در اولویت قرار گیرند. در واقع، بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران باید کشور اول منطقه از نظر اقتصادی و صادرات محصولات باشد. اما در حال حاضر جایگاه ایران در منطقه از نظر صادرات، پس از کشورهای امارات، عربستان و ترکیه قرار دارد. هدف‌گذاری ۱۲۰ میلیارد دلاری صادرات غیرنفتی در برنامه ششم توسعه در همین چارچوب ارزیابی می‌شود، به گونه‌ای که ایران در سال ۱۴۰۰ باید حداقل به ۱۲۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی دست پیدا کند. مهمترین الزام تحقق این میزان از صادرات، استفاده از دیپلماسی اقتصادی فعال و هوشمندانه است.



تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و فرصتی که برای تجارت با کشورهای منطقه ایجاد شده است، اهمیت توجه به گسترش روابط با همسایگان و حضور در بازارهای منطقه را از قبل بیشتر کرده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، ایران ظرفیت بسیار بالایی در دستیابی به بازار کشورهای همسایه دارد. به همین دلیل، دیپلماسی اقتصادی و توجه به همسایگان هدف برنامه دولت دوازدهم و وزارت امور خارجه است. این راهبرد، نقش مؤثری در بازدارندگی در برابر منابع بی‌ثباتی در منطقه و مقابله با آثار تحریم‌ها خواهد داشت. با وجود این، بررسی اسناد نشان می‌دهد که فاصله زیادی تا دستیابی به نقطه مطلوب این هدف وجود دارد.

منطقه، تقویت تولید داخلی و اشتغال‌زایی و دستیابی به ارزش افزوده مناسب و درآمدهای ارزی برای کشور حاصل می‌شود.

●● راهکارهای تقویت دیپلماسی اقتصادی و

توجه به بازار همسایگان

دولت دوازدهم تقویت دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط با همسایگان را یکی از اولویت‌های خود قرار داده بود. با این حال، نواقصی در برنامه‌های عملیاتی این دولت وجود داشت. بنابراین به منظور رفع این نواقص و تقویت دیپلماسی اقتصادی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ① ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با محوریت کشورهای دوست و خصوصاً همسایگان با توجه به بسترهای مشترک تاریخی و فرهنگی
- ② استفاده از بستر سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ارتقاء تعامل اقتصادی با کشورهای همسایه؛
- ③ استفاده از پیمان‌های دوجانبه تجاری و ارزی و ایجاد بازار بین بانکی معاملات ریالی و ارزی با کشورهای منطقه؛
- ④ تقویت تعاملات با کشورهای قدرتمند منطقه مانند: ترکیه، روسیه و هند با نگاه ائتلاف‌جو و با در نظر گرفتن مواضع و منافع ملی توسط دولت؛
- ⑤ استفاده از ظرفیت رسانه‌ای و بهره‌مندی از شبکه‌های برون‌مرزی برای نشان دادن توانمندی‌های تجاری واقعی ایران به ملت‌های منطقه
- ⑥ ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی از طریق تبلیغ ظرفیت‌های اقتصادی ایران در کشور میزبان؛
- ⑦ تقویت دیپلماسی عمومی و شرکت فعال بخش خصوصی واقعی (کارآفرینان، صنعتگران و بازرگانان) در بازار کشورهای همسایه؛
- ⑧ تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی متشکل از وزارت صنعت، معدن و تجارت با بازوی اجرایی سازمان توسعه تجارت، وزارت امور خارجه با بازوی معاونت تازه تأسیس دیپلماسی اقتصادی و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، به عنوان بالاترین نهاد بخش خصوصی به منظور تسریع در تصمیم‌گیری‌ها و کاهش موازی‌کاری؛
- ⑨ تدوین سند یکپارچه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مشارکت نخبگان و پژوهشگران در طراحی ادبیات دیپلماسی اقتصادی.

جمع‌بندی

برای توسعه کشور، جمهوری اسلامی ایران نیاز جدی به تعامل با اقتصاد جهانی دارد. دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به جایگاه اول منطقه است. واگذاری مسئولیت‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی به وزارت امور خارجه، توجه به دیپلماسی اقتصادی براساس ظرفیت‌های داخلی و تعامل در روابط اقتصادی خارجی را در دولت یازدهم و هم‌اکنون در دولت دوازدهم اهمیتی دوچندان بخشیده است. با استفاده از راهکارهایی همچون ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با همسایگان، استفاده از پیمان‌های دوجانبه ارزی و تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی می‌توان نقش دیپلماسی اقتصادی را در تقویت منافع ملی و اقتدار بین‌المللی کشور افزایش داد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده دیپلماسی اقتصادی توسط امیرحسین عرب‌پور در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

●● آثار تقویت روابط اقتصادی با همسایگان

تقویت سیاست همسایگی در بازارهای منطقه‌ای، باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه و همچنین تثبیت دامنه نفوذ اقتصادی و تجاری در اقتصاد کشورهای همسایه می‌شود. این مهم نیازمند یک سیاست خارجی پویا و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. در این راستا، توسعه روابط همه‌جانبه و پایدار با همسایگان، از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این راهبرد آثار زیر را به دنبال دارد:

● بازدارندگی در برابر منابع بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای

تقویت منافع ملی برای سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه ضروری است. اقتصاد قوی به محیطی امن و باثبات در پیرامون کشورها وابسته است و امنیت و ثبات منطقه‌ای نیز نیازمند رشد و رفاه اقتصادی است. بعد از خروج از برجام، فشارهای اقتصادی و سیاسی آمریکا علیه منافع کشور مشکلات مختلفی را در مقابل ایران به وجود آورده است. توجه هرچه بیشتر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با همسایگان با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به چند طریق از بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای جلوگیری می‌کند و در نتیجه، موجب می‌شود جمهوری اسلامی ایران به اهداف استراتژیک و توسعه‌ای خود برسد.

● بازدارندگی در برابر آثار تحریم‌ها

با تقویت دیپلماسی اقتصادی با همسایگان از طریق جلوگیری از انزوای ایران به دلیل پرهزینه‌کردن سیاست‌های تحریمی و همچنین جلوگیری از برگشت‌پذیری تحریم‌ها، می‌توان از چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از تحریم‌ها جلوگیری کرد. با در نظر گرفتن جمعیت چند صد میلیونی همسایگان، می‌توان به بازار آنها به عنوان بازار مصرف و تأمین‌کننده مواد اولیه نگاه کرد. در واقع، با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، بازار همسایگان می‌تواند نقش بازارهای بزرگ را برای صادرات محصولات و خدمات ایران ایفا کند. به همین دلیل تحلیل روابط تجاری با همسایگان در راستای افزایش قدرت اقتصادی ایران اهمیت زیادی دارد.

●● تحلیل روابط تجاری ایران با همسایگان

ایران در سال‌های اخیر کمترین تعامل اقتصادی منطقه‌ای را داشته و از مزایای آن محروم مانده است. ۱۵ کشور همسایه ایران (امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان) با داشتن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت، با ۱/۰۴ تریلیون دلار واردات، حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶ تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که ایران با ۲۳/۲ میلیارد دلار صادرات به این ۱۵ کشور همسایه، تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را در اختیار دارد. دو کشور امارات متحده عربی و ترکیه بیشترین نفوذ را در میان کشورهای منطقه‌ای در بازار ایران داشته‌اند و سهم سایر کشورهای منطقه کمتر از ۵/۰ درصد بوده است. در مجموع از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ صادرات ایران به ۱۵ کشور از ۸ میلیارد دلار به ۱۵ میلیارد دلار و واردات از ۱۸ میلیارد دلار به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. براساس این آمار در سال‌های آغاز به کار دولت یازدهم و دوازدهم، افزایش صادرات و کاهش واردات مشهود است. نقاط قوت زیادی همچون خدمات فنی و مهندسی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعتی و خدمات حوزه سلامت برای صادرات به کشورهای همسایه ایران وجود دارد. با گسترش نفوذ ایران در بازارهای

حمایت از بیمه‌شدگان بیکار شده سازمان تأمین اجتماعی در مواجهه با کرونا



نرگس اکبرپور روشن



موسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی

رفاه و تأمین اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

حمایت از بیکاران، بخشی حداقلی از حمایت اجتماعی ملی و نظام جامع تأمین اجتماعی است. ارائه مزایا در قالب بیمه بیکاری، نوعی حمایت از بیکاران است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، همزمان با طرح‌های ارتقای مهارت و اشتغال‌پذیری اجرا می‌شود. در این چارچوب، در زمان اشتغال نیروی کار، مبلغی به‌عنوان حق بیمه برای او پرداخت می‌شود تا در زمان بیکاری و از دست دادن درآمد، بتواند پس از معرفی به اداره کار، از مقرری بیکاری استفاده کند. مقرری بیکاری ابزار مهمی است که اقتصادها برای تأمین امنیت درآمدی نیروی کار بیکار شده از آن استفاده می‌کنند تا از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از بیکاری بکاهند. در این پژوهش، راهکارهایی جهت بهبود عملکرد حمایت از بیکاران کشور ارائه شده است.

●● بیمه بیکاری در ایران

سابقه توجه به بیمه بیکاری در ایران به قانون کار مصوب سال ۱۳۲۵ بازمی‌گردد. با این حال قانون بیمه بیکاری به‌منظور حمایت از بیکاران مشمول قانون کار و قانون تأمین اجتماعی، در سال ۱۳۶۶ به‌مدت سه سال و به‌شکل آزمایشی تصویب شد و با اعمال برخی اصلاحات در سال ۱۳۶۹ در قالب ماده ۱۴ ماده ۲۱ تبصره، به‌صورت دائمی مورد تصویب و اجرا قرار گرفت. مطابق با ماده ۲ این قانون، فقط بیمه‌شدگانی که به‌طور غیرارادی شغل خود را از دست می‌دهند، می‌توانند از مقرری بیکاری استفاده کنند. همچنین، مطابق با تبصره ۱ این ماده، «بیمه‌شدگانی که به‌علت تغییرات ساختار اقتصادی واحد مربوطه، به تشخیص وزارتخانه ذی‌ربط و تأیید شورای عالی کار، بیکار موقت شناخته شوند نیز مشمول مقررات این قانون خواهند بود». همچنین طبق تبصره ۲ این ماده، بیمه‌شدگانی که به‌علت بروز حوادث غیرمترقبه بیکار می‌شوند نیز با معرفی واحد کار و امور اجتماعی، می‌توانند از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند. نرخ حق بیمه بیکاری ۳ درصد مزد بیمه‌شده است که به‌طور کامل توسط کارفرما پرداخت می‌شود. مدت برخورداری از مقرری بیمه بیکاری برحسب وضعیت تأهل و سابقه، می‌تواند از ۶ تا پنجاه ماه، متغیر باشد.

بیمه‌شدگان بیکار، مطابق با ماده ۶ قانون، در صورتی مقرری بیمه بیکاری را دریافت خواهند کرد که واجد شرایط زیر باشند:

- پیش از بیکار شدن، حداقل شش ماه سابقه پرداخت حق بیمه را داشته باشند.
- ظرف سی روز پس از تاریخ بیکاری، وضعیتشان را به واحدهای کار و امور اجتماعی اطلاع دهند و آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی یا مشابه، اعلام کنند.



شیوع کرونا باعث از دست دادن دائمی یا موقت شغل بسیاری از کارگران شد. با توجه به اطلاعات سامانه درخواست بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در فاصله اسفند ۱۳۹۸ تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۹، بیش از ۷۳۰،۰۰۰ نفر از بیمه‌شدگان تحت پوشش، شغل خود را به‌صورت موقت یا دائم از دست دادند. طبق مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، با توجه به تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها در کشور به دلیل بحران ناشی از کرونا و در حمایت از کارگران بیکار شده به دلیل شیوع کرونا، پرداخت مقرری بیکاری برای اسفندماه ۱۳۹۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹، با تسهیل شرایط احراز برای مشمولین قانون کار، قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری مدنظر قرار گرفت.

• بهبود وضعیت مالی و کارکرد صندوق بیمه بیکاری

باتوجه به اثرپذیری صندوق بیمه بیکاری از وضعیت کلان اقتصادی، هر اقدامی از سوی دولت که از اثرات نامطلوب اقتصادی و بازار کار بحران کرونا بکاهد، به بهبود پایداری مالی صندوق بیمه بیکاری یاری رسانده است. براساس استانداردهای بین‌المللی کار، این اقدامات در قالب برنامه‌های تحریک اقتصادی و تقاضای کار، شامل: سیاست‌های مالی فعال، سیاست‌های پولی سازگار و ارائه حمایت‌های مالی به بخش‌های ویژه هستند. نظر به اینکه بسیاری از طرح‌ها و لوایح بر صندوق بیمه بیکاری اثرگذار هستند، محاسبه بار مالی آن‌ها در پیوست طرح‌ها و لوایح و در نظر گرفتن اعتبار موردنیاز، می‌تواند تأثیراتشان را بر صندوق، خنثی کند. همچنین لازم است اصلاح قانون بیمه بیکاری مدنظر قرار گیرد؛ اصلاحات این قانون باید نحوه تأمین کسری منابع صندوق را روشن سازد، تعاریف شفافی از مفاهیم ارائه دهد، پارامترهای طرح را به منظور تشویق خروج از بیکاری و الحاق به بازار کار تعدیل کند، نحوه مهارت‌آموزی مقرری‌بگیران را متناسب با نیاز بازار کار، کارآمد سازد، سازوکار کاریابی و مشاوره برای مقرری‌بگیران را ارتقا دهد و نظام نظارت بر جستجوی شغل توسط مقرری‌بگیر را بهینه کند.

• ارائه طرح‌های جدید به منظور گسترش چتر حمایتی بیکاران

ارائه بیمه بیکاری توسط سایر صندوق‌های بیمه اجتماعی کشور می‌تواند راهکار مناسبی جهت افزایش پوشش حمایتی بیکارشدگان باشد. برای شمول کلیه بیکاران (اعم از مزدی و غیرمزدی) می‌توان الگوهایی را ارائه کرد که برخی از آن‌ها عبارتند از: «طراحی صندوق بیمه بیکاری فراگیر پایه»، «ارائه همزمان طرح‌های اختیاری و اجباری حمایت از بیکاران» و «ایجاد طرح‌های اجباری مبتنی بر حساب‌های انفرادی علاوه بر طرح بیمه بیکاری اجتماعی موجود».

جمع‌بندی

برای تأمین امنیت درآمدی نیروی کار به هنگام بیکاری، از مقرری بیکاری استفاده می‌شود تا از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از بیکاری کاسته شود. حمایت از بیکاران در کشور عمدتاً از طریق قانون بیمه بیکاری انجام می‌شود که دامنه شمول محدودی دارد. به منظور بهبود عملکرد در این حوزه، در وهله نخست، انجام اصلاحاتی در قانون بیمه بیکاری مانند: تعیین نحوه تأمین کسری منابع صندوق، ارتقای نقش مهارت‌آموزی مقرری‌بگیران متناسب با نیاز بازار کار و تغییر پارامترهای طرح، ضروری است. در وهله دوم، ارائه بیمه بیکاری توسط سایر صندوق‌های بیمه اجتماعی در کشور می‌تواند راهکار مناسبی باشد. در نهایت، استفاده از الگوهایی مانند: صندوق بیمه بیکاری فراگیر پایه، ارائه همزمان طرح‌های اختیاری و اجباری بیمه بیکاری، و ... می‌توانند راهکارهایی برای افزایش پوشش حمایتی بیکاران باشند تا از این طریق، بتوان در شرایطی مانند بحران کرونا حمایت شایسته‌ای از بیکارشدگان به عمل آورد.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی توسط نرگس اکبریپور روشن در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

در دوره‌های کارآموزی و سوادآموزی برگزار شده توسط نهادهای ذی‌ربط مورد تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شرکت و هر دو ماه یک‌بار، گواهی لازم را به شعب تأمین اجتماعی تسلیم کنند.

• نگاهی به سیاست‌های کشورهای کرونا زده در

زمینه بیمه بیکاری

- اقدامات انجام شده در حوزه بیمه بیکاری توسط کشورهای منتخب، هنگام مواجهه با کرونا را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:
- افزایش مقدار مقرری و تقویت کفایت مزایا؛
- تسهیل شرایط و الزامات برخورداری از مقرری به منظور گسترش پوشش؛
- گسترش پوشش به غیرمشمولین جهت حمایت از افزایشی که بر اثر کرونا آسیب دیده‌اند، مانند: کارگران مهاجر؛
- افزایش مدت برخورداری از مزایا، به ویژه برای کسانی که در دوره بحران، شانس کمی برای یافتن شغل جدید دارند؛
- عدم کسر مدت برخورداری از مقرری در شرایط کرونا از استحقاق مقرری فرد براساس قانون؛
- تسهیل فرایند اداری بیمه بیکاری؛
- ابداعاتی نظیر: ارائه مقرری، کاهش ساعات کار یا یارانه دستمزد از محل صندوق بیمه بیکاری جهت جلوگیری از تعدیل گسترده نیروی کار و افزایش تعداد افراد برخورداری از مقرری.

• صندوق بیمه بیکاری و بحران کرونا در ایران

طبق مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، باتوجه به تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها در کشور به دلیل بحران ناشی از کرونا و در حمایت از کارگرانی که به دلیل کرونا شغل خود را به صورت دائم یا موقت از دست می‌دادند، پرداخت مقرری بیکاری برای اسفندماه ۱۳۹۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹، با تسهیل شرایط احراز برای مشمولین قانون کار، قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری مدنظر قرار گرفت. در این راستا، سه اقدام کلیدی انجام شد:

- ۱ تسهیل فرایند اداری درخواست بیمه بیکاری از طریق راه‌اندازی سامانه ثبت درخواست بیمه بیکاری؛
- ۲ هوشمندسازی سامانه به منظور تسهیل فرایند رسیدگی به درخواست‌ها؛
- ۳ تسهیل قابل توجه شرایط احراز مقرری و قرار گرفتن بیکاری ناشی از کرونا در قالب حوادث غیرمترقبه (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه بیکاری).

به این ترتیب، شرط حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه برای کارگران رسمی و یک سال برای کارگران قراردادی جهت استحقاق، لغو شد و پرداخت یک ماه حق بیمه (دی‌ماه ۱۳۹۸) برای هر دو دسته مبنای استحقاق قرار گرفت. با این شرایط، بیش از ۸۵۰ هزار نفر در سامانه ثبت‌نام کردند که بیش از ۷۳ هزار نفر از آن‌ها مشمول شناخته شدند. اگرچه باتوجه به شمول محدود قانون بیمه بیکاری، بسیاری از افراد از این چتر حمایتی بیرون ماندند، افرادی که برخی از آنها بیشترین آسیب‌ها را از بحران کرونا متحمل شده بودند.

• نحوه بهبود وضعیت حمایت از بیکاران

در ادامه، اقداماتی به منظور بهبود وضعیت حمایت از بیکاران کشور ارائه شده است:

تدوین شاخص شفافیت برای شرکت‌های تعاونی



وحید کشفانی‌نیا



اندیشکده شفافیت برای ایران

تعاون و مشارکت‌های مردمی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

امروزه، شفافیت فقط یک راهکار برای مقابله با فساد و افزایش کارآمدی محسوب نمی‌شود، بلکه یک ضرورت برای حکمرانی، نگاه‌داری و مدیریت هر نوع سازمان و تشکیلات دیگری است. نه تنها دستگاه‌های دولتی، بلکه بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و حتی تعاونی‌ها نیز می‌توانند ضمن حرکت به سوی شفاف‌سازی، از مزایای آن بهره‌مند شوند. شرکت‌های تعاونی نیز می‌توانند از مزایای عمومی شفافیت نظیر مقابله با فساد و ارتقای سلامت، جلوگیری از هدررفت منابع و افزایش اعتماد استفاده کنند.

شرکت‌های تعاونی در ایران از نظر شفافیت وضعیت مطلوبی ندارند. طراحی شاخصی برای سنجش شفافیت در این شرکت‌ها می‌تواند مؤثر باشد و باعث ترویج مفهوم شفافیت در میان شرکت‌های تعاونی شود تا بدین طریق به بهبود وضعیت شرکت‌های تعاونی در ایران کمک کند.

●● روش‌شناسی

در مرحله نخست با استفاده از روش تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای، اسناد و قوانین مرتبط با حوزه تعاون و شرکت‌های تعاونی و همچنین تجربیات بین‌المللی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفتند و آیت‌های اولیه از این مرحله استخراج شدند. در مرحله دوم با ۴۵ نفر از متخصصین حوزه تعاون در بخش‌های دولت، اتاق‌ها، اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی مصاحبه شد. خروجی این مرحله، غربالگری آیت‌های استخراج‌شده در مرحله اول و افزودن برخی آیت‌های جدید بود. پس از اتمام مطالعات اسنادی و میدانی و انباشت آیت‌های استخراج‌شده از این دو مرحله، در مرحله سوم به منظور پالایش و غربالگری آیت‌ها از «شاخص روایی محتوا (CVI)» استفاده شد. در مرحله چهارم، با روش گروه کانونی، یک گروه پنج‌نفره متشکل از یک نفر نماینده دولت، یک نفر نماینده اتاق تعاون، یک نفر نماینده اتحادیه، یک نفر نماینده شرکت‌های تعاونی و یک نفر ناظر بیرونی خبره در حوزه تعاون، در سلسله جلساتی به بحث و گفتگو در مورد آیت‌های استخراج‌شده برای شاخص CTI پرداختند. خروجی این جلسات، استخراج آیت‌های نهایی شاخص و تدوین شناسنامه هر آیت (شامل سطوح دسترسی، زمان، مقدار و شیوه دسترسی) بود. در مرحله پنجم با استفاده از روش AHP و به کمک شش نفر از خبرگان حوزه، ابعاد و آیت‌های استخراج‌شده وزن‌دهی شدند. پس از استخراج شاخص نهایی، در مرحله آخر، چهار شرکت تعاونی به صورت پایلوت مورد سنجش قرار گرفتند. پس از اتمام مرحله پایلوت برخی اشکالات شاخص شناسایی و برطرف شد.



شفافیت یکی از مفاهیم کلیدی و ضروری در حوزه حکمرانی و سلامت اداری است که به پیشگیری و مبارزه با فساد منجر می‌شود. نهادها برای بهره‌بردن از مزایای شفافیت بایستی به سوی شفاف‌سازی حرکت کنند. یکی از شرکت‌ها و نهادهایی که در حوزه شفافیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است، شرکت‌های تعاونی هستند. این شرکت‌ها می‌توانند به کمک سنجش‌های که وضعیت شفافیت را اندازه‌گیری می‌کند، از وضعیت خود آگاهی یابند و با حرکت به سوی شفاف‌سازی، به وضعیت خود در این زمینه بهبود بخشند.

که امتیاز نهایی آن‌ها در شاخص CTI و حتی در تک‌تک ابعاد، گویه‌ها و کاربران هر گویه، فراتر از حد مطلوب باشد، وارد فضای فرا-شفافیت شده است.

وضعیت شرکت‌های پایلوت شده از نظر شاخص

CTI

به منظور کسب تجربه میدانی و رفع نواقص و اشکالات احتمالی، چهار شرکت تعاونی توسط این شاخص به صورت پایلوت سنجیده شدند. علاوه بر اصلاحات انجام شده، برخی نتایج نیز از این مرحله حاصل شد: ۱) شفافیت در هر چهار شرکت مورد بررسی، محدود به الزام قانونی است. اگر درباره‌ی یک گویه، قانون صریحی برای شفافیت وجود داشته باشد، احتمالاً شرکت به آن عمل خواهد کرد، در غیر این صورت، تعهدی به شفاف‌سازی درباره آن گویه ندارد.

۲) در هیچ یک از شرکت‌های مورد بررسی، اطلاعات به صورت داوطلبانه و برخاسته از سوی شرکت منتشر نمی‌شود. به جز اطلاعاتی که در مجامع مختلف (عمدتاً) به صورت مکتوب ارائه می‌شود، اطلاعات دیگری در اختیار اعضا قرار نمی‌گیرد، مگر این‌که عضو به شرکت مراجعه و دسترسی به برخی اطلاعات را درخواست کند. در این صورت، عموماً با شرط موافقت مدیرعامل، آن عضو به اطلاعات مورد نیاز دسترسی خواهد داشت.

۳) شفافیت شرکتی و حکمرانی شرکتی، در شرکت‌های مورد بررسی، مفاهیم ناشناخته و غیرضروری تلقی می‌شوند.

۴) میانگین امتیاز اخذ شده برای چهار شرکت مورد بررسی، ۳۴٫۰۱ است. اختلاف فاحش این امتیاز با وضعیت مطلوب (۷۰٫۳۴) گواه وضعیت نامطلوب شرکت‌های تعاونی در ایران از منظر شفافیت است.

کاربست شاخص CTI

پس از استخراج شاخص CTI یک کاربری جهت سنجش شرکت‌های تعاونی در ایران، طراحی شد. منظور از برنامه کاربردی سازوکار سنجش شاخص در هر شرکت تعاونی است. به طوری که در نهایت یک عدد برای هر شرکت به دست آید و بتوان این شرکت را با وضعیت مطلوب پیشنهادی پژوهش و همچنین سایر شرکت‌ها مقایسه کرد.

جمع‌بندی

در این پژوهش تلاش شده است که ضمن واکاوی ابعاد مختلف شفافیت در شرکت‌های تعاونی، تجربیات بین‌المللی به روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بررسی شود، همچنین با مصاحبه با ۴۵ نفر از متخصصین و برگزاری جلساتی با خبرگان در این زمینه و وزن‌دهی آیت‌ها به روش AHP، یک شاخص تحت عنوان «شاخص شفافیت در شرکت‌های تعاونی»، برای سنجش شفافیت در این شرکت‌ها طراحی گردد. پس از استخراج شاخص CTI یک برنامه کاربردی جهت سنجش شرکت‌های تعاونی در ایران، طراحی شد. امید می‌رود که با طراحی این شاخص، ضمن ترویج مفهوم شفافیت در میان شرکت‌های تعاونی، به بهبود وضعیت شرکت‌های تعاونی در ایران منجر شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده شفافیت برای ایران با همکاری وحید کشافی‌نیا، محمدعلی زارع و بهزاد مینایی به سفارش معاونت امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

اصول و سطوح شفافیت

باید توجه داشت که ارائه یا انتشار هر اطلاعاتی، شفافیت محسوب نمی‌شود. اطلاعات شفاف بایستی ۶ اصل داشته باشد که شامل انتشار اطلاعات مناسب، با حجم مناسب، در زمان و محل مناسب، برای کاربری مناسب و با استاندارد مناسب می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی، از منظر کاربر، شفافیت در شرکت‌های تعاونی را می‌توان به سه سطح زیر تقسیم کرد:

۱) شفافیت شرکتی (داده بسته)؛

۲) شفافیت برای دولت، ذی‌نفعان و غیره (داده اشتراکی)؛

۳) شفافیت برای عموم (داده باز).

شاخص شفافیت شرکت‌های تعاونی (CTI)

شاخص CTI از شش بُعد و هر بعد از تعدادی آیت (در مجموع ۳۹ آیت) تشکیل شده است. این شش بُعد شامل اطلاعات مالی، جلسات، اطلاعات هویتی، اطلاعات حقوقی، سیاست‌ها و حقوق و مزایا است که هر کدام تعدادی آیت را پوشش می‌دهند. این شاخص علاوه بر سنجش میزان شفافیت در شرکت‌های تعاونی، میزان انحراف از نقطه بهینه یا مطلوب را به تفکیک هر کاربر در هر آیت، هر بُعد و عدد نهایی شاخص، اعلام می‌کند. این تفکیک از آنجایی حائز اهمیت است که یک شرکت ممکن است، در امتیاز نهایی شاخص از نظر شفافیت در وضعیت مطلوب قرار داشته باشد، اما در برخی آیت‌ها اطلاعات بیش از حد و در برخی آیت‌ها اطلاعات کم‌تری منتشر کرده باشد. یا برخی اطلاعات را بیش از حد مطلوب در اختیار یک کاربر خاص قرار دهد و در عوض اطلاعات کم‌تری در اختیار سایر کاربران قرار دهد. به منظور جلوگیری از چنین مسئله‌ای، نقاط بهینه یا مطلوب، کمک می‌کنند تا میزان انحراف شفافیت یک شرکت برای هر کاربر در امتیاز نهایی شاخص، در هر امتیاز هر بُعد، امتیاز هر آیت و امتیاز هر آیت برای یک کاربر خاص، مشخص شود.

مقدار بهینه شاخص CTI

شاخص CTI برای هر شرکت تعاونی، از ۰ تا ۱۰۰، یک امتیاز اختصاص می‌دهد. امتیاز ۱۰۰، به معنای بیش‌ترین میزان شفافیت در یک شرکت تعاونی است؛ یعنی هیچ داده‌ای وجود ندارد که از کاربری، چه در داخل و چه خارج از شرکت، پوشیده باشد. نقطه‌ی بهینه‌ی شاخص CTI که از محاسبه امتیازهای گویه‌ها و ضرایب آن‌ها در شاخص به دست آمده است، عدد ۷۰٫۳۴ را نشان می‌دهد. منظور این است که از نظر شاخص CTI هر چه مجموع امتیاز یک شرکت تعاونی، به این عدد نزدیک‌تر باشد، از منظر شفافیت، این شرکت مطلوب‌تر است. در صورتی که امتیاز نهایی یک شرکت از این عدد فراتر برود، به‌طورکلی نمی‌توان گفت این شرکت از منظر شفافیت نامطلوب است، بلکه شرکت مذکور، به‌طور موردی باید مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که در کدام گویه و برای کدام کاربر، اطلاعات مازاد بر وضعیت مطلوب منتشر کرده است و تبعات این حد از شفافیت چه خواهد بود. البته وضعیت مطلوب، محدود به امتیاز نهایی CTI نیست و در سطح «کاربر/گویه»، «گویه» و «بُعد» نیز محاسبه شده است و پس از ارزیابی شرکت، می‌توان میزان انحراف یا مطابقت را در هر کدام ملاحظه کرد. ممکن است امتیاز نهایی یک شرکت، نزدیک به وضعیت مطلوب باشد اما نحوه‌ی انتشار، مقدار انتشار، کاربر داده و زمان انتشار به درستی انتخاب نشده باشد و از وضعیت مطلوب بیش‌تر یا کم‌تر باشد. به عبارت بهتر، شرکت‌هایی

طرح راهبردی - مردمی پیشرفت محله هرنندی تهران



مهدی روح‌اللهی



اندیشکده پایا

حاشیه‌نشینی و مناطق محروم

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

محله هرنندی تهران زادگاه بسیاری از مشاهیر کشور نظیر: شیخ رجبعلی خیاط، شهید طیب حاج‌رضایی و... است. متأسفانه باوجود اهمیت و سابقه پررنگ محله هرنندی در وقوع انقلاب اسلامی و تقدیم شهدای بسیاری از این محله مانند: شهید دستواره، شهید حقانی، شهید هرنندی و...، محله هرنندی اکنون به قطب آسیب‌های اجتماعی شهر تهران بدل شده است؛ آسیب‌هایی از قبیل: اعتیاد، تولید و فروش مواد مخدر، کارتن‌خوابی و فحشا به‌وفور در این محله یافت می‌شوند. اهالی محله هرنندی را نیز عموماً خانواده‌ها و افراد مستضعف تشکیل می‌دهند. نیمی از معتادان متجاهر تهران در این محله حضور دارند و انواع بزه‌کاری‌ها مانند: خریدوفروش کودک، فحشا و... در سطح محله به چشم می‌خورد. محله هرنندی به‌عنوان یکی از محله‌های در معرض محرومیت و آسیب‌های اجتماعی، موردتوجه گروه‌های مردمی و نهادهای عمومی بوده و برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی، جرائم، بزه‌کاری و نیز محرومیت‌زدایی از این محله، طرح‌های ویژه‌ای از سوی نهادهای اجتماعی و امنیتی تعریف شده است. بااین‌وجود، ارائه یک الگوی منسجم و علمی برای جهت‌دهی به عزم نهادهای دولتی، عمومی و محلی به‌منظور ساماندهی به وضعیت محله هرنندی ضروری است.

●● مسئله شناسی و ارائه راهبردهای کلی

محله هرنندی اکنون با مسائل و مشکلات کلان بسیاری روبه‌رو است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- **مافیای بزه و مواد مخدر:** در این محله مسئله مواد مخدر و توزیع آن به‌شکل سازمان‌یافته‌ای دنبال می‌شود. این وضعیت باعث شده است تا شهرت محله هرنندی به حضور مافیای مواد مخدر در آن گره بخورد.
 - **کشش بزه‌کاری جرم در محله:** کشش اقتصادی و مالی بزه‌کاری در محله هرنندی نسبت به شغل‌های سالم بسیار بالا بوده و این وضعیت باعث شده است که تکثیر بزه در این محله به‌راحتی اتفاق بیفتد.
 - **رسوخ فرهنگ تکدی‌گری:** در بسیاری از مواقع، وجود برنامه‌های جامع نیز نمی‌تواند از پس معضل تکدی‌گری در محله هرنندی برآید، چراکه تکدی‌گری در فرهنگ و فکر مردم این محله رسوخ کرده است.
- علاوه بر موارد فوق، مشکلات دیگری مانند: کثرت معتادان متجاهر، کنشگری فعالانه و بزه‌کارانه غربتی‌ها، فقدان ادارات مرسوم در محله در مقایسه با دیگر محلات، کثرت خانه‌های مجرّدی و بافت فرسوده معابر و منازل نیز در این محله مشهود است.
- مسائل و معضلات مذکور، علل گوناگونی دارند که از میان آن‌ها می‌توان به: اغماض نسبت به موادفروشی، بافت شهری فرسوده و به‌هم‌ریخته و رسوب خانواده‌های ناتوان اشاره کرد. همچنین به‌دلایلی مانند: عدم دسترسی به



حاشیه‌نشینی و روند فزاینده آن در ایران، یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور و عامل گسترش سایر آسیب‌های اجتماعی است. محلات شبه‌حاشیه برخلاف سکونتگاه‌های غیررسمی، جزء محدوده و بافت رسمی شهر به‌شمار آمده و دارای هویت و سابقه تاریخی هستند؛ با این‌وجود، طی دهه‌های اخیر، این محله‌ها از هویت، کارکرد و ساکنین اصیل خود خالی و به‌نوعی ریشه‌کن شده‌اند. محله‌های مذکور در شرایط فعلی از منظر بی‌هویتی، ازهم‌گسیختگی اجتماعی و تبدیل شدن به کانون آسیب‌های اجتماعی، وضعیتی مشابه سکونتگاه‌های غیررسمی دارند؛ با این تفاوت که این محله‌ها نوعاً در مناطق مرکزی کلان‌شهرها و در مجاورت مراکز حساس و حیاتی کشور واقع شده‌اند.

سازد، رابعاً پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی لازم را برای خانواده‌ها در بستر اشتغال سرپرست خانوار اجرایی کند و پنجماً چسبندگی اهالی به محله را پس از ارتقای وضع مادی و تقویت هویت محله‌ای آنها پشتیبانی سازد. سه مورد از راهکارها و اقدامات پیشنهادی در این بخش شامل موارد ذیل است:

- تأسیس بنگاه کاربایی و اتصال آن به کانون‌های فرهنگی و خیریه محله؛
- ایجاد شبکه مشاغل خانگی به کمک پلتفرم مقاطعه‌کاری تولید؛
- راه‌اندازی مدارس کارآفرینی و مهارت‌آموزی.

● بخش خیریه و مشارکت‌های مردمی

چشم‌انداز این بخش عبارت است از تحت پوشش قرار دادن تعداد مشخصی از خانواده‌ها باهدف رفع کامل موانع و شکوفایی حداکثری استعدادها و آنها در راستای توانمندسازی. شماری از راهبردهای موجود در این بخش شامل: بومی‌سازی و شبکه‌سازی خیریه‌ها و حل مشکلات به‌صورت خانه به‌خانه است.

● بخش آسیب‌های اجتماعی

چشم‌انداز این بخش عبارت است از تبدیل محله هرنندی به هاب کشوری ترک اعتیاد. شماری از راهبردهای موجود در این بخش شامل: ایجاد فضای هیجانی و روانی ترک اعتیاد در سطح محله و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی در سطح کشور برای کمک به حل معضل آسیب‌های اجتماعی است.

● بخش فرهنگی

چشم‌انداز این بخش عبارت است از: مهندسی اجتماعی منطقه به‌گونه‌ای که هویت محله دارای بافتی زنده، کنشگر و مبتنی بر سنن و عرف‌های صحیح شود. ازجمله راهبردهای موجود در این بخش می‌توان به: مناسک‌سازی در راستای ایجاد هویت محلی، انتقال دائم ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر و تقویت و بازآفرینی هویت تاریخی و انقلابی محله اشاره کرد.

جمع‌بندی

محله هرنندی به‌عنوان یکی از محله‌های در معرض محرومیت و آسیب‌های اجتماعی، موردتوجه گروه‌های مردمی و نهادهای عمومی بوده و برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی، جرائم، بزه‌کاری و نیز محرومیت‌زدایی از این محله، طرح‌های ویژه‌ای از سوی نهادهای اجتماعی و امنیتی تعریف شده است. گروه‌های مستقر در محله هرنندی پس از چندین سال فعالیت مستمر، برای جهت‌دهی به فعالیت‌های خود به لزوم تدوین یک طرح راهبردی از دیدگاه کلان پی بردند. برای تدوین این طرح، اقداماتی مانند: بررسی مسائل محله، تشکیل کارگروه‌های موضوعی، تعیین چشم‌انداز و اهداف کلان هر کارگروه، بررسی و تحلیل عارضه‌ها و مسائل موجود، تعیین راهبردها و راهکارهای حل مسئله و درنهایت تعیین اقدامات و راهکارهای پیشنهادی انجام شده است.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده پایا توسط مهدی روح‌اللهی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

اطلاعات جامع درباره بزهکاران متجاهر و تعدد مداخله‌گران دولتی و غیردولتی، اجرای راه‌حل برای رفع مشکلات فوق دشوار شده است.

باوجود مشکلاتی که بر سر راه اجرای راه‌حل‌های مقتضی وجود دارد، راهبردهایی کلی برای حل مسائل محله هرنندی موجود است که موارد ذیل، نمونه‌هایی از این راهبردها هستند:

- **انهدام باندهای مواد فروشی:** باندهای فروش مواد مخدر، یکی از عوامل مهم بروز بزه سازمان‌یافته و رسوب ناهنجاری در محله هرنندی هستند، ازجمله راه‌حل‌های اساسی مبارزه با این باندها، انهدام آنها توسط گروه‌های مسئول است.
- **نهادسازی محلی با محوریت امام محله:** ایجاد گروه‌های مرجع اجتماعی دین‌بنیان در مقابل گروه‌های مرجع اجتماعی بزه‌بنیان، از دیگر موارد پیشنهادی در این طرح است که می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت محله هرنندی ایفا کند.

● برنامه‌های موضوعی حل مشکلات

برای حل مشکلات محله هرنندی، برنامه‌های موضوعی در قالب‌های گوناگون و حول بخش‌های گوناگون ارائه شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

● بخش کالبدی

مادامی‌که برای نوسازی و ساماندهی کالبد و بافت فرسوده محله هرنندی تدبیری اندیشیده نشود، تداوم سکونت اقشار سالم فرهنگی در این محله به میزان زیادی امکان‌ناپذیر خواهد بود. برای ایجاد بستر سکونت اقشار سالم در محله هرنندی، اصلاح بافت کالبدی با دو رویکرد ذیل موردتوجه قرار گرفته است:

- **رویکرد نوسازی با مدل باز تخصیص زمین (LR):** اکنون رایج‌ترین رویکرد برای نوسازی واحدهای واقع در بافت فرسوده، نوسازی پلاک به پلاک به‌صورت داوطلبانه است؛ اما در محله هرنندی تهران، به‌دلیل واقع شدن واحد نوسازی در قلب بافت فرسوده و آسیب‌دیده محله، واحدهای نوسازی شده بسیار پایین قیمت‌گذاری می‌شوند. راه‌حل این مسئله، جایگزینی رویکرد نوسازی بافتی به جای نوسازی پلاکی است. یک نهاد توسعه‌گر با آورده نقدی بالغ بر ۳۰ میلیارد تومان و به‌واسطه بهره‌گیری از مدل LR می‌تواند نوسازی ۱۰۰۰ واحد مسکونی در بافت فرسوده محله هرنندی را به‌صورت مرحله‌ای کلید بزند. در صورت تحقق این هدف، ضمن ایجاد جاذبه لازم جهت سکونت اقشار متوسط و سالم در محله هرنندی، چهره این محله نیز به‌کلی دگرگون خواهد شد.
- **رویکرد ساماندهی و بهسازی:** رویکرد ساماندهی و بهسازی در پهنه‌های مرکزی محله هرنندی دارای اولویت است. سه پیشنهاد «رایزنی جهت استقرار ساختمان دو الی سه نهاد فرهنگی در سطح محله»، «تأمین نیاز خانه‌های فاقد امکانات اولیه توسط خیرین در بستر سامانه خدمات اجتماعی محله» و «پیگیری جهت تسریع در روند تدوین و اجرای طرح نوسازی مرکز محله» به‌منظور حمایت، بسترسازی یا مطالبه‌گری از طریق همکاری دولت و شهرداری ارائه شده‌اند.

● بخش اشتغال

هدف کلان این بخش، شکل‌دهی به زیست‌بوم اشتغال محله است؛ به‌نحوی که اولاً متناسب با مزیت‌های محله و راهبردهای منتخب برای پیشرفت محله باشد، ثانیاً اشتغالی پایدار را برای اهالی محله تأمین کند، ثالثاً مسیر ارتقای شغلی و فرصت‌های شغلی را برای اهالی محله ترسیم

بررسی روندهای کلی مهاجرت در جهان و تأثیرات اقتصادی-اجتماعی آن



سید پیمان حقیقت طلب



انجمن دیاران

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در دنیای امروز، جغرافیا و مرزهای جغرافیایی به یک مفهوم ذهنی بدل شده‌اند. مفاهیمی چون: کشور و ملیت دچار تغییراتی بنیادین شده‌اند. حالا دیگر کشور بزرگی از انسان‌ها در کره زمین به وجود آمده است که اعضای نه زبان مشترکی دارند و نه به زمین مشترکی پابند هستند. آنها فقط در یک ویژگی بسیار مهم مشترک‌اند و آن اینکه اهل هجرت‌اند. هر چیز آشنایی که از بدو تولد با آن خو گرفته‌اند را رها کرده‌اند و برای شروع یک زندگی تازه در جغرافیای دیگری از کره زمین، همه چیز را پشت سر گذاشته‌اند. رشد مهاجرت در جهان طی دهه‌های گذشته از روندی پایدار و تدریجی برخوردار بوده و از حدود ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ به حدود ۲۵۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ رسیده است. هدف از این پژوهش، بررسی خلاصه‌ای از آمارهایی است که در سال ۲۰۱۵ از سوی سازمان جهانی مکنزی و در سال ۲۰۱۷ توسط سازمان ملل متحد منتشر شده است

●● وضعیت مهاجرت در دنیا

کشورهای درحال توسعه، مبدأ مهاجرت بالغ‌بر ۸۰٪ مهاجران جهان بوده‌اند. سه ناحیه مهاجرخیز جهان عبارتند از: آمریکای لاتین (۷۱٪)، اروپای شرقی و آسیای مرکزی (۱۶٪) و خاورمیانه و شمال آفریقا (۱۴٪). بیشتر روندهای مهاجرت در جهان از کشورهای درحال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌پذیرد؛ گرچه عکس این قضیه هم وجود دارد و روند مهاجرت از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال توسعه نیز رخ داده است. پنج ناحیه اروپای غربی، آمریکای شمالی، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، اقیانوسیه، نواحی توسعه‌یافته آسیای شرقی و جنوب شرقی، مقصد ۸۷٪ از مهاجرانی هستند که به کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت می‌کنند.

مهاجران جهان به دو گروه: مهاجران داوطلب و پناهندگان و پناهجویان تقسیم می‌شوند. عموم مهاجران داوطلب، کسانی هستند که با برنامه‌ریزی، بررسی شرایط و باهدف جست‌وجوی فرصت‌های اقتصادی به کشوری دیگر مهاجرت می‌کنند. اما پناهندگان و پناهجویان مجبور به ترک وطنشان هستند. بیش از ۹۰٪ مهاجرت‌ها در دنیا اختیاری بوده است. این نوع مهاجرت تدریجی است، به همین دلیل به کشورهای مقصد فشار کمتری وارد می‌شود. بیشتر مهاجران اختیاری در جهان، بزرگسالانی هستند که در سن کار قرار دارند و ۶۰ میلیون نفر آن‌ها نیز از تحصیلات تکمیلی برخوردار بوده‌اند. مهاجرت‌های اجباری، برخلاف مهاجرت‌های اختیاری برنامه‌ریزی نشده‌اند. از جمله ویژگی‌های مهاجران اجباری نیاز به خدمات اولیه فوری و تأمین امنیت است. این مهاجران، همه رده‌های سنی را شامل شده و بیشتر مایل‌اند به کشورهای همسایه مهاجرت کنند.

مهاجرت و اتباع خارجی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوآرکد مقابل را اسکن کنید.



مهاجرت یکی از شاخصه‌های کلیدی جهان به‌هم‌پیوسته امروز است و باوجود نگرانی‌های بسیاری که حول جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن وجود دارد، مهاجرت تولید ناخالص داخلی جهان را افزایش داده است. امروزه جمعیت کسانی که در کشوری به‌غیر از کشور محل تولدشان زندگی می‌کنند بالغ‌بر ۲۵۸ میلیون نفر است. از این تعداد، حدود ۹۰٪ به‌صورت اختیاری مهاجرت کرده‌اند و تنها ۱۰٪ از مهاجران جهان به‌اجبار خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند. در طول ۱۷ سال اخیر، تعداد کل مهاجران در جهان ۸۵ میلیون نفر افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۵ مهاجران ۳/۴ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده بودند.

● اثرات مثبت مهاجرت

پدیده مهاجرت با تمام مضرات و مشکلاتی که برای کشورهای مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند، دارای فوایدی هم هست که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

● فواید مهاجرت برای کشورهای مبدأ

یکی از فواید مهاجرت برای کشورهای مقصد، افزایش میزان تولید ناخالص داخلی در این کشورها است. با وجود اینکه کشورهای توسعه‌یافته مقصد ۶۵٪ از مهاجران سراسر جهان هستند، ۹۰٪ از تولید ناخالص داخلی مهاجران جهان در این کشورها حاصل می‌شود. در سال ۲۰۱۵ مهاجران حدود ۱۳٪ از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته و ۳٪ از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای کمتر توسعه‌یافته را به خود اختصاص داده‌اند که این امر به دلیل تفاوت در سرانه تولید و تعداد مهاجران است.

● فواید مهاجرت برای کشورهای مقصد

یکی از مهم‌ترین فواید مهاجرت برای کشورهای مبدأ، شیوه انتقال وجوه است. مهاجران از طریق مهاجرت، درآمد خود را افزایش می‌دهند. بخش زیادی از این درآمد به واسطه مصرف کالا و خدمات به اقتصاد کشور مقصد بازمی‌گردد و بخشی نیز ذخیره می‌شود و از طریق وجوه ارسالی به خانواده‌های مهاجران که در کشورهای مبدأ ساکن‌اند، می‌رسد. فایده دیگر مهاجرت برای کشورهای مبدأ این است که در بسیاری از کشورها برای افراد دارای سطح تحصیلات بالا و یا مهارت‌های خاص، مشاغل متناسبی وجود ندارد. مهاجرت در درآمدت باعث می‌شود که تطبیق شغلی در جامعه ایجاد شود و شمار افراد بیکار و هزینه‌های ناشی از آن کاهش پیدا کند.

● اثرات منفی مهاجرت

پدیده مهاجرت چه به صورت اختیاری اتفاق بیفتد و چه به شکل اجباری رخ دهد، مضرات بسیاری را برای کشورهای مقصد و مبدأ ایجاد می‌کند. در ادامه، به این مضرات اشاره می‌شود:

● اثرات منفی مهاجرت در کشورهای مبدأ

یکی از اثرات منفی مهاجرت از کشورهای مبدأ، خروج نیروی کار از این کشورها است. این پدیده در بعضی از کشورهای مبدأ مهاجرت به قدری افزایش یافته که به طرز معناداری بر اقتصاد این کشورها تأثیر گذاشته است. برای مثال، با وجود رشد جمعیت مثبت و طبیعی، جمعیت دو کشور گرجستان و ارمنستان به دلیل مهاجرت‌های فراوان طی ۲۵ سال گذشته بین ۱۵ تا ۲۷ درصد کاهش داشته است. یکی دیگر از مهم‌ترین اثرات منفی مهاجرت در کشورهای مبدأ، پدیده فرار مغزها است؛ پدیده‌ای که در آن نخبه‌ترین افراد جامعه که از سطح تحصیلات، آموزش و مهارت‌های بالایی برخوردارند، کشور خود را ترک می‌کنند.

● اثرات منفی مهاجرت در کشورهای مقصد

تحقیقات مؤسسه مکنزی نشان می‌دهد که بسیاری از اروپاییان به آینده بدبین هستند و نسبت به حضور مهاجران، دیدگاهی منفی دارند. در نظرسنجی اخیر مرکز PEW حدود ۶٪ از پاسخگویان اروپایی نگران این بودند که افزایش پناهندگان باعث افزایش احتمال تروریسم در این قاره شود. همچنین ۵۰٪ از اروپاییان نیز معتقد بودند که پناهندگان به اروپا بار اقتصادی تحمیل می‌کنند و منافع اجتماعی این قاره را به خطر می‌اندازند.

● ادغام مهاجران در جامعه جدید

امروزه مهاجرت و سیاست‌های آن برای کشورهای مهاجرپذیر به دو بخش تقسیم شده است: نخست، پذیرش مهاجران و دیگری ادغام آن‌ها در جامعه جدید. دسترسی به خدمات اجتماعی، مجموعه فرآیندهایی که هم‌سطح شدن مهاجران با افراد بومی جامعه را تسهیل می‌کنند، ایجاد ارتباطات اجتماعی در داخل و میان گروه‌های جامعه، پیوندهای اجتماعی گوناگون، در نظر گرفتن حقوق شهروندی مهاجران، اعطای مجوزهای کاری، ایجاد دسترسی‌های برابر و حق رأی و تابعیت، از جمله جنبه‌های مختلف ادغام است. شاخص‌های مورد بررسی در هریک از حوزه‌های ادغام، شامل: شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مدنی هستند. اندازه‌گیری معیارهای مذکور، نتیجه جالبی به همراه داشت و آن اینکه هیچ کشوری در جهان نتوانسته است در همه ابعاد ادغام به موفقیت دست یابد.

● راهکارها و سیاست‌های مهاجرتی پیشنهادی

جهان به هم‌پیوسته‌ی امروز، شاخص‌های زیادی را معرفی می‌کند که نشان می‌دهد قرن بیست‌ویکم، قرن مهاجران است. کشورهای مهاجرپذیر به شدت مراقب این هستند که چه کسی وارد مرزهای کشورشان می‌شود. برای این منظور، استفاده از سیاست‌های مهاجرتی امتیازمحور در جهان از دهه‌ها پیش تثبیت شده است. این سیاست‌ها به دو بخش: «پذیرش مهاجران» و «ادغام آن‌ها در جامعه جدید» تقسیم می‌شوند.

باتوجه به تازگی موضوع ادغام در ادبیات مهاجرت، داده‌های زیادی برای بررسی میزان تأثیرگذاری و موفقیت دستورالعمل‌های زیر وجود ندارد و موارد استخراج‌شده، تنها در حکم طرح بحث و پیشنهاد هستند. مهاجران، فرصتی برای پیشرفت و تولید بیشتر جوامع ایجاد می‌کنند و نباید به آن‌ها به‌عنوان بار اضافه یا وظیفه‌ای خیرخواهانه نگریست. فهم ادغام به‌عنوان یک فرآیند دوجانبه از سوی مهاجران و بومیان جوامع، برای بسیاری از دیدگاه‌های خلاقانه راهگشا است. برای اجرای برنامه‌های ادغام باید متناسب با جوامع محلی نسبت به توانمندسازی نوآوران و گروه‌های محلی اقدام شود. فرآیندهای ادغام باید هرچه زودتر شروع و تب‌وتاب آنها در طولانی‌مدت حفظ شود. اجرای برنامه‌های ادغام به ایجاد ائتلاف و مشارکت نیازمند است.

جمع‌بندی

رشد پدیده مهاجرت طی سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. در سال ۲۰۱۵ مهاجران ۳٫۴٪ از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده و ۸۰٪ مهاجران جهان از کشورهای در حال توسعه مهاجرت کرده بودند. در این پژوهش به بررسی روندهای مهاجران در جهان پرداخته شده است. مهاجرت دارای جنبه‌های مثبت و منفی برای هر دو کشور مبدأ و مقصد است. بیشتر کشورها مراقب مرزهای خود هستند که مهاجران وارد کشورشان نشوند. از جمله پیشنهادات این پژوهش این است که مهاجران فرصتی برای پیشرفت و افزایش تولید در جوامع به شمار می‌آیند و نباید به آن‌ها به‌عنوان بار اضافه یا وظیفه‌ای خیرخواهانه نگریست.

درباره پژوهش

این مطالعه در انجمن دیاران توسط سیدپیمان حقیقت‌طلب در سال ۱۳۹۶ انجام شده است.

آسیب‌شناسی رویکردهای مرسوم در حفظ و تقویت دینداری نخبگان



محمدحسین بادامچی



اندیشکده راهبردی
مهاجر

●● ضرورت و اهداف پژوهش

با وقوع انقلاب اسلامی، موج قوی و شدیدی از اعتقاد و عمل دینی جامعه ایران را فراگرفت. با این حال، مجموعه تحقیقاتی که اندیشکده راهبردی مهاجر در یک دهه اخیر، حول مسئله «سکولاریسم معرفتی در نخبگان» سامان داده است، به نتایج تازه‌ای درباره «مسئله دین» در نسل‌های جدید نخبگان ایرانی دست یافته است. براساس این پژوهش‌ها، به رغم استقرار مقتدرانه حاکمیت دینی در فضای فرهنگی، آموزشی و تبلیغی کشور، شاخص‌های بحرانی و بی‌سابقه‌ای از دیدگاه جامعه نخبگانی ایران به دین و افق آینده آن در کشور وجود دارد. در این پژوهش، تلاش می‌شود که پاسخی برای این سؤالات یافت شود؛ دینداری نخبگان به لحاظ کیفی چگونه در حال تحول است؟ چه اشکالی از دینداری نوظهور در میان طبقه ممتاز دانشگاهیان ما در حال پدیدار شدن است؟ و چه عواملی مستقیماً بر درک و دریافت آنها از دین تأثیرگذار بوده است؟

●● روش‌شناسی

برای بررسی مسئله، مصاحبه‌هایی با صاحب‌نظران و پژوهشگران مربوطه انجام شده است که دیدگاه‌های آنها درباره وضعیت دینداری نخبگان دانشگاهی را بیان می‌کند. علاوه بر آن، در این مصاحبه‌ها آسیب‌شناسی رویکرد مرسوم در حفظ و تقویت دینداری نخبگان نیز تحلیل و تجمیع شده است. فهرست این صاحب‌نظران به این شرح است:



دکتر سید جواد میری، عضو هیئت علمی
جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، پژوهشگر جامعه‌شناسی دین



دکتر صابر جعفری، عضو هیئت علمی
جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، محقق
و مدرس جامعه‌شناسی دین؛



دکتر ابوالفضل مرشدی، عضو هیئت علمی
جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، معاون فرهنگی
دانشگاه یزد، مدرس و محقق جامعه‌شناسی
دین؛

دین و دینداری

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن
کامل پژوهش، کیوآرکد
مقابل را اسکن کنید.



اگرچه با وقوع انقلاب اسلامی، اعتقادات و اعمال دینی جامعه افزایش یافت، اما با مرور زمان، شکاف عظیمی میان نخبگان و گفتمان الهیاتی رسمی به وجود آمده است. صاحب‌نظران این حوزه معتقد هستند که محتواهای ارائه‌شده در کلاس‌های درسی و منابر، بخشی از این شکاف را شکل داده است. از سوی دیگر، تبلیغات دینی و آموزش‌های مذهبی نیز از ساختار مناسبی برخوردار نبوده است. آسیب‌های مطرح در این زمینه شامل «الهیات حوزوی، الهیات فرقه‌ای، بوروکراتیک شدن نهادهای تبلیغی و ایدئولوژیک شدن دین» است که دستگاه آموزش و پرورش دینی کنونی با آن مواجه هستند.



دکتر جواد درویش، دکتری فلسفه علم دانشگاه شریف، مدیر سابق اندیشکده مهاجر و مشاور معاون فرهنگی دانشگاه شریف



دکتر نیما نریمانی، دکتری فلسفه دین دانشگاه تهران، دبیر کارگروه علم و دین اندیشکده مهاجر

از پژوهش‌های اجتماعی درباره نخبگان علمی می‌تواند فروپاشی و ناتوانی هیات رسمی حوزوی در مواجهه با علوم جدید را آشکار کند و دامنه و عمق آسیب فرهنگی در حال وقوع را مشخص کند. در گام دوم، با تأکید بر ناتوانی اندیشه فلسفی و الهیاتی داخلی، تدوین یک برنامه پژوهشی-فرهنگی برای بازسازی الهیاتی نوین را پیشنهاد می‌دهد.

● **الهیات نوین علمی-انسانی(درویش):** الهیات نوین باید بتواند در افق جهانی پاسخگوی مسائل مسلمانان در مواجهه با مسائل فکری جدید باشد. همچنین باید بتواند دو خلأ اخلاقی و جهان بینی در زیست کنونی دینداران را پر کند. بر پایه این خلأهای سه‌گانه علمی-اخلاقی-جهان بینی است که درویش در مقابل الهیات سنتی حوزوی از جریان دیگری از اسلام انسانی-اجتماعی دفاع می‌کند که بیرون از حوزه‌های علمیه شکل گرفته است.

● **نیاز به الهیات دوران بحران(جعفری):** جعفری در راهکارهایی که ارائه می‌دهد، می‌کوشد که خطوط کلی الهیات پویایی را مطرح کند که می‌توان آن را الهیات دوره بحران نامید و اساساً متفاوت از الهیات حوزوی ظهور و بروز می‌کند. وی معتقد است که تنشی بسیار اساسی و حل‌ناشدنی میان موقعیت نخبگان و موقعیت روحانیون و مبلغان رسمی وجود دارد که باعث می‌شود به هر حال گروه اول بدون اعتنا و حتی با مبارزه و ملامت بسیار، از سد گروه دوم بگذرد و به خوانش تازه خود از دین دست یابد. اینجا لحظه تولد الهیات دوره بحران است که به جای مقابله با نخبگان، با آنها همدلی و همراهی می‌کند. زبان این الهیات قطعاً کلامی نیست و به سوی زبان‌های علمی، هنری، ادبی و رسانه‌ای جدید سوق می‌یابد.

● **حکمت علمی-مدنی(مرشدی):** مرشدی دو محور اساسی را در این حکمت نوینی که قادر به مواجهه با مسائل علمی و شهروندی نخبگان است، حرکت به سمت علم و اخلاق می‌داند. از نظر وی، گره‌زدن باورها و عقاید دینی به دولت مانع حرکت و پویایی و تأثیرگذاری آن است. در نهایت مرشدی یکی از مهمترین محمل‌های بروز این حکمت علمی-مدنی را فعالیت‌های داوطلبانه خیریه‌ای معرفی می‌کند.

جمع‌بندی

به رغم استقرار مقتدرانه حاکمیت دینی در فضای فرهنگی، آموزشی و تبلیغی کشور، شاخص‌های بحرانی و بی‌سابقه‌ای از دیدگاه جامعه نخبگانی ایران به دین و افق آینده آن در کشور وجود دارد. به منظور بررسی شکاف بین نخبگان و گفتمان الهیاتی، با پنج نفر از صاحب‌نظران حوزه دین و جامعه‌شناسی دینی مصاحبه شد. نتیجه این مصاحبه‌ها، در قالب شناسایی آسیب‌های موجود در دستگاه آموزش و پرورش دینی و ارائه راهکار برای مرتفع‌نمودن آنها است. چهار آسیب این زمینه «الهیات حوزوی، الهیات فرقه‌ای، بوروکراتیک شدن نهادهای تبلیغی و ایدئولوژیک شدن دین» معرفی شد. در نهایت «پل زدن میان علم و دین و نفی بوروکراسی و انحصار آموزش‌های دینی» به عنوان راهکار اصلی پیشنهاد می‌شود. سپس نظرات هر یک از صاحب‌نظران، متناسب با محور راهکار اصلی، بسط و ارائه شد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده راهبردی مهاجر توسط محمدحسین بادامچی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

براساس نظرات این افراد و از تدوین و ترکیب آراء ایشان، طرحی مشترک به دست آمد. ناکارآمدی دستگاه آموزش دینی رسمی را باید در دو لایه «محتوا» و «فرم» پیگیری کرد. محتوا به معنای آنچه در کلاس‌های درس و منابع و برنامه‌ها گفته می‌شود و فرم به معنای ساختاری که تبلیغات دینی و آموزش مذهبی درون آن قرار دارد. به این ترتیب، از نظر صاحب‌نظران «الهیات حوزوی، الهیات فرقه‌ای، بوروکراتیک شدن نهادهای تبلیغی و ایدئولوژیک شدن دین» چهار آفت دامن‌گیر دستگاه آموزش و پرورش دینی کنونی هستند.

●● فصل مشترک راهکارها؛ پل زدن میان علم و دین و نفی بوروکراسی و انحصار آموزش‌های دینی

در بررسی و تدوین راهکارهای پیشنهادی صاحب‌نظران، به نظر می‌رسد که فرای موارد و خطوط مطروحه، دیدگاه هر صاحب‌نظر مشتمل بر روح واحدی است که می‌توان آن را به عنوان «الهیات آلترناتیوی» صورت‌بندی کرد که می‌تواند جایگزین «الهیات بوروکراتیک حوزوی» موجود شود. الهیات حوزوی بعد از انقلاب بنیاد آموزش و تربیت دینداران دانشگاهیان و نخبگان است که علم و دین را دو ساحت مستقل و به لحاظ فلسفی سازگار می‌داند. از این رو، این الهیات اصلاً به سمت ملاقات و گفتگوی میان دو افق فکری دینی و علمی حرکت نکرده است. مرشدی پیشنهاد می‌کند که مرکز معارف باید به کانون اصلی پل‌سازی افرادی تبدیل شود که می‌کوشند میان دو جهان علمی و دینی پل بزنند و به ادبیات هر دو عرصه مسلط هستند. او اختیاری شدن دروس معارف دانشجویان و طرح‌های معرفت‌افزایی و ارزیابی امتیازات فرهنگی را به جد پیشنهاد می‌کند.

درویش حوزه فلسفه دین و اساتید آن را نمونه‌ای از تلاش‌های مفید و قابل توجه برای پل‌سازی میان دین و دیگر عرصه‌های عقلی بشری معرفی می‌کند. همچنین تکرر فعالیت‌های دینی و از بین رفتن انحصار در تربیت مذهبی را زمینه‌ساز گسترش و نفوذ بیشتر دینداری در میان نخبگان قلمداد می‌کند.

●● چشم‌انداز الهیات آلترناتیوی

با فرض نفی ساختار متصلب الهیات بوروکراتیک حوزوی، هر یک از صاحب‌نظران چشم‌انداز الهیاتی خاصی را پیشنهاد می‌کنند. در ادامه به چهار الهیات آلترناتیو و مؤلفه‌های سیاستی پیشنهادی براساس آن اشاره می‌شود که هر صاحب‌نظر مطرح کرده است.

● **الهیات نوین علمی بر پایه گفتگوی جهان‌بینی دینی و علوم جدید(نریمانی):** این راهبرد شامل دو گام است. در گام اول باید بحران موجود به رسمیت شناخته شود. در این راستا، تعریف جریانی

چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در صنعت سینما



سید باقر نبوی ثالث



مرکز پژوهش‌های مجلس

دین و دینداری

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در سال‌های اخیر، رونق بازار سینما، افزایش تولید فیلم و همچنین بهبود وضعیت کسب‌وکارهای سینمایی در کشورهای مختلف، بیش‌ازپیش مورد توجه سیاست‌گذاران فرهنگی قرار گرفته است. آمار نشان دهنده رشد نسبی میزان افرادی که به سینما می‌روند، استعداد، نیروی انسانی قابل توجه و همچنین افزایش سالن‌های سینمایی در کشور طی چند سال گذشته است. با این حال هنوز کمیت فیلم‌های تولید شده و تعداد فیلم‌های سودده در سینمای ایران، کم است. به‌رغم این وضعیت نامطلوب، سینمای ایران شهرت و محبوبیت جهانی قابل توجهی به‌ویژه در عرصه سینمای جشنواره‌ای کسب کرده است. باوجود این، هنوز نمی‌توان سینمای ایران را «صنعت سینما» نامید. ازاین‌رو، باتوجه به سابقه سینمای ایران و انتظاراتی که در زمینه ایجاد اشتغال و رشد صنعتی نسبت به آن وجود دارد، لازم است به «بازار سینما» توجه شود.

●● بازار سینما

«بازار» به‌معنای وجود یک نظام عرضه و تقاضای پایدار است که در نهایت منجر به شکل‌گیری مصرف‌کننده و تداوم سود می‌شود. وجود بازار سینما به‌معنای تداوم مراجعه مخاطب به سینما و همچنین افزایش کمیت و کیفیت تولیدات سینمایی است. بازار سینما در هر کشور از حیث اقتصادی و سیاسی برای آن کشور حائز اهمیت است. باید توجه داشت که کشورهای صاحب سینما به‌شکل فراگیری به تسخیر بازار دیگر کشورها نیز چشم دوخته‌اند. عدم شکل‌گیری نظام عرضه و تقاضای پایدار در بلندمدت باعث کوچک‌ماندن سینما و ناتوانی تهیه‌کنندگان از ورود به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌شود.

رشد داخلی سینما در هر کشور نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری در ساخت سالن‌های سینما و تولید فیلم‌های باکیفیت است. در ایران، سالانه بین ۶٪ تا ۱۰۰ فیلم سینمایی تولید می‌شود. آمارهای داخلی از صدور سالانه ۷۰ الی ۸۰ پروانه مالکیت فیلم خبر می‌دهند. باوجود رونق اکران فیلم و افزایش جمعیت سینمارو در ایران طی سال‌های اخیر، هنوز بسیاری از شهرهای کشور فاقد سالن سینما هستند. همچنین عدم توازن در توزیع مخاطب و اکران فیلم، یکی از نکات قابل تأمل آمارهای مربوط به گیشه در سینمای ایران است؛ چراکه باوجود افزایش قابل توجه سالن‌های سینما در کشور طی سال‌های گذشته، رقم تولید فیلم در ایران از افزایش چشمگیری برخوردار نبوده است.

●● مهم‌ترین موانع گسترش بازار سینما در ایران

اساسی‌ترین بحران سینمای ایران، عدم شکل‌گیری «بازار سینما» است.



رشد صنعت سینما به‌عنوان صنعتی استراتژیک که از ابعاد اقتصادی و سیاسی مهمی برخوردار است، همواره در دستورکار کشورها قرار دارد. مهم‌ترین دلیل کوچک‌ماندن سینمای ایران، فقدان بازار سینما در ایران است. سینمای ایران باوجود استعداد، سابقه تولید، نیروی انسانی و همچنین درخشش قابل توجه در جشنواره‌های سینمایی جهان، در زمینه‌های تولیدی و اقتصادی، چشم‌انداز روشنی ندارد. در سال‌های اخیر به‌واسطه رونق گیشه و افزایش فروش فیلم‌های ایرانی در سینماهای کشور، امیدها به این حوزه افزایش یافته است اما رونق گیشه سینماهای ایران، به‌شکلی غیرمتوازن رخ داده و در نهایت به افزایش کمیت و کیفیت تولید منجر نشده است.

در ادامه به مهم‌ترین موانع شکل‌گیری و گسترش بازار سینما در ایران اشاره می‌شود:

• ورود بودجه دولتی بدون تداوم و نظارت

با وجود فاصله‌گیری نهادهای حاکمیتی از تولید فیلم طی سال‌های اخیر، هنوز هزینه تولید برخی فیلم‌ها با اتکا به بودجه‌های دولتی و توسط نهادهای حاکمیتی تأمین می‌شود. این نهادها اغلب به صورت مقطعی، موقت و بدون سیاستی معین وارد فضای تولید فیلم می‌شوند. از آن‌جا که نوع مواجهه مراکز حاکمیتی با سینمای ایران، فاقد مراددهای طولانی‌مدت و متعهدانه با بازار سینما است، تداوم این وضعیت باعث بروز شکلی از بی‌مسئولیتی در قبال مواردی مانند: «افزایش هزینه تولید»، «تولید آثار بی‌کیفیت سینمایی» و «عدم تعهد به اکران آثار» شده است.

• ورود بخش خصوصی بدون تعهد به بازار

در سال‌های اخیر، به دلیل استقبال مخاطبان از وجه سرگرم‌کننده سینما و همچنین افزایش توجه رسانه‌ها به سینما، برخی سرمایه‌های سرگردان به بازار سینما وارد شده‌اند. در بسیاری از مواقع، افراد یا شرکت‌هایی که وارد عرصه فیلم‌سازی می‌شوند یا به دنبال سود سریع و آسان هستند و یا پس از مدتی به شکل دل‌خواه و بدون تعهد از این عرصه به دیگری مهاجرت می‌کنند. در نتیجه، این نوع سرمایه‌گذاری، بازار سینما را به سرمایه‌های بیرونی وابسته می‌کند و هرگز شکل منسجم و پایداری به خود نمی‌گیرد.

• وضعیت سینمای ایران

تهیه‌کننده در هر اثر سینمایی تعیین‌کننده سرنوشت آن اثر است. فقدان نظام سرمایه‌گذاری پایدار در سینما باعث شده است که امر تهیه‌کنندگی در طول زمان با فراز و نشیب مداوم و عدم ثبات روبه‌رو شود. از آنجاکه بودجه تولید فیلم در ایران در اغلب موارد به واسطه منابعی خارج از سینما تأمین شده است، تولید فیلم به کیفیت آن وابسته نیست؛ بلکه به روابط سیاسی و فرهنگی موجود میان تهیه‌کننده، مراکز و نهادهای بیرونی سینما وابسته شده است. تداوم این وضعیت در نهایت موجب ایجاد نوعی نظام رانتهی تولید فیلم در ایران شده است که در آن، سینما و سرمایه‌های مذکور، تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند. در بسیاری از موارد، روابط غیرساختاری یا رانتهی دولتی، باعث عرضه آثار ضعیفی می‌شود. این آثار، سطح سلیقه مخاطب را پایین می‌آورند و او را به سمت استقبال از آثار ضعیف، کلیشه‌ای و فاقد ارزش سینمایی سوق می‌دهند. وضع موجود تولید فیلم در کشور، باعث شده است که سینمای ایران بسیار کمتر از توان واقعی و بالقوه‌اش در مسیر رشد خود پیش برود و مخاطب معنادار- نظیر آنچه در برخی کشورهای بزرگ دنیا وجود دارد- در سینمای ایران شکل نگیرد.

• پیشنهاداتی برای بهبود عملکرد صنعت سینما

پیشنهادهای راهبردی این پژوهش در راستای تحقق سیاست کلی «گسترش و بلوغ بازار سینمای ایران» به شرح زیر است:

• تأسیس ساختار پایدار تولید فیلم یا کمپانی سینمایی

اکنون صنعت سینما از بحران ورود بی‌رویه پول‌های سرگردان خارج از سینما آسیب دیده است. برای بهبود این وضع، مهم‌ترین راهبرد دولت، شریک‌ساختن فیلم‌سازان در ساختاری است که تولید فیلم را از شکل انفرادی و مقطعی خارج می‌کند. از جمله راهبردهای موثر در این زمینه عبارتند از:

- ایجاد الزام قانونی برای تولید فیلم ذیل ساختار شرکت (کمپانی) فیلم‌سازی؛
- ترغیب و تشویق سرمایه‌های موجود در سینمای ایران به سمت تشکیل کمپانی‌های فیلم‌سازی؛
- وضع قوانین حمایت از حقوق مادی و معنوی آثار.

• ساماندهی سرمایه‌های ورودی به سینمای ایران

از جمله مهم‌ترین راهبردهای موجود برای تولید فیلم، ضابطه‌مند شدن ورود پول به سینمای ایران است. همانطور که بیان شد، یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌سامانی و وابسته‌ماندن تولید فیلم در ایران، ورود بی‌رویه بودجه‌های دولتی در برهه‌های مختلف به صنعت سینما بوده است. در نتیجه، با اجرای طرح‌های راهبردی (نظارت و شفافیت مالی بودجه تولید فیلم) و «تعیین خط‌مشی عمومی برای ورود سرمایه‌های دولتی به سینمای ایران»، ساماندهی سرمایه‌های ورودی به سینما امکان‌پذیر خواهد بود.

• کشف و افزایش مخاطب سینمای ایران

راهبرد اساسی دولت در سینما باید معطوف به افزایش مخاطب باشد. این راهبرد، با کشف و درک مخاطب تازه در سینمای ایران، ممکن خواهد بود. همچنین برنامه‌های اجرایی دولت در زمینه سینما می‌تواند به سوی افزایش راهبردی مخاطبان سینما جهت‌دهی شود. از جمله اقدامات پیشنهادی در این زمینه عبارتند از:

- جهت‌دهی یارانه دولتی به سوی بلیت سینما؛
- توجه به مخاطب شهرستان‌ها و تأسیس بازارهای منطقه‌ای فیلم در داخل کشور؛
- تولید فیلم به شیوه بومی؛
- تأسیس بازارهای منطقه‌ای فیلم به شکل بین‌المللی.

جمع‌بندی

آنچه طی سال‌های پس از انقلاب در سینمای ایران مشهود بوده، تلاش دولت‌ها به منظور حمایت از سینما، رونق‌بخشی به تولید و افزایش مخاطب در دوره‌های مختلف است. این تلاش‌ها در دوره‌های متعدد توسط نهادهای مختلف باعث تولید آثاری درخشان و ماندگار در سینمای ایران شده است؛ آثاری که از حیث هنری و تجاری به اعتلای سینمای ایران منجر شده‌اند. از جمله مهم‌ترین دلایل کوچک‌ماندن بازار سینما در ایران، می‌توان به: عدم شکل‌گیری نظام پایدار عرضه و تقاضا اشاره کرد. در این شرایط، مهم‌ترین وظیفه دستگاه سیاستگذار، کمک و زمینه‌سازی برای ایجاد شکلی از نظام پایدار عرضه و تقاضا در کنار حمایت از شکل‌گیری تضمین و اعتبار در بازار سینما خواهد بود.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توسط سیدباقر نبوی‌ثالث در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

بررسی وضعیت و چالش‌های موجود خانه‌مسافر در صنعت گردشگری ایران



شهاب طلایی شکری



مرکز پژوهش‌های مجلس

گردشگری و ورزش

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

ساماندهی و مدیریت مطلوب خانه‌های مسافری باتوجه به کمبود زیرساخت‌های اقامتی کشور در حوزه گردشگری و هزینه بالای تأسیس هتل، اقدامی ضروری است. استفاده از هتل باتوجه به هزینه بالای آن برای همه اقشار جامعه امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، طی سال‌های متمادی، اجاره خانه‌های مسافر توسط دلان در اطراف شهرها و روستاها باعث بروز مشکلاتی در زمینه امنیت ملی و محلی، فسادهای اخلاقی و ارتکاب جرائم گوناگون شده است. بازیگران اصلی در موضوع خانه‌مسافر شامل: مسافر، خانه‌مسافر و سایت‌های اجاره‌دهنده هستند. به موازات رشد و توسعه فناوری و گسترش فرهنگ استفاده از سایت‌ها و استازتاپ‌ها، می‌توان در مسیر توسعه صنعت گردشگری گام برداشت اما در این زمینه مشکلات مختلفی وجود دارد. در گزارش پیش‌رو تلاش شده است ضمن ترسیم وضع موجود کسب‌وکارهای شاغل در حوزه گردشگری، چالش‌های آنها با ذینفعان اصلی این حوزه از جمله: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پلیس نظارت بر اماکن عمومی، جامعه هتلداران و صاحبان خانه‌مسافر بررسی و در پایان، راهکارهای مناسبی ارائه شود.

●● خانه مسافر

وجود ۳۰۰ هزار خانه‌مسافر در سراسر کشور، ظرفیت پنهان و چشمگیری است که می‌توان با ساماندهی درست آن در مسیر شکوفایی صنعت گردشگری گام برداشت. استفاده از این ظرفیت مردمی در ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است که دلیل عمده آن می‌تواند به تعارض منافع ذینفعان و عدم دخالت مؤثر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مربوط باشد. مهم‌ترین فعالیت سایت‌های اجاره‌خانه، اجاره خانه‌مسافر و ثبت خانه‌های اجاره‌ای است. عملکرد وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در زمینه مداخله و ورود مؤثر به حل مسئله، از دو بُعد، قابل بررسی است:

● اول؛ تدوین دستورالعمل صدور مجوز برای فعالیت خانه‌مسافرها: شرایط و ضوابط لازم برای صدور مجوز از طریق تدوین دستورالعملی مشخص به خانه‌های قابل اجاره ارائه شده است. بدین ترتیب، صاحبان خانه‌ها برای اینکه بتوانند خانه‌های خود را اجاره دهند، باید ضمن رعایت ضوابط موجود در این دستورالعمل، نسبت به کسب مجوز فعالیت از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام کنند.

● دوم؛ عدم وجود سازوکار صحیح برای ساماندهی خانه‌مسافرها: اجرای این دستورالعمل با مدیریت شرکت مادر تخصصی ایرانگردی و جهانگردی صورت گرفته است. این درحالی است که شرکت مذکور از توانمندی و امکان اجرایی کافی برای مدیریت در این زمینه برخوردار نیست و اساساً ورودش به این حوزه، از حیث قانونی محل ابهام و اشکال است. عدم تعریف سازوکار صحیح



خانه‌مسافر مانند هتل و مسافرخانه به‌عنوان یکی از تأسیسات گردشگری رسمیت یافته است. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، متولی اصلی ساماندهی و مدیریت خانه‌مسافرها است. امروزه با رشد و توسعه فناوری اطلاعات، خدمات اجاره خانه‌مسافر در بستر سایت‌های اینترنتی اجاره‌خانه توسعه پیدا کرده است. فعالیت این سایت‌ها در کنار مزایای فراوانی که دارند باعث بروز چالش‌هایی در زمینه‌های فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و ایجاد مسائلی از قبیل: تعیین متولی و مجوزدهی به آن‌ها شده است. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پرتو سیاستگذاری صحیح، می‌تواند موجب تسهیل ایجاد کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری شود.

سایت‌ها می‌شود. از آنجاکه بیشتر سایت‌های اجاره خانه‌مسافر در فضای استارت‌آپی قرار دارند، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری از جمله چالش‌هایی است که با آن مواجه هستند. همچنین عدم اعتماد و آگاهی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به فضای حاکم‌بر کسب‌وکارهای اینترنتی، موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به این حوزه می‌شود.

● راهکارهای پیشنهادی متناسب با دغدغه‌ی ذی‌نفعان

در ادامه، باتوجه به چالش‌های هریک از ذینفعان معرفی شده، راهکارهایی ارائه شده است. براین اساس، در گام اول، پیشنهاد می‌شود که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، دستورالعملی را برای صدور مجوز فعالیت شرکت‌های خدمات اقامتی (سایت‌ها و اپلیکیشن‌های اجاره خانه‌مسافر) تدوین کند که متمایز از مجوز بند «ب» و صرفاً باهدف اقامت، آماده شده باشد. در گام دوم، وزارتخانه مربوطه باید از ایجاد هرگونه فرایندهای دست‌وپاگیر در مسیر فعالیت خانه‌مسافرها منع شود و تنها به سیاستگذاری و ابلاغ اصول کلی و شرایط میزبانی، آن هم از طریق نظارت بر شرکت‌های خدمات اقامتی اقدام کند. بنابراین، نظارت بر خانه‌مسافرها تنها از طریق نظارت بر شرکت‌های خدمات اقامتی صورت خواهد گرفت و این سایت‌ها به‌نوعی کارگزار وزارتخانه جهت رعایت اصول کلی و تخصصی میزبانی به‌شمار می‌آیند. در گام بعدی، شرکت‌های خدمات اقامتی (سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها) موظف‌اند کلیه اطلاعات مربوط به مسافریین و خانه‌مسافرها را در اختیار اداره اماکن نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. همچنین همه صاحبان خانه‌ها هنگام ثبت خانه بایدگواهی عدم سوءپیشینه، مدارک شخصی و مالکیت خود را ارائه کنند. از طرف دیگر، اجاره اماکن اقامتی باید با رعایت کلیه دستورالعمل‌های پلیس نظارت بر اماکن عمومی صورت پذیرد. در زمینه راهکارهای اخذ مالیات و عوارض شهری از کسب‌وکارهای نوپای صنعت گردشگری نیز می‌توان فعالیت خانه‌های ثبت‌شده در شرکت‌های خدمات اقامتی (سایت‌های اجاره) را به‌مدت پنج سال از پرداخت عوارض و مالیات معاف کرد تا این بخش نوپا بتواند شکل و ساختار شفاف و رسمی‌تری به خود بگیرد. در مراحل بعدی می‌توان برای این کسب‌وکارها قوانین عوارض و مالیات وضع کرد.

جمع‌بندی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های توسعه گردشگری داخلی، به مسئله مکان اقامتی برای اسکان مسافران مربوط می‌شود. این درحالی‌است که هریک از ذینفعان، از زاویه نگاه خود به این مسئله نگاه می‌کنند. این پژوهش به شناسایی ذینفعان این حوزه و تبیین چالش‌های مربوط به آنها است و برای رفع چالش‌های موجود پیشنهاداتی ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی، سوءاستفاده از خانه‌مسافرها است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های خدمات اقامتی کلیه اطلاعات مربوط به مسافرها و خانه‌مسافرها را در اختیار اداره اماکن نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند و همه صاحبان خانه‌ها هنگام ثبت خانه، گواهی عدم سوءپیشینه، مدارک شخصی و مالکیت خود را ارائه کنند.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی با همکاری شهاب طلایی شکری و مصطفی عامره در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

و مناسب برای مداخله مؤثر و راهگشا در ساماندهی خانه‌مسافرها، مهم‌ترین مسئله موجود کشور در بخش اقامت گردشگری است.

● مجوزهای فعالیت سایت‌های اجاره خانه‌مسافر در فضای مجازی

فعالیت سایت‌های اجاره خانه‌مسافر منوط به اخذ مجوزهایی است. در ادامه به این مجوزها اشاره می‌شود:

● **مجوز بند «ب»:** با اعطای بند «ب»، مجوز برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و نظارت برنامه سفر در قالب پکیج تور یا بسته سفر صادر می‌شود. متولی این مجوز، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است.

● **مجوز نماد اعتماد الکترونیکی کسب‌وکارهای اینترنتی:** با اعطای نماد اعتماد الکترونیکی، هویت صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی و محل فعالیت آنها احراز می‌شود. متولی این مجوز، وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

● **مجوز شامد:** با اعطای مجوز شامد، محتوای سایت و اطلاعات هویتی صاحب وبسایت تأیید می‌شود. متولی این مجوز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. نکته قابل تأمل این است که سایت‌هایی که حتی سه مجوز فوق را دارا هستند نیز همچنان به‌عنوان سایت‌های غیرقانونی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط تعریف می‌شوند!

● چالش‌های ذی‌نفعان مرتبط برای فعالیت خانه‌مسافر

در زمینه فعالیت‌های خانه‌مسافر، ذینفعان متفاوت و متنوعی وجود دارند که براساس میزان تأثیرگذاریشان به دو دسته ذینفعان اولیه و ذینفعان ثانویه تقسیم می‌شوند. ذینفعان اولیه (اصلی) شامل: «وزارت میراث فرهنگی و گردشگری»، «پلیس نظارت بر اماکن عمومی»، «جامعه هتل‌داران»، «مسافران و گردشگران»، «صاحبان خانه‌مسافرها» و «سایت‌های اجاره اتاق و خانه‌مسافر» است. ذینفعان ثانویه نیز نهادهایی مثل: «سازمان امور مالیاتی»، «شهرداری‌ها»، «وزارت نیرو» و «اتحادیه مشاوران املاک» را شامل می‌شود. یکی از چالش‌های فعالیت سایت‌های اجاره خانه‌مسافر برای وزارت میراث فرهنگی و گردشگری این است که فعالیت این سایت‌ها باعث جذب مسافران به اجاره خانه‌مسافر می‌شود؛ این امر می‌تواند سرمایه‌گذاری در حوزه هتل‌داری را به خطر بیندازد. همچنین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پلیس نظارت بر اماکن عمومی به‌منظور حفظ امنیت مسافران و رعایت شئون اسلامی، احراز هویت مسافران سایت‌های اجاره خانه‌مسافر در کنار احراز هویت خانه‌مسافرها و صاحبان آنها است. هتل‌داران معتقدند که حمایت از خانه‌مسافرها باعث استقرار هتل‌ها در شرایط نابرابر رقابتی می‌شود؛ زیرا برای این خدمات اقامتی هیچ‌گونه محدودیت، نظارت و کنترلی وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های مسافران و گردشگران نیز تأمین مکانی ایمن، باکیفیت و قیمت مناسب برای همه اقشار است. چالش‌های اجاره خانه‌مسافر از دیدگاه صاحبان خانه‌مسافرها عبارتند از: «طولانی بودن بوروکراسی اداری اخذ مجوز خانه‌مسافر»، «اخذ مالیات از خانه‌مسافرها» و «شرایط و ضوابط سخت‌گیرانه برای صدور مجوز خانه‌مسافر». همچنین سایت‌های فعال در این حوزه نیز با چالش‌های خاص خود مواجه هستند. رسمی شدن خانه‌های اجاره‌ای و لزوم ثبت مشخصاتشان در این سایت‌ها موجب بروز فرایندهای دست‌وپاگیر در اخذ مجوز فعالیت و ورود دستگاه‌های مختلف دولتی به کسب‌وکار

بررسی صنعت گردشگری و ارائه راهکارهای توسعه آن با رویکرد اسلامی-ایرانی



پگاه یآوری فر



اندیشکده پیشرفت
گردشگری برای ایران

●● ضرورت و اهداف پژوهش

جهانی شدن به واسطه تأثیری که بر آداب اجتماعی و اعتقادات مذهبی گذاشته، موجب تغییر فرهنگها شده است. جهانی شدن به طور همزمان، فاصله گیری از دین و نزدیک شدن به آن را تسهیل کرده است. در این راستا می توان به سرعت حمل و نقل و رشد مسافرتها اشاره کرد. باتوجه به اهمیت صنعت گردشگری، هدف اصلی این پژوهش، یافتن پاسخی برای این پرسش است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می تواند از ظرفیت های اسلامی-ایرانی اش برای رشد قدرت نرم خود بهره ببرد؟ باید به این نکته توجه داشت که دیپلماسی گردشگری می تواند ابزاری بسیار قوی و اثرگذار برای جمهوری اسلامی ایران به شمار آید؛ ابزاری که به واسطه آن می توان بر افکار عمومی جهان اسلام و دولت های منطقه و جهان، تأثیر گذاشت.

●● گردشگری و جایگاه آن در جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها

ایران از حیث ابنیه و آثار تاریخی، جزو ۹ کشور نخست دنیا و از لحاظ جاذبه های اکتوریستی در میان ۱۰ کشور برتر دنیا قرار دارد. با وجود این، به نظر می رسد که سیاستگذاران و برنامه ریزان کلان کشور، باور و اراده لازم را برای توسعه گردشگری در ایران ندارند و اسناد فرادستی نیز درباره صنعت گردشگری و مسائل مربوط به آن سکوت کرده اند. نگاه تقلیل گرایانه فرهنگی به این حوزه و بی توجهی به گونه های مختلف گردشگری، نمی تواند ایران را به جایگاه مناسبی در بازار گردشگری برساند. آمارهای اعلام شده نشان می دهند که نرخ ورود گردشگران خارجی به ایران بسیار محدود است. بخش عمده ای از این آمارها به گردشگران کشورهای همسایه مربوط است که صرفاً به صورت پیمانه وری یا برای خریدهای چندساعته به ایران آمده و سپس به کشورشان بازگشته اند.

طبق گزارش های شورای سفر و گردشگری (WTTC)، در سال ۲۰۱۹، گردشگری در کشور به صورت کلی و با ارزش افزوده ۳۲٫۳ میلیارد دلار، سهمی معادل ۶٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده و موجب اشتغال ۱٫۷ میلیون نفر شده است. براساس آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۹)، ایران از حیث رقابت پذیری سفر و گردشگری در میان ۱۴۰ کشور جهان، جایگاه ۸۹ را دارد. در سال ۲۰۱۹ میزان سرمایه گذاری داخلی در بخش سفر و گردشگری برابر با ۳٫۱۱ میلیارد دلار (۳۹ درصد از سرمایه گذاری کل)، میزان صادرات بازدیدکننده برابر با ۶٫۲۶ میلیارد دلار (معادل ۸٫۰۲ درصد از صادرات کل)، مخارج سفرهای داخلی ۷۵ درصد و مخارج سفرهای بین المللی (مسافران ورودی) تنها ۲۵ درصد بوده است.

مطالعات مختلف نشان داده اند که عوامل مختلفی بر جذب گردشگران بین المللی تأثیرگذارند؛ عواملی مانند: زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی،

گردشگری و ورزش

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن
کامل پژوهش، کیوارکد
مقابل را اسکن کنید.



بی تردید، گردشگری یکی از پدیده های مهم اجتماعی-اقتصادی طی دهه های اخیر بوده که به واسطه آثار فرهنگی، سیاسی و محیطی اش به پدیده های فراگیر و جهانی تبدیل شده است. گردشگری منافع نظیر: درآمدزایی ارزی، اشتغال زایی، رونق کسب و کار، توزیع ثروت، ترویج و تبادل فرهنگی، کمک به توسعه صلح و تبلیغ و حفظ آثار فرهنگی و اجتماعی دارد. در چند دهه گذشته، گردشگری همواره در حال رشد و تنوع بوده و یکی از بزرگ ترین بخش های اقتصادی جهان به شمار آمده است. اگرچه ایران از جاذبه های گردشگری بسیاری در حوزه های مختلف فرهنگی و طبیعی برخوردار است، اما صنعت گردشگری آن نسبت به رقبای منطقه ای و روند جهانی روبه رشد این صنعت توسعه چندانی نیافته است.

- نبود زیرساخت‌های مطلوب و منطبق با استانداردهای جهانی
- وجود محدودیت‌های فراوان برای ورود گردشگران خارجی به کشور مانند: محدودیت‌های صدور روادید
- نبود بازاریابی بین‌المللی صنعت گردشگری در کشور
- عدم مدیریت مناسب‌های مختلف و توزیع حضور گردشگران
- عدم کفایت اقدامات رایزنان فرهنگی و سفرای ایران در برابر موج گسترده ایران‌هراسی

راهکارهای بهبود صنعت گردشگری

- مهم‌ترین راهکارهای بهبود صنعت گردشگری کشور عبارتند از:
 - رهایی از اسلام‌هراسی از طریق ایجاد حس خواهی و برادری دینی و ترویج فرهنگ خانواده اسلامی
 - استفاده از شبکه گسترده نقل و انتقال الکترونیک، ترویج راه‌حل‌های جایگزین دلار در مخارج سفر گردشگر اسلامی و بهره‌گیری از فناوری‌های مالی اسلامی
 - برنامه‌ریزی برای گروه‌های گردشگر زنانه از طریق ایجاد گروه‌های اجتماعی بانوان مسلمان و ترویج امکانات مخصوص بانوان در ایران
 - استفاده از ظرفیت‌های اسلامی داخلی به منظور ساخت تصویری مناسب از اخلاق اسلامی (فراتر از غذا و نوشیدنی حلال) در ذهن گردشگران و ترویج مفهوم ناشناخته مهمان‌نوازی ایرانی-اسلامی
 - تربیت و انتصاب مدیران کارآمد، باتجربه و توانمند علمی و اجرایی به جای مدیران غیرمتخصص سیاسی
 - لزوم حرکت کسب‌وکارها به سمت مدل‌های انسان‌محور مرکب از استراتژی‌های تحول‌آفرین و مؤلفه‌های نوظهور در شرایط شیوع ویروس کرونا
 - ایجاد و بهبود مراکز اقامتی متناسب با گردشگری دینی، توسعه سامانه‌های حمل‌ونقل، توجه جدی به توسعه بکارگیری فناوری اطلاعات و تلاش برای ایجاد احساس امنیت نزد گردشگران دینی
 - تنوع‌بخشی به جاذبه‌های موجود در مقاصد گردشگری دینی و تلاش برای برگزاری بهتر آیین‌های دینی و مذهبی

جمع‌بندی

صنعت گردشگری یکی از بزرگترین و پربازده‌ترین صنایع دنیا است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در سال‌های اخیر، گردشگری به‌عنوان منبع درآمدی مهم در تجارت جهانی و عاملی مؤثر در تنظیم تراز پرداخت‌ها، ارزآوری و تقویت پول ملی مطرح بوده است. ایران از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری برخوردار است اما عدم اراده و باور سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور، نگاه تقلیل‌گرایانه به حوزه گردشگری فرهنگی و بی‌توجهی به گونه‌های مختلف گردشگری در سیاستگذاری‌ها و اسناد فرادستی، مانع از رسیدن کشور به جایگاهی مناسب شده است. در این پژوهش، پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت گردشگری کشور ارائه شد که تدوین سیاست‌های کلان گردشگری، توسعه زیرساخت‌ها و خدمات و توسعه گونه‌های گردشگری، از جمله آنها است.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده پیشرفت گردشگری برای ایران با همکاری پگاه یآوری‌فر و بابک یآوری‌فر در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

تنوع‌بخشی در جاذبه‌های گردشگری و قوانین و مقررات یک کشور، نقش بسیار مهمی در جذب گردشگر دارند. ایران طی سه دهه گذشته با وجود رشد قابل ملاحظه در صنعت گردشگری و بهره‌مندی از مزیت‌هایی مانند: جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و رقابت‌پذیری قیمتی بالا، همچنان در مقایسه با سایر کشورهای جهان از رتبه مناسبی در جذب گردشگر خارجی برخوردار نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین زیربخش‌های بازار گردشگری خارجی ایران شامل: بازار تجار و کاسبان، بازار زیارت، دیدار از دوستان و اقوام، به‌ترتیب از سهمی حدوداً ۳۵ و ۲۸ درصدی برخوردارند.

در این مطالعه، رویکردها و استراتژی‌های گردشگری سه کشور ترکیه، عربستان سعودی و گرجستان مورد بررسی قرار گرفت. کاهش ارزش لیر ترکیه در برابر یورو و دلار، توجه ویژه به بخش رسانه و تبلیغات رسانه‌ای، ایجاد زیرساخت‌های حرفه‌ای و مدرن و تنوع گردشگری، از مهم‌ترین دلایل توسعه گردشگری ترکیه محسوب می‌شوند. از جمله رویکردهای توسعه گردشگری در عربستان نیز می‌توان به: توسعه زیرساخت‌های صنعت توریسم، راه‌اندازی صندوقی مستقل به منظور توسعه گردشگری و بهره‌گیری از فعالان شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد. رویکردهای توسعه‌ای گرجستان نیز شامل: بهره‌گیری از جاذبه‌های جغرافیایی و فرهنگی نظیر: چشمه‌های آب‌گرم و سواحل و نمادهای فرهنگی مانند: رقص بوده است.

گردشگری دینی

یکی از قدیمی‌ترین انواع گردشگری، گردشگری دینی است. هر سال، بین ۳۰۰ تا ۳۳۰ میلیون نفر با انگیزه‌های دینی و مذهبی به سراسر جهان سفر می‌کنند. با توجه به تخمین‌های بین‌المللی درباره روند رشد جمعیت مسلمانان در دنیا، بازار گردشگری مسلمانان، بازاری جذاب و قابل هدف‌گذاری برآورد شده است. در این میان، کشور پهناور ایران دارای بقاع متبرکه، زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس بسیاری است که شرایط آن را برای توسعه گردشگری دینی مساعد ساخته است. توزیع شیعیان دنیا در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که اگر بتوان حتی یک درصد از جمعیت ۴۰۰ میلیون نفری شیعیان را به ایران جذب کرد، اتفاقی تعیین‌کننده در اقتصاد ایران رخ داده است. طبق شاخص‌ها کشورهای بازار هدف ایران به‌ترتیب اولویت عبارت‌اند از: عراق، هندوستان، پاکستان، چین، ترکیه، لبنان، آذربایجان و ... هستند.

آسیب‌شناسی گردشگری

نوسانات اقتصادی بالا در ایران، شرایط سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری را نامطلوب ساخته است. در این میان، ریسک‌های چشم‌انداز صنعت گردشگری ایران به شیوع کووید-۱۹ و تحولات ژئوپلیتیکی مربوط است. همه‌گیری کووید-۱۹ شوک شدید و گسترده‌ای را به بنگاه‌های سراسر جهان وارد کرده که با اثر منفی ماندگار بر فروش آن‌ها همراه بوده است. در ادامه، به برخی عارضه‌های گردشگری ایران اشاره شده است:

- نبود قانون جامع گردشگری در کشور
- کمبود نیروی انسانی متخصص در صنعت
- بی‌توجهی به استانداردهای جهانی و عدم ابداع روش‌های منطبق با فرهنگ دینی
- نگاه سیاسی، امنیتی و عامل فساد و فحشاء به گردشگر و نبود فرهنگ موردنیاز صنعت گردشگری در کشور
- تعدد مراکز تصمیم‌گیری و عدم هماهنگی آن‌ها

طراحی مدل حقوقی-اقتصادی ساماندهی جمع‌آوری گازهای همراه با نفت



علی طاهری فرد



مؤسسه مطالعات انرژی
سبحان

تولید و عرضه انرژی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

ضرورت و اهداف پژوهش

منابع گازهای غنی شامل: گازهای همراه نفت، گازهای کلاهدک، سازندهای گازی و گازهای میادین مستقل گازی است که درمیان آنها، پس از گاز حاصل از میادین مستقل گازی، گازهای همراه نفت بیشترین سهم را دارند. سیاست‌های دولت‌های مختلف در زمینه کاهش سوزاندن گازهای همراه نفت، نتوانسته است اهداف کمی برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه را محقق کند. بنابراین، روشن است که محدودیت‌هایی فراتر از ناکارآمدی دولت‌ها یا مدیریت شرکت ملی نفت ایران درمیان بوده است؛ چراکه پس از گذشت ۱۵ سال از برنامه‌ریزی کلان برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت، همچنان این مسئله به قوت خود باقی است. در سال‌های اخیر، گازهای همراه نفت سوزانده شده در عرصه بین‌المللی از جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و انرژی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این موضوع باعث شده است که در کشورهای مختلف براساس توجیه اقتصادی، روش‌های متفاوتی برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت سوزانده شده بکارگرفته شود. شرکت ملی نفت ایران در دوره قبل و پس از انقلاب، با اجرای طرح‌هایی در قالب فراروش گازهای همراه نفت و تزریق این گازها به میادین نفتی، از سوزاندن بخش عمده‌ای از گازهای همراه نفت جلوگیری کرده است. با این وجود، هنوز بخش عمده‌ای از گازهای همراه نفت سوزانده می‌شوند.

هدف از انجام این پژوهش، طراحی مدلی حقوقی-اقتصادی است که بتواند گازهای حاصل از سوزاندن نفت را به بهترین نحو جمع‌آوری کند؛ تا هم از ارزش افزوده آن بهره‌مند شود و هم آلودگی‌های زیست‌محیطی را به کمترین حد برساند.

بررسی طرح‌های موجود برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت و دلایل عدم توفیق آنها

طی ۱۰ سال اخیر، طرح‌های NGL متعددی برای جمع‌آوری و استفاده از گازهای همراه نفت در دستورکار وزارت نفت قرار داشته‌اند که می‌توان آن‌ها را به دو گروه: جمع‌آوری گازهای همراه نفت با استفاده از کارخانه‌های NGL و جمع‌آوری گازهای همراه نفت باهدف تزریق در مخازن نفتی تقسیم کرد. این درحالی است که تاکنون هیچ‌یک از این طرح‌ها به بهره‌برداری کامل نرسیده‌اند. ازجمله دلایل عدم بهره‌برداری از طرح‌های مذکور می‌توان به موانع مهمی مانند موانع جغرافیایی نظیر: پراکندگی منابع تولید گازهای همراه نفت و دور بودن آن‌ها از مراکز مصرف، موانع فنی و تکنولوژیکی مانند: شرایط کمی و کیفی گازهای همراه نفت، موانع اقتصادی مثل: هزینه‌های سرمایه‌ای بالا برای طرح‌های با مقیاس بزرگ، موانع ساختاری و نهادی نظیر:



یکی از محصولات جانبی تولید نفت، گازهای همراه آن هستند که با نفت خام از میادین نفتی استخراج می‌شوند. این گازها پیش از ارسال نفت خام استخراج شده به پالایشگاه، طی عملیاتی یک مرحله‌ای یا چند مرحله‌ای از آن جدا می‌شوند. گازهای همراه با نفت، یا جمع‌آوری شده و استفاده و یا سوزانده می‌شوند. با وجود اینکه می‌توان از گازهای همراه نفت، ارزش افزوده بسیاری کسب کرد، اما در ایران، بخش زیادی از این گازها سوزانده می‌شود. بررسی عملکرد کشورهای مورد نظر چشم‌انداز بیست‌ساله در زمینه گازهای همراه نفت سوزانده شده و مقایسه آن با ایران، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲، ایران بیشترین میزان گازهای همراه نفت سوزانده شده درمیان کشورهای منطقه را به خود اختصاص داده است.

●● بکارگیری گازهای همراه نفت سوزانده شده در مناطق مختلف ایران و ارائه پیشنهادهایی برای هر منطقه

امکان استفاده از گازهای همراه نفت در مناطق مختلف براساس مسائل فنی مانند: واحدهای NGL، شبکه جمع‌آوری گازهای همراه نفت و تبدیل گازهای همراه نفت به برق، دارای شرایط و روش‌های گوناگونی است:

● مناطق بخش خشکی

این میداین، شامل میداین مناطق مرکزی، مناطق نفت‌خیز جنوب و مناطق غرب کارون هستند. بخش عمده گازهای همراه نفت سوزانده شده در مناطق مرکزی مربوط به میداینی است که باید خوراک واحد ۳۱۰۰ NGL را تأمین کنند. براساس اطلاعات منتشرشده، بخشی از گازهای همراه نفت سوزانده شده مناطق نفت‌خیز جنوب، در میداینی هستند که دارای زیرساخت‌های انتقال گازهای همراه نفت به واحدهای NGL است. همچنین در شرایط فعلی، نزدیک به ۲ میلیون مترمکعب در روز گازهای همراه نفت در منطقه غرب کارون سوزانده می‌شود. در نتیجه، باتوجه به عوامل فنی و اقتصادی، میزان پیشرفت و وجود سرمایه‌گذار، برای بخش خشکی پیشنهادهایی مانند: احداث واحدهای NGL شامل: ۳۲۰- NGL و ۲۳۰- NGL، ایجاد تأسیسات جمع‌آوری گازهای همراه نفت و تزریق به میداین نفت و نیز تکمیل طرح آماک به میداین نفتی ارائه می‌شود.

● مناطق بخش دریا (فلات قاره)

حوزه عملیاتی در این منطقه از نظر جغرافیایی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. در این بخش، به منظور جلوگیری از سوزاندن گازهای همراه نفت، دو طرح NGL سیری و NGL خارگ در دستور کار شرکت ملی نفت قرار گرفته است. باتوجه به پیشرفت نزدیک به ۶۰ درصدی واحد NGL خارگ، باتوجه به اینکه به همین نسبت هم در این طرح سرمایه‌گذاری شده است و همچنین نظریه کاهش تولید نفت در میداین خارگ و بهرگان به دلیل فرسودگی تجهیزات و عمر بالای میداین نفتی، پیشنهاد می‌شود که ظرفیت واحد NGL خارگ به نصف میزان فعلی یعنی ۸ میلیون مترمکعب در روز برسد.

جمع‌بندی

یکی از محصولات جانبی تولید نفت، گازهای همراه آن است. این گازها در بسیاری از کشورها جمع‌آوری شده و استفاده می‌شوند. این عمل علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، مانع از آلودگی محیط زیست می‌شود. در ایران با وجود طرح‌های موجود و پیش‌بینی شده، سوزاندن این گازها با افزایش روبه‌رو بوده است. دلیل عمده این اتفاق را می‌توان در کاهش گازهای تحویلی به واحدهای گاز طبیعی مایع شده (NGL) جستجو کرد. در این پژوهش، باتوجه به تجربیات کشورهای دیگر و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و تحریم‌های ظالمانه حاکم بر ایران، پیشنهادهایی در زمینه قیمت‌گذاری، بکارگیری گازهای همراه نفت در بخش‌های مختلف ارائه شده است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه مطالعات انرژی سبحان با همکاری علی طاهری فرد و روح‌اله مهدوی در سال ۱۳۹۴ انجام شده است.

عدم شفافیت اطلاعات مورد نیاز درباره گازهای همراه نفت و قوانین، مقررات و قراردادهای موجود میان بخش‌های دولتی و غیردولتی اشاره کرد.

●● قیمت‌گذاری گازهای همراه نفت

باتوجه به تفاوت‌های فنی قابل توجهی که میان گاز طبیعی و گاز همراه نفت وجود دارد، قیمت‌گذاری این دو محصول نیز متفاوت است. در مجموع، به دلیل احتساب گاز همراه نفت به عنوان محصول جانبی نفت خام و مشکلات مربوط به جمع‌آوری، شیرین‌سازی، تصفیه، تفکیک مایعات گازی و... معمولاً قیمت گاز همراه نفت نسبت به گاز سبک تجاری، پایین‌تر و در بسیاری از نقاط، رایگان است. روش‌های قیمت‌گذاری گاز طبیعی و LNG شامل سه روش مختلف است که عبارتند از: قیمت‌گذاری مبتنی بر هزینه تمام‌شده، قیمت‌گذاری مبتنی بر قیمت سوخت‌های جایگزین و قیمت‌گذاری بازگشتی نسبت به محصولات نهایی. باتوجه به مزایا و معایب موجود در هر یک از سه روش مذکور، پیشنهاد می‌شود که برای قیمت‌گذاری گاز به منظور استفاده در نیروگاه‌های گازی واقع در خشکی، از روش قیمت‌گذاری براساس سوخت‌های جایگزین استفاده شود (با احتساب هزینه‌های تبدیل گاز همراه نفت به گاز تجاری جهت استفاده در نیروگاه). برای میداین دریایی و تولید برق روی سکو، بهتر است از روش مبتنی بر هزینه تمام‌شده (با صفر در نظر گرفتن هزینه استخراج گاز همراه نفت) استفاده کرد و در نهایت، بهترین مکانیسم برای عرضه گاز همراه نفت به واحدهای NGL، روش بازگشتی است.

●● بررسی تجربه کشورهای جهان در جمع‌آوری گازهای همراه نفت و ارائه پیشنهادهای کاربردی برای ایران

طبق برآورد بانک جهانی، براساس تخمین‌های بدست‌آمده از اطلاعات ماهواره‌ای، در سال ۲۰۱۲، ۱۴۴ میلیارد مترمکعب گاز در دنیا سوزانده شده است که معادل ۳۰ درصد گاز مصرفی اروپا است. روسیه با سوزاندن ۳۴.۸ میلیارد مترمکعب در سال، مقام اول را بین کشورهای جهان دارا است. نیجریه با ۱۴.۷ میلیارد مترمکعب و آمریکا با ۱۱.۶ میلیارد مترمکعب در سال، در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

ایران نیز تا سال ۲۰۱۱ رتبه سوم جهان را داشت، اما در سال ۲۰۱۲ با رشد سریع حجم گازهای همراه نفت سوزانده شده در آمریکا، ایران در جایگاه چهارم قرار گرفت. بهترین عملکرد در مدیریت گازهای همراه نفت سوزانده شده در این دوره زمانی متعلق به کشورهای قطر و مکزیک و بدترین عملکرد نیز مربوط به کشورهای آمریکا، ونزوئلا و کانادا بوده است. بنابراین باتوجه به تجربه کشورهای دیگر، پیشنهادهای زیر در این زمینه ارائه می‌شود:

- از آنجاکه بیشتر کشورهای بررسی شده دارای نهادهای مجزایی برای ارائه گزارش‌های مربوط به وزارتخانه‌های ذیربط هستند، جای خالی این قسم نهادهای نظارتی مستقل از بدنه اجرایی و عملیاتی در ایران احساس می‌شود.

- در زمینه ایجاد قوانین، پیشنهاد می‌شود که ترجمه سیاست‌های تنبیهی و تشویقی دولت به قوانین شفاف و قابل اجرا، تعیین چارچوب قوانین برای مواردی که از حیث فنی و اقتصادی امکان‌پذیر است و نیز انجام بازرسی‌های مستمر در زمینه اطمینان از گزارش‌دهی دقیق شرکت‌های بهره‌بردار، در دستور کار قرار گیرد

مدل مطلوب شکل‌گیری بازار برق منطقه‌ای کشورهای

عضواکو



معین احمدی



اندیشکده حکمرانی انرژی
و منابع ایران

ضرورت و اهداف پژوهش

صنعت برق، یکی از صنایع زیربنایی در همه کشورهای دنیا به‌شمار می‌آید. این صنعت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صنایع تأثیرگذار بر رشد، رفاه اجتماعی و رضایت عمومی شناخته شده است. طی سال‌های گذشته، نقش‌آفرینی برخی عوامل باعث شد که صنعت برق به‌صورت ساختاری عمودی و یکپارچه (انحصاری) با سرمایه‌گذاری دولتی یا خصوصی پایه‌گذاری شود؛ از جمله این عوامل می‌توان به وابستگی بخش‌های مختلف صنعت برق به یکدیگر از جمله: بخش تولید، انتقال و توزیع، نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین بخش‌های مختلف این صنعت و انتظار جوامع از دولت‌ها مبنی بر وظیفه تأمین برق در جایگاه خدمات عمومی اشاره کرد.

چنانچه در چنین ساختاری، سخت‌افزار صنعت برق به صورت بهینه طراحی و بهره‌برداری شود، به افزایش رفاه اجتماعی و رضایت عمومی منجر خواهد شد. با این وجود، تجربه بیش از صد سال پایه‌گذاری صنعت برق در جوامع مختلف نشان می‌دهد که حتی با وجود سیستم‌های نظارتی و تنظیم‌کننده، اهداف اقتصادی و اجتماعی به‌صورت بهینه و توأمان حاصل نشده و نتیجه این تجربیات باعث ایجاد نگرشی جدید به ساختار صنعت برق شده است. تجدید ساختار در صنعت برق طی سال‌های گذشته در دستورکار قرار گرفته و منجر به وقوع تحولاتی جدی شده است؛ از جمله این تحولات، می‌توان به: واگذاری بخش‌های مختلف صنعت برق به بخش خصوصی و ایجاد بازارهای رقابتی برق اشاره کرد. هدف از انجام این پژوهش، ارائه مدلی پیشنهادی به‌منظور راه‌اندازی بازار برق منطقه‌ای میان کشورهای هدف در منطقه است. برای این منظور، تجربه موفق کشورهای اروپایی در حوزه بازار برق و استفاده از مبنای تشکیلاتی و قانونی مورد استفاده در این منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بازار برق منطقه‌ای برای کشورهای عضو سازمان اکو

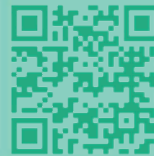
سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، سازمانی اقتصادی-منطقه‌ای است و کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه در سال ۱۳۴۳ آن را پایه‌ریزی کردند. این سازمان در ابتدا با نام RCD آغاز به کار کرد اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، کار سازمان متوقف شد و در سال ۱۳۶۴ با نام اکو حیات خود را از سر گرفت. پس از فروپاشی شوروی، در سال ۱۳۷۲ کشورهای افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز به سازمان اکو پیوستند. نخستین زمره‌ها مبنی بر ایجاد بازار برق منطقه‌ای برای کشورهای عضو سازمان اکو از سال ۲۰۱۰ و به‌واسطه مذاکرات مسئولانی از کشورهای ایران و ترکیه آغاز شد؛ اما روند ایجاد بازار برق منطقه‌ای به دلایل مختلفی مانند: نبود زیرساخت‌های لازم در اغلب کشورهای هدف، تاکنون به‌کندی پیش رفته است.

تجارت انرژی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاست‌گذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



صنعت برق، یکی از مهم‌ترین صنایع تأثیرگذار بر رشد، رفاه اجتماعی و رضایت عمومی محسوب می‌شود. سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، سازمانی اقتصادی-منطقه‌ای است که کشورهای ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان را شامل می‌شود. نخستین اقدامات در راستای ایجاد بازار برق منطقه‌ای برای کشورهای عضو سازمان اکو، پس از مذاکرات مسئولانی از کشورهای ایران و ترکیه آغاز شد؛ اما روند ایجاد بازار برق منطقه‌ای به دلایل مختلفی مانند: نبود زیرساخت‌های لازم در اغلب کشورهای هدف، تاکنون به‌کندی پیش رفته است.

●● بازار برق اتحادیه اروپا

ایجاد بازار انرژی یکپارچه در اتحادیه اروپا طی سه بسته سیاستی انرژی صورت گرفته که هر بسته شامل قوانین مختلفی است. این بسته‌ها ایجاد بازار یکپارچه منطقه‌ای را در بخش‌های برق و گاز در نظر داشتند؛ اما موضوع مورد مطالعه این پژوهش، فرآیند ایجاد بازار برق در بستر این سه بسته سیاستی است.

نخستین بسته انرژی که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، سعی داشت به تفکیک مالکیت بخش‌های مختلف صنعت برق از جمله: تولید، انتقال، توزیع، عرضه و اعطای حق ورود به هر شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی ورود به بخش‌هایی رقابت‌پذیر این صنعت بپردازد.

با ارائه بسته دوم انرژی در سال ۲۰۰۳، تلاش‌هایی در راستای افزایش امنیت عرضه انرژی به واسطه افزایش اتصال کشورهای اروپایی به یکدیگر، آزادسازی فروش برق-به‌شکلی که هر مصرف‌کننده حق انتخاب عرضه‌کننده خود را داشته باشد- و ایجاد تنظیم‌گرهای مالی برای بازار داخلی هر کشور صورت گرفت.

اهداف اصلی بسته سوم انرژی که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، عبارت است از: ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده میان کشورهای عضو، ارائه راهکارهایی کارآمد برای مدیریت تراکم خطوط انتقال برق، افزایش ظرفیت مبادلات میان کشورها با هدف ایجاد بازار یکپارچه در سراسر اروپا و در نهایت، افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به دلیل ملاحظات زیست‌محیطی بود.

باتوجه به بررسی‌های صورت‌گرفته درباره اتحادیه اروپا و بازار برق آن، برخی از اساسی‌ترین موارد در این زمینه عبارتند از: «ایجاد اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ مبتنی بر راه‌اندازی یک کمیته در حوزه انرژی»، «وجود رابطه علی و معلولی میان بازارهای انرژی و ساختار سیاسی اتحادیه اروپا»، «ایجاد فرآیندی منسجم جهت قانون‌گذاری»، «ارائه قوانین و مقررات به‌صورت تدریجی و اصلاح آنها متناسب با شرایط»، «توجه به مسائلی مانند: امنیت انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و رقابت آزاد در تدوین قوانین»، «ایجاد نهادهای مختلف در حوزه بازار برق به‌منظور هماهنگی کشورهای عضو» و «ایجاد یک نهاد تنظیم‌کننده در هر کشور».

●● مدل پیشنهادی بازار برق منطقه‌ای

در ادامه، مدل پیشنهادی بازار برق منطقه‌ای در قالب دو اقدام اصلی ارائه می‌شود:

● تشکیل کمیته بهره‌برداران و تنظیم‌گران

یکی از اقدامات مؤثر برای شکل‌گیری بازارهای برق منطقه‌ای، تشکیل کمیته‌های منطقه‌ای است. این کمیته‌ها به‌منظور رفع موانع تجارت و ترویج هماهنگی میان کارگزاران بازارهای انرژی منطقه‌ای ایجاد می‌شوند. پیشرفت بازارهای منطقه‌ای و تشکیل کمیته منطقه‌ای برای آنها، ضمن ایجاد فرهنگ هماهنگی و گفت‌وگو میان کشورهای هر منطقه، امکان مقایسه میان مکانیزم‌های به‌کار گرفته‌شده در هر منطقه را نیز فراهم می‌کند.

برای بهره‌برداری از یک بازار برق منطقه‌ای کارآمد که در آن امکان مبادلات برق میان کلیه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کشورهای عضو، به‌شکلی آزادانه و بدون تبعیض وجود دارد، ابتدا باید برخی موارد زیرساختی، فنی و قانونی در کشورهای عضو به‌وجود آید. اعضای این کمیته، نمایندگان بهره‌برداران شبکه و سیستم انتقال کشورهای عضو،

در قامت متخصصین مسائل فنی بازار و نمایندگان نهادهای تنظیم‌گر کشورهای عضو (در صورت نبود نهاد تنظیم‌گر، نماینده وزارت انرژی یا نیرو) در کسوت متخصصین تنظیم‌گری ایفای نقش می‌کنند.

پس از ایجاد زیرساخت‌های اولیه، تشکیل بازار برق منطقه‌ای و شکل‌گیری یک نهاد تنظیم‌گر کاملاً مستقل از منافع بازار در اغلب کشورهای عضو، کمیته تنظیم‌گران باید از کمیته بهره‌برداران جدا شود و به‌صورت مستقل فعالیت کند. مسائلی مانند: امنیت انرژی، نظارت بر عملکرد کشورهای عضو، مسائل مربوط به منابع تجدیدپذیر انرژی و مسائل زیست‌محیطی، از جمله مواردی است که کمیته تنظیم‌گران باید به آنها توجه داشته باشد.

● تشکیل شورای عالی مدیریت و برنامه‌ریزی منطقه

باتوجه به اینکه کمیته‌های منطقه‌ای به‌صورت مستقیم توانایی نظارت و اجرای پیشنهادهای آنها را نخواهند داشت، وجود شورایی متشکل از شخصیت‌های قانونی و سیاسی جهت حمایت‌های سیاسی و تدوین دستورالعمل‌های لازم برای بازار برق منطقه‌ای، ضروری است.

اعضای این شورا مرکب از نمایندگان وزرای امور خارجه کشورهای، نمایندگان وزرای اقتصادی، انرژی یا نیروی کشورهای و نماینده پارلمانی نهاد ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری هستند. این شورا به‌دلیل بهره‌مندی از قدرت سیاسی و اجرایی در سطح منطقه، باید از ابتدای فرآیند ایجاد بازار برق منطقه‌ای و همزمان با کمیته بهره‌برداران و تنظیم‌گران تشکیل شود؛ چراکه در برخی موارد، لازم است که اقدامات در سطوح ملی و منطقه‌ای هماهنگ شوند. علاوه بر این، ممکن است برای رفع اختلافات در زمینه‌های مختلف، لزوم اقدامات سیاسی خاصی احساس شود.

جمع‌بندی

در سال‌های اخیر، تجدید ساختار صنعت برق در دستور کار قرار گرفته و منجر به وقوع تحولاتی مانند واگذاری بخش‌های مختلف صنعت برق به بخش خصوصی و ایجاد بازارهای برق شده است. باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته درباره اتحادیه اروپا و بازار برق آن، یکی از اقدام‌های مؤثر در راستای شکل‌گیری بازارهای برق منطقه‌ای، تشکیل کمیته‌های منطقه‌ای است که به‌منظور ترویج هماهنگی میان کارگزاران بازارهای انرژی منطقه‌ای ایجاد می‌شوند. برای بهره‌برداری از بازار برق منطقه‌ای کارآمد، باید برخی موارد زیرساختی در کشورهای عضو شکل گرفته باشند. باتوجه به اینکه کمیته‌های منطقه‌ای توانایی نظارت و اجرای پیشنهادهای آنها را به‌شکل مستقیم نخواهند داشت، لازم است شورایی به‌منظور حمایت‌های سیاسی و تدوین دستورالعمل‌های مورد نیاز بازار برق منطقه‌ای ایجاد شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران با همکاری معین احمدی، سعید ودادی کلانتر و مهدی کیقبادی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

مسائل و راهکارهای مانع زدایی و پشتیبانی از تولید در صنعت نفت و گاز



مهدخت متین



مرکز پژوهش‌های مجلس

تولید و عرضه انرژی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده سایر آثار این مرکز در سایت جامعه اندیشکده‌ها، کیو آرکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

صنعت نفت و گاز در اقتصاد ایران از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. این اهمیت در شرایط تحریم، مضاعف شده است. وضع تحریم‌های ظالمانه و تشدید آن در سال‌های اخیر، نشان داد که صنعت پتروشیمی کشور بیش از حد به خارج از مرزها وابسته است. از این رو، پیش‌بینی تمهیدات لازم برای اصلاح ساختارها، برنامه‌ها و نحوه تأمین تجهیزات و کالاهای اساسی مورد استفاده در این صنعت، با رویکرد کاهش وابستگی به کشورهای دیگر، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود داخل کشور، حمایت از سازندگان داخلی و ارتقای فناوری‌ها، توان تولید آن‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گزارش پیش رو ضمن بیان موانع و چالش‌های اصلی موجود بر سر راه تحقق شعار امسال در صنعت نفت و گاز، راهکارهایی را برای مانع‌زدایی و پشتیبانی از این حوزه ارائه می‌دهد.

●● صنعت نفت و گاز؛ موانع و چالش‌های اصلی

صنعت نفت و گاز در اقتصاد ایران از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. هرچند با کاهش صادرات، نقش نفت در تأمین منابع عمومی بودجه کم‌رنگ شده است، اما برطرف کردن کامل وابستگی بودجه به نفت، کار چندان آسانی نیست. با این وجود، در پرتو بهره‌گیری از نقشه راهی مشخص، می‌توان موانع را از میان برداشت. با وجود انجام برخی اقدامات برای تسهیل شرایط حاکم بر صنعت نفت و گاز، این صنعت برای پیشبرد اهداف تولید، توسعه و خوداتکایی فعالان این عرصه، همچنان با موانع و مشکلاتی مواجه است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

●● فقدان توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی

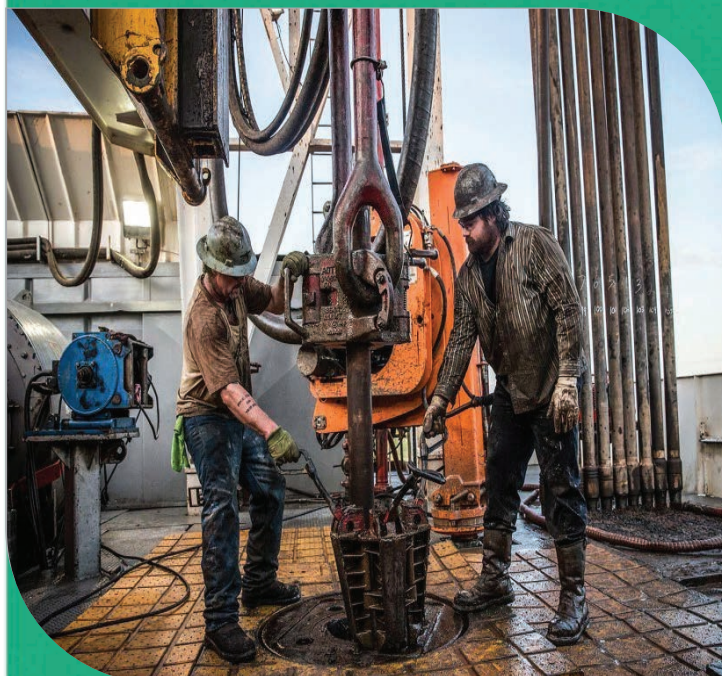
به‌طور کلی باید گفت که از نظام‌های متنوع سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی غفلت شده است. پافشاری دولت بر عقد قراردادهای بالادستی به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بی‌توجهی به ظرفیت داخلی برای سرمایه‌گذاری، از جمله عواملی هستند که توسعه میادین نفتی و بهره‌برداری از آن‌ها را به تعویق انداخته‌اند.

●● وضعیت نامناسب تولید از میادین مشترک

علی‌رغم حجم بالای ذخایر و وجود حداقل ۳۰ میدان مشترک هیدروکربوری با کشورهای همسایه، میزان بهره‌برداری کشورهای همسایه از این میادین و مخازن بسیار چشمگیر بوده است؛ این امر، نشان دهنده کافی نبودن اقدامات انجام‌شده برای توسعه و بهره‌برداری از میادین مذکور است.

●● کاهش متوسط ضریب بازیافت مخازن کشور

بی‌توجهی به تولید صیانتی و علم مهندسی مخزن باعث افت ضریب بازیافت مخازن هیدروکربوری کشور شده است. حدود ۶۱ درصد از میدان‌های نفتی کشور در نیمه دوم عمر خود قرار دارند؛ از این رو طبیعی است که با افت



نام‌گذاری سال ۱۴۰۰ با عنوان «تولید؛ پشتیبانی‌ها

و مانع‌زدایی‌ها»، نشان‌دهنده اهمیت و

حساسیت مسئله تولید در مقطع فعلی است.

در سال‌های اخیر، مواردی مانند: وضع تحریم‌های

ظالمانه، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای

نامناسب برخی قوانین، شرکت‌های تولیدکننده انرژی را

به استفاده از ظرفیت‌های داخلی ترغیب ساخته است.

بازار انرژی کشور برای استفاده از این ظرفیت‌ها به یک

بازنگری اساسی نیاز دارد تا از منظر ساختاری، حاکمیتی،

قیمت‌گذاری، اجرایی و... مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

اکنون بی‌استفاده بودن بخشی از ظرفیت تولید نفت خام

کشور، خسارت‌هایی را به بار آورده است. همچنین پایین

یا منفی بودن نرخ رشد سرمایه‌گذاری نیز ضرورت تأمین

منابع فوری برای سرمایه‌گذاری را تشدید کرده است.



تدوین صحیح برنامه هفتم توسعه جهت برآورد سرمایه‌گذاری کافی برای صیانت از میادین، افزایش حداقل یک درصدی ضریب بازیافت نفت خام قابل استحصال ایران، یکی بودن توسعه‌دهنده و بهره‌بردار. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مجلس شورای اسلامی بر عملکرد بند (ث) و (ج)، ماده (۴۸) برنامه ششم توسعه و اجرای صحیح و کامل بند (الف) سیاست‌های کلی انرژی نظارت کند.

• اجرای صحیح قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و نظارت بر اجرای آن

در بند (۷) سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، کاهش شدت مصرف انرژی به‌عنوان شاخصی اصلی مورد تأکید قرار گرفته است. برای اجرای صحیح این قانون، پیشنهاد می‌شود که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری با هماهنگی وزارتخانه‌های نفت و نیرو، پیشنهادهای اجرایی قانون را تدوین و مشخص کند. همچنین لازم است که دستگاه‌های اجرایی نیز مطابق با آن اقدام کنند. این وظیفه باید مورد نظارت مجلس قرار گیرد. همچنین لازم است که مجلس عملکرد اجرایی قانون را از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری مطالبه کند.

• جلوگیری از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره ارزش با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی

پیشنهاد می‌شود که مجلس شورای اسلامی بر مواردی نظیر: تسریع در اصلاح قانون «حمایت از توسعه صنایع پایین‌دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی»، آیین‌نامه اجرایی آن، حسن اجرای قانون مذکور و تسریع در احداث فاز چهارم پالایشگاه‌های ستاره خلیج فارس و نفت آناهیتا، نظارت داشته باشد. ازسوی دیگر، در راستای اجرایی شدن کامل اهداف ذکر شده، اقداماتی نظیر: تضمین خوراک موردنیاز طرح‌ها توسط وزارت نفت و واگذاری حداقل ۳۰ درصدی سهم شرکت مجری در فاصله حداکثر یک سال پس از دریافت مجوز، ضروری است.

جمع‌بندی

انرژی، پیشران اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود. وضع تحریم‌های ظالمانه و تشدید آن در سال‌های اخیر، نشان داد که صنعت پتروشیمی ایران بیش از حد به خارج از مرزها وابسته شده است. این شرایط، بخشی از ظرفیت تولید نفت خام کشور را بی‌استفاده کرد و خسارت‌هایی را به میادین و چاه‌های درحال تولید، تحمیل ساخت. ازجمله مهم‌ترین موانع موجود در این حوزه می‌توان به: وضعیت نامناسب تولید از میادین مشترک و کاهش متوسط ضریب بازیافت مخازن کشور اشاره کرد. بر این اساس، در این پژوهش راهکارهایی ارائه شد که ازجمله آنها می‌توان به: برنامه‌ریزی منسجم برای توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی، همکاری ایران با کشورهای همسایه در توسعه میادین مشترک ذیل چارچوب یکپارچه‌سازی، جلوگیری از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره ارزش اشاره کرد.

دریاره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری مهدخت متین و علی صابری در سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

فشار مخزن و کاهش تولید مواجه باشند. بنابراین در صورت عدم تأمین سرمایه موردنیاز برای توسعه میادین اکتشافی، میزان تولید نفت کشور به شکل چشمگیری کاهش خواهد یافت.

• عدم تحقق اهداف قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی

تدوین و تصویب این قانون فراگیر، بنابر ضرورت اصلاح فرهنگ مصرف (ازجمله حامل‌های انرژی) و با استفاده از سیاست‌های غیرقیمتی در فرآیند تولید و کاهش تلفات صورت پذیرفته است؛ با این وجود، آمار تلفات انرژی طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اجرای قانون مذکور، مورد توجه دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط نبوده است.

علاوه بر مشکلات ذکر شده، موارد دیگری مانند: دشواری تأمین مالی، ناکامی در بهره‌برداری از ظرفیت ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید برای افزایش بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف سوخت، فقدان ساختار یکپارچه حکمرانی انرژی و نبود دیپلماسی انرژی، از دیگر چالش‌های مهم صنعت نفت و گاز کشور به‌شمار می‌آیند.

• راهکارهای مانع‌زدایی و پشتیبانی از تولید

بررسی وضع موجود و مطالعات الگوبرداری، مشکلاتی متفاوت در فرآیند ادغام صندوق‌های بازنشستگی کشور آشکار می‌کند که در ادامه به طور مختصر به آنها پرداخته می‌شود.

• برنامه‌ریزی منسجم برای توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی

مشکلات این بخش شامل «مشکلات مربوط به نظام تأمین مالی صندوق‌های بازنشستگی کشور»، «نامشخص بودن مرز بین لایه‌های تأمین مالی بازنشستگی در صندوق‌های بازنشستگی کشور به دلیل طراحی نامناسب و تعابیر متفاوت»، «ریسک سرمایه‌گذاری و پیری جمعیت کشور یا ریسک افزایش طول عمر آتی» و «تغییر نسنجیده قوانین بازنشستگی» است.

• مشکلات عملیاتی و اجرایی صندوق‌های بازنشستگی

برای رفع مشکلات سرمایه‌گذاری و ایجاد توسعه و تولید در بخش بالادستی، اتخاذ رویکردهای جدید، اقدامی ضروری است. تقویت نقش حاکمیتی و نظارتی وزارت نفت بر شرکت‌های تابعه، برنامه‌ریزی منسجم به‌منظور توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی و کمک به رشد و ارتقای شرکت‌های مهندسی و تأمین‌کنندگان داخلی، ازجمله محورهای این رویکرد جدید به‌شمار می‌آیند.

• همکاری ایران با کشورهای همسایه در توسعه میادین مشترک ذیل چارچوب یکپارچه‌سازی

همکاری ایران با کشورهای همسایه در توسعه میادین مشترک، همراه با تحقق تولید صیانتی به‌جای تولید حداکثری و غیرصیانتی از میدان‌های مشترک، در بلندمدت از تحمیل زبان‌های جبران‌ناپذیر جلوگیری خواهد کرد. این مهم به‌واسطه استفاده از دیپلماسی قدرتمند انرژی در منطقه امکان‌پذیر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مجلس شورای اسلامی بر اجرای صحیح و کامل بند (الف) سیاست‌های کلی انرژی و بند (۱۴) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نظارت کند.

• صیانت و افزایش ضریب بازیافت مخازن نفت خام کشور

برای این منظور، برخی موارد باید مورد توجه قرار گیرند، ازجمله:

ارائه راهکار جهت مواجهه با چالش‌های موجود در جمع‌آوری گازهای مشعل



روح‌اله مهدوی



اندیشکده حکمرانی انرژی
و منابع ایران

●● ضرورت و اهداف پژوهش

سوزاندن گازهای همراه نفت در شرایط فعلی حداقل ۰/۴۶۹ میلیارد دلار و حد اکثر ۴/۶۷ میلیارد دلار زیان سالانه به همراه خواهد داشت. بنابراین استفاده از گازهای مشعل می‌تواند ارزش افزوده قابل توجهی ایجاد کند که حاکی از اهمیت اقتصادی جمع‌آوری این گازها است. در شرایط فعلی باتوجه به حجم بالای گازهای همراه نفت سوزانده شده، وزارت نفت و شرکت ملی نفت، فرآیند جمع‌آوری گازهای مشعل را در قالب طرح‌های کوتاه‌مدتی مانند: فروش گازهای مشعل به بخش خصوصی و طرح‌های بلندمدتی مثل: واگذاری واحدهای NGL به این بخش اجرا می‌کنند. باین وجود، بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی چهار سال اخیر (از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷) هنوز واحد NGL به بهره‌برداری نرسیده و در طرح‌های کوتاه‌مدت نیز تنها شرکت «تامکارگاز» موفق به اجرای یکی از طرح‌ها شده است که حجم کمی از گازهای مشعل را جمع‌آوری می‌کند.

●● پیشینه انتقال طرح‌ها و صندوق‌های بازنشستگی در ایران

به‌طور کلی، بهره‌برداری از میادین نفتی کشور توسط چهار شرکت تابعه شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، شرکت نفت فلات قاره، شرکت نفت و گاز مناطق مرکزی و شرکت نفت اروندان انجام می‌گیرد.

● شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب

شرکت مناطق نفت خیز جنوب بالاترین سهم را در تولید نفت دارد و عملیات بهره‌برداری نفت در این منطقه با مدیریت این شرکت انجام می‌گیرد. در سال‌های پیش از تحریم (قبل از ۱۳۹۰)، به‌ازای هر بشکه تولید نفت، حدود ۴/۳ مترمکعب، گازهای همراه نفت سوزانده می‌شد که این رقم در دوران تحریم با افت تولید نفت و گازهای همراه نفت به ۲/۵ مترمکعب در روز رسیده است. در سال ۱۳۹۶ با رفع تحریم‌ها و افزایش تولید نفت، میزان گازهای همراه سوزانده شده به‌ازای هر بشکه نفت به ۵/۶۳ متر مکعب افزایش یافت. دلیل ارتقای این شاخص، افزایش GOR و فرسودگی تجهیزات جمع‌آوری گازهای همراه نفت بود. اکنون بنابر دلایل ذکر شده، حجم گازهای در مشعل در منطقه عملیاتی مناطق نفت خیز جنوب افزایش یافته و این موضوعی است که بخش خصوصی باید به آن توجه داشته باشد.

● شرکت نفت و گاز فلات قاره

بهره‌برداری بخش دریایی نفت و گاز با مدیریت شرکت نفت و گاز فلات قاره است. پیش از برقراری تحریم‌ها، روزانه به‌طور متوسط ۱۹/۳ میلیون مترمکعب گازهای همراه نفت در این منطقه سوزانده می‌شد. در دوران تحریم و پس از آن به دلیل افت تولید نفت و کاهش گازهای همراه نفت، میزان گازهای در مشعل نیز کاهش پیدا کرده است. به‌منظور جلوگیری

تولید و عرضه انرژی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده ارائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



بررسی روند تاریخی گازهای همراه نفت سوزانده (گاز مشعل) نشان می‌دهد که طی ۲۵ سال اخیر به‌طور متوسط ۴۰ درصد از گازهای همراه نفت در کشور سوزانده شده‌اند. این حجم از گاز، بالغ بر ۴۲ میلیون مترمکعب در روز و معادل ۶۵ درصد گاز مصرفی واحدهای پتروشیمی است که باعث آلودگی محیط زیست و ارزش افزوده از دست‌رفته می‌شود. وزارت نفت و شرکت ملی نفت، با اتخاذ رویکردی جدید برای جمع‌آوری گازهای مشعل، امکان حضور بخش خصوصی را در طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت جمع‌آوری گازهای مشعل فراهم کرده‌اند. اما وجود برخی چالش‌ها باعث شده است که این رویکرد نیز نتواند پاسخگوی جمع‌آوری گازهای مشعل باشد.

از سوزاندن این حجم از گازهای همراه نفت، دو طرح اصلی NGL سیری و NGL خارک و برخی طرح‌های فرعی از قبیل: خودمصرفی و تولید برق، در دستور کار شرکت نفت فلات قاره قرار گرفت که طرح NGL سیری در سال ۱۳۹۲ به بهره‌برداری رسید اما طرح NGL خارک هنوز بهره‌برداری نشده است.

● شرکت نفت مناطق مرکزی

بهره‌برداری از میادین نفت و گاز مناطق مرکزی با مدیریت شرکت نفت و گاز مناطق مرکزی صورت می‌پذیرد و سه شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب، زاگرس شرق (فاقد میادین نفتی) و زاگرس جنوبی عملیات بهره‌برداری از نفت و گاز را انجام می‌دهند. باتوجه به اینکه شرکت نفت و گاز شرق فاقد میادین نفتی است، گازهای در مشعل در میادین تحت مدیریت دو شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب و جنوبی قرار دارد. تنها طرحی که به‌منظور جمع‌آوری گازهای در مشعل این منطقه در دستور کار قرار گرفته، طرح NGL-۳۱۰۰ با ظرفیت ۷/۴ میلیون مترمکعب در روز است.

● شرکت بهره‌برداری نفت و گاز اروندان

عملیات بهره‌برداری از میادین نفتی واقع در منطقه غرب کارون با مدیریت شرکت نفت و گاز اروندان انجام می‌گیرد. در برنامه‌ریزی‌های شرکت ملی نفت برای جمع‌آوری گازهای در مشعل، یک واحد NGL-۳۲۰۰ مدنظر قرار گرفته است.

● وضعیت سرمایه‌گذاری در طرح‌های جمع‌آوری گاز مشعل

سرمایه‌گذاری در طرح‌های جمع‌آوری گاز مشعل به شرح زیر است:

● **طرح‌های NGL:** باتوجه به مشکلات موجود در تأمین مالی طرح‌های NGL، از اوایل دهه ۹۰ بحث واگذاری این واحدها به بخش خصوصی مطرح شد.

● **طرح‌های سرمایه‌گذاری در قالب مزایده فروش گازهای مشعل:** در سال ۱۳۹۳ دومین گروه از طرح‌های استفاده‌از گازهای همراه نفت سوزانده‌شده به‌شکل مزایده فروش این گازها در دستور کار شرکت ملی نفت قرار گرفت. بررسی نتیجه مزایده فروش گازهای همراه نفت، نشان می‌دهد که از میان هشت شرکت حاضر در مزایده، شرکت‌های «تامکارگاز» و «هیرید نیرو» موفق به خرید گازهای همراه نفت شدند و از بین این دو نیز، تنها شرکت «تامکارگاز» موفق به بهره‌برداری از طرح‌ها شده است.

● **اولویت‌بندی پروژه‌های جمع‌آوری گازهای مشعل:** برای جمع‌آوری گازهای مشعل، دو طرح کلی مطرح است، نخست، طرح‌های بلندمدت که شامل طرح‌های جدید NGL و استفاده‌از زیرساخت‌های موجود فرآوری گازهای مشعل توسط واحدهای پتروشیمی منطقه است و دوم، طرح‌های کوتاه‌مدت که در قالب فروش گازهای مشعل به بخش خصوصی صورت می‌پذیرد.

● چالش‌های موجود در بهره‌برداری از طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل

در ادامه به توصیف چالش‌های موجود در این بخش پرداخته می‌شود:

● **اقتصادی:** مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی عبارتند از: «مکانیسم قیمت‌گذاری دستوری محصولات تولیدشده از گازهای همراه نفت»،

● **عدم شفافیت در فرمول ارائه‌شده شرکت ملی نفت برای قیمت‌گذاری گازهای همراه نفت،** «تأمین مالی پروژه‌های جمع‌آوری گازهای همراه نفت» و «پایین بودن قیمت برق تولیدی از گازهای همراه نفت».

● **فنی:** مهم‌ترین چالش‌های فنی عبارتند از: «فرسودگی تأسیسات موجود جمع‌آوری گازهای همراه نفت»، «وابستگی تأمین خوراک واحدهای NGL به توسعه طرح‌های بالادستی».

● **نهادی:** مهم‌ترین چالش‌های نهادی عبارتند از: «فقدان قانونی جامع و کامل برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت»، «بروکراسی پیچیده اداری در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری جمع‌آوری و استفاده از گازهای همراه نفت»، «عدم دسترسی سرمایه‌گذار بخش خصوصی به اطلاعات مربوط به مشخصات گازهای مشعل» و «نبود هماهنگی میان بخش‌های مختلف مرتبط با اجرای طرح‌های گازهای همراه نفت».

● الزامات و راهکارهای جمع‌آوری گازهای مشعل

باتوجه به چالش‌های شناسایی‌شده، راهکارهای پیشنهادی در چهار دسته زیر ارائه می‌شوند:

① **آیین‌نامه‌ای:** مهم‌ترین راهکارهای آیین‌نامه‌ای عبارتند از: «تدوین آیین‌نامه‌های داخلی به‌منظور تسهیل اجرای طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل» و «ثبات در قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به برنامه‌های جمع‌آوری گازهای مشعل».

② **اقتصادی:** مهم‌ترین راهکارهای اقتصادی عبارتند از: «ایجاد مکانیسم مالی شفاف مرتبط با برنامه‌های جمع‌آوری گازهای مشعل توسط بخش خصوصی در بدنه شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه باهدف تسریع در اجرای این برنامه‌ها»، «بکارگیری ابزارهای بدهی جهت تأمین مالی طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل»، «ایجاد مکانیسم قیمت‌گذاری توافقی برای محصولات»، «امکان صادرات گاز استحصالی از گازهای مشعل توسط بخش خصوصی» و «کاهش قیمت گازهای همراه نفت».

③ **فنی:** مهم‌ترین راهکارهای فنی عبارتند از: «استفاده از زیرساخت‌های موجود» و «استفاده از تأسیسات قابل‌حمل با مقیاس کوچک در طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل».

④ **نهادی:** مهم‌ترین راهکارهای نهادی عبارتند از: «ایجاد هماهنگی درون‌سازمانی جهت کاهش بروکراسی اداری» و «ارائه اطلاعات دقیق درباره گازهای مشعل به بخش خصوصی».

جمع‌بندی

باتوجه به اهمیت اقتصادی و زیست محیطی گازهای مشعل، تاکنون طرح‌های مختلفی از سوی شرکت ملی نفت به‌منظور جمع‌آوری این گازها طراحی شده است اما به دلایل مختلفی مانند نبود امکان تأمین مالی این طرح‌ها به بهره‌برداری نرسیده‌اند. در این پژوهش چالش‌های موجود در جمع‌آوری گازهای مشعل بررسی شده است. این چالش‌ها ابعاد اقتصادی، فنی و نهادی دارند. با توجه به این چالش‌ها راهکارهایی در چهار دسته ارائه شده است. از جمله این راهکارها می‌توان به «ایجاد مکانیسم مالی شفاف مرتبط با برنامه‌های جمع‌آوری گازهای مشعل توسط بخش خصوصی در بدنه شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه باهدف تسریع در اجرای این برنامه‌ها» اشاره کرد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران توسط روح‌اله مهدوی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

طراحی الگوی بومی محاسبه و اعلام تعرفه‌های خدمات درمانی در ایران



فرهاد کوهی



موسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی

خدمات و تعرفه‌های
نظام سلامت

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

مؤلفه اصلی در خرید خدمات درمانی، قیمت آن‌ها است؛ بنابراین چنانچه عزم انجام اصلاحات در نظام سلامت، جدی باشد باید به نظام تعرفه‌گذاری خدمات درمانی توجه ویژه‌ای معطوف شود. شواهد موجود، حاکی از آن است که اجرای قانون بیمه همگانی خدمات درمانی نتوانسته است اهداف مورد نظر قانون‌گذار را تأمین کند. ارائه‌کنندگان خدمات تشخیصی و درمانی ادعا می‌کنند که تعرفه‌ها واقعی نیستند و هزینه‌های مورد نیاز برای تولید خدمات را تأمین نمی‌کنند. بیماران و سازمان‌های بیمه‌گر نیز از بار مالی تحمیل شده به خود، اظهار نارضایتی می‌کنند. در این مطالعه تلاش شده است تا ضمن شناسایی وضع موجود نظام تعرفه‌گذاری کشور در مقایسه با عملکرد کشورهای منتخب، الگویی بومی برای نظام تعرفه‌گذاری در سه بُعد ساختار، فرآیند و نظارت طراحی شود.

●● روش‌شناسی

این پژوهش در سه مرحله انجام شده و از نوع توصیفی-تطبیقی است که اهداف کاربردی را محقق می‌سازد. در مرحله اول، بررسی نظام تعرفه‌گذاری کشور با استفاده از روش مرور متون، تحلیل محتوا و مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان این حوزه انجام شده است. در مرحله دوم، بررسی فرآیندهای تعرفه‌گذاری در کشورهای منتخب به روش تطبیقی صورت گرفته است. در مرحله سوم نیز طراحی الگوی مطلوب با استفاده از روش دلفی و از طریق تکمیل پرسشنامه توسط ۱۵ نفر از افرادی که سابقه شرکت در جلسات کارشناسی تعرفه‌گذاری خدمات درمانی کشور را داشته‌اند، صورت گرفت و مؤلفه‌های مورد اجماع در مدل پیشنهادی لحاظ شده است.

●● آسیب‌شناسی نظام تعرفه‌گذاری خدمات درمانی کشور

در ادامه آسیب‌های شناسایی شده در نظام تعرفه‌گذاری خدمات درمانی تبیین می‌شود:

●● نظام تعرفه‌گذاری

وظیفه نظارت بر اجرای صحیح تعرفه‌ها در کشور به‌طور موازی برعهده دانشگاه‌های علوم پزشکی، سازمان نظام پزشکی و سازمان تعزیرات حکومتی است. این ترکیب، به‌گونه‌ای تعیین شده است که نمایندگان گروه‌های ذینفع بازار مراقبت‌های سلامت شامل: طرف‌های عرضه، تقاضا و دولت به‌عنوان تنظیم‌کننده و ناظر بر روابط و قوانین و مقررات، در آن حضور داشته باشند. خدمات تشخیصی و درمانی را که در نظام سلامت کشور برای آن‌ها تعرفه تعیین می‌شود را می‌توان به سه دسته کلی: خدمات ویزیت



تعیین قیمت در بازار سلامت را نمی‌توان به راحتی به نیروهای عرضه و تقاضا سپرد؛ بنابراین دولت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تعیین قیمت کالاها و خدمات مراقبت سلامت دخالت و تحت عنوان تعرفه‌گذاری، قیمت کالاها و خدمات مذکور را برای یک دوره زمانی تعیین می‌کنند. وجود سازوکاری شفاف، مناسب و مورد توافق کلیه ذینفعان نظام سلامت برای تعیین تعرفه خدمات تشخیصی و درمانی، تأثیر چشمگیری بر کارکرد صحیح نظام سلامت و دستیابی به اهداف مورد نظر آن خواهد داشت. این درحالی است که مکانیسم تعرفه‌گذاری و به تبع آن، تعرفه‌های تعیین شده، مورد نقد ذینفعان نظام سلامت بوده و هر دو طرف عرضه و تقاضا، از تعرفه‌های مصوب ناراضی هستند.

اقدامات مذکور، عبارتند از:

- ① تفکیک ارزش نسبی کلیه خدمات مندرج در کتاب ارزش نسبی به اجزاء حرفه‌ای، فنی و کل؛
- ② تعیین حداکثر و متوسط درآمد ماهیانه برای پزشک متخصص؛
- ③ استخراج حداکثر و متوسط تعداد واحدهای ارزش نسبی تولیدشده توسط پزشکان در یک ماه یا یک سال از طریق سامانه «سپاس» یا بانک‌های اطلاعاتی بیمه‌های پایه؛
- ④ محاسبه ارزش ریالی هر واحد جزء حرفه‌ای از تقسیم اطلاعات حاصل از مراحل ۲ و ۳؛
- ⑤ محاسبه ارزش ریالی هر واحد ارزش نسبی فنی از طریق محاسبه هزینه تمام شده اتاق‌های عمل بیمارستان‌های منتخب و تقسیم آن بر تعداد کل واحدهای ارزش نسبی فنی تولیدشده توسط اتاق عمل‌های مورد بررسی؛
- ⑥ محاسبه هزینه تمام شده ویزیت سرپایی پزشک در سه سطح: ویزیت مختصر، متوسط و پیچیده و در سه مرکز شامل: مطب، بیمارستان و منزل به تفکیک اجزای فنی و حرفه‌ای؛
- ⑦ محاسبه هزینه تمام شده خدمت هتلینگ به تفکیک اتاق‌های دارای بیش از دو تخت و بخش‌های ویژه در بیمارستان‌های منتخب در وهله نخست و سپس استخراج متوسط اقامت بیمار برحسب هریک از خدمات مندرج در کتاب ارزش نسبی در بخش‌های عمومی و ویژه (قابل استخراج از سامانه «سپاس» و بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های بیمه‌گر پایه). در نهایت، تبدیل هزینه هتلینگ هر خدمت به تعداد واحد ارزش نسبی جزء فنی؛
- ⑧ محاسبه هزینه تمام شده خدمات آزمایشگاه و تصویربرداری پزشکی به تفکیک اجزای فنی و حرفه‌ای؛
- ⑨ تعیین درصد سود سرمایه توسط شورای عالی بیمه همراه با تصویب هیأت وزیران و اعمال آن در ارزش ریالی اجزای فنی؛
- ⑩ پرداخت یارانه‌های دولتی به مراکز تشخیصی و درمانی غیرانتفاعی براساس سهم سود سرمایه مندرج در صورت حساب‌های صادرشده توسط آنها جهت نوسازی، بازسازی و توسعه مراکز درمانی.

جمع‌بندی

در این مطالعه، تعرفه خدمات تشخیصی-درمانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار و زیربنایی در اعمال اصلاحات نظام سلامت، مورد بررسی قرار گرفته است. تعرفه خدمات تشخیصی-درمانی همواره محل مناقشه ذینفعان نظام سلامت بوده است. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از اجرای طرح تحول سلامت به‌واسطه هزینه‌های فراوان، چالش تأمین مالی نظام سلامت به‌شکل روزافزونی به‌عنوان اولویت سیاستگذاری مطرح شده است. بر این اساس، به‌منظور اصلاح نظام تعرفه‌گذاری، پیشنهاداتی ارائه شد که عبارتند از: برقراری تعادل میان آرای طرف‌های عرضه و تقاضای خدمات درمانی در ساختار شورای عالی بیمه سلامت، مشخص شدن نقش و شرح وظایف نمایندگان و همچنین تشکیل چند کمیته مستقل به‌منظور تهیه شواهد علمی درباره موضوعات مرتبط با تعرفه‌گذاری.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی توسط فرهاد کوهی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

سرپایی، هزینه اقامت بیمار در بیمارستان و خدمات مبتنی بر ارزش نسبی تقسیم کرد. تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی براساس قیمت‌های واقعی و نرخ سرانه حق بیمه درمانی به تصویب می‌رسد. همچنین مشاهده می‌شود که تعرفه‌های خدمات درمانی ضمن لحاظ قیمت‌های واقعی، تابع سطح درآمد گروه‌های بیمه‌شونده و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور نیز هستند. در این میان، وظیفه نظارت بر اجرای صحیح تعرفه‌ها در کشور برعهده کمیته‌ای متشکل از: نمایندگان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، سازمان نظام پزشکی و سازمان تعزیرات حکومتی است.

کاستی‌ها و ابهامات موجود در نظام تعرفه‌گذاری

نقایص ساختار و کارکردهای نظام تعرفه‌گذاری کشور به‌طورکلی در قالب چهار حوزه اصلی ساختار، فرآیند، نظارت و سایر موارد دسته‌بندی می‌شوند. برخی از مهم‌ترین مشکلات نظام تعرفه‌گذاری شامل «احتمال وجود تضاد منافع در ترکیب و ماهیت شورای عالی بیمه خدمات درمانی»، «عدم صراحت در تعریف و چارچوب خدمات تعرفه‌گذاری شده»، «ابهام در مبانی محاسباتی تعرفه‌ها»، «تعیین تعرفه متفاوت برای خدمت مشابه در بخش‌های دولتی، خصوصی و عمومی غیردولتی»، «ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی موردنیاز برای تعیین هزینه تمام شده خدمات»، «وجود همپوشانی و ضعف ساختار و فرآیند نظارت بر اجرای صحیح تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی» و «عدم تناسب منابع مالی نظام سلامت با مصارف آن» می‌شود.

ارائه الگوی بومی نظام تعرفه‌گذاری

باتوجه به گویه‌های مورد اجماع خبرگان و مدل پیشنهادی، مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلاحات در الگوی بومی نظام تعرفه‌گذاری از منظر خبرگان عبارتند از: «ایجاد ساختاری علمی و متمرکز همراه با رعایت حیطه وظایف و وزن متعادل طرف‌های عرضه و تقاضا»، «ایجاد رویه یکسان و مدون جهت تعیین تعرفه‌ها در همه بخش‌های دولتی، خصوصی و عمومی غیردولتی» و «شفاف و اثربخش بودن مکانیسم نظارت بر تعرفه‌ها». همچنین برخی اصلاحات موردنیاز در حوزه‌های ساختار، فرآیند و نظارت نظام تعرفه‌گذاری عبارتند از:

- ① برقراری تعادل میان آرای طرف‌های عرضه و تقاضای خدمات درمانی در ساختار شورای عالی بیمه سلامت و مشخص شدن نقش و شرح وظایف نمایندگان؛
 - ② تشکیل چند مؤسسه مطالعاتی مستقل به‌منظور تهیه شواهد علمی در زمینه موضوعات مرتبط با تعرفه‌گذاری و نیز ارائه نتایج حاصل از مطالعات. این مؤسسات و کمیته‌ها عبارتند از:
 - کمیته‌ای متشکل از نمایندگان انجمن‌های مختلف پزشکی به‌منظور تعیین ارزش نسبی خدمات پزشکی، با توانایی بازنگری کتاب ارزش نسبی؛
 - کمیته‌ای متشکل از متخصصان اقتصاد سلامت، حسابداری، آمار و... به‌منظور تعیین مبلغ ریالی هر واحد ارزش نسبی، تعیین هزینه تمام شده خدمات خارج از کتاب ارزش نسبی و...؛
 - کمیته‌ای برای نظارت مؤثر بر اجرای صحیح تعرفه‌ها.
- در فرآیند تعرفه‌گذاری، باید با انجام اقدامات زیر نسبت به تنظیم تعرفه خدمات تشخیصی و درمانی براساس متوسط هزینه تمام شده خدمات اقدام شود. این اقدامات باید در نمونه مشخصی از مراکز و مؤسسات درمانی باهدف ایجاد رقابت معیاربندی شده (yardstick competition) و افزایش بهره‌وری در تولید خدمات تشخیصی و درمانی صورت پذیرد.

امکان سنجی ارائه خدمات بهداشتی و پیشگیری در حوزه بیمه تأمین اجتماعی



نادر جهان‌مهر



موسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی

خدمات و تعرفه‌های
نظام سلامت

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده ارائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سلامت، حقی اصلی و همگانی است که به‌عنوان یکی از اصول اساسی نظام تعیین شده است. پیشگیری از بیماری‌ها باعث زندگی سالم‌تر، هزینه‌های کمتر، کیفیت زندگی بهتر، افزایش بهره‌وری نیروی کار و موارد دیگری از این دست می‌شود. اما باید توجه داشت که پیشگیری همیشه به‌صرفه نیست و گاهی می‌تواند هزینه‌های بیشتری را نسبت به درمان بر منابع محدود جامعه تحمیل کند. از این‌رو، بررسی تجربیات کشورها و توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی درباره مداخلات پیشگیرانه مفید خواهد بود. کشورهای توسعه‌یافته مدت‌ها است که با پدیده بیماری‌های غیرواگیر دست و پنجه نرم می‌کنند. تجارب این کشورها در مواجهه و مقابله با بیماری‌های غیرواگیر که مبتنی بر مؤلفه‌هایی نظیر: گروه سنی بیماران، مشارکت سازمان‌های بیمه در فرایند تأمین مالی و وضعیت هزینه‌های اثربخشی صورت گرفته است، می‌تواند به‌عنوان گزینه‌هایی بالقوه از سوی سیاستگذاران کشور بررسی شود.

●● بکارگیری مداخلات پیشگیرانه در سازمان‌های

بیمه‌گر و کشورهای جهان

بالغبر ۲۰ صندوق در حوزه بیمه‌های اجتماعی مشغول به فعالیت در کشور هستند که از میان آنها چهار صندوق اصلی «تأمین اجتماعی»، «بازنشستگی کشوری»، «تأمین اجتماعی نیروهای مسلح» و «بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر» بیش از ۹۰ درصد جمعیت تحت پوشش را به خود اختصاص می‌دهند. ارائه خدمات پیشگیری‌محور مربوط به سطح اولیه در بیشتر کشورهای جهان ذیل حوزه بیمه‌های پایه تعریف می‌شود. بیمه‌های پایه در کشورهای مختلف تحت مدیریت بخش‌های دولتی و خصوصی قرار دارند و براساس فرهنگ و پیشینه تاریخی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور، ذیل یکی از بخش‌های اقتصادی، بیمه‌های اجتماعی و بیمه‌های خصوصی ارائه می‌شوند. سازمان‌های بیمه‌ای در کشورهای مختلف براساس الزام قانونی یا به اراده خود، حوزه پیشگیری را تحت پوشش قرار داده‌اند. برای مثال، قانون خدمات مقرون به صرفه ACA در ایالات متحده آمریکا شرکت‌های بیمه‌ای را نسبت به پوشش بسته پیشگیرانه طراحی شده ملزم ساخته است. همچنین برای مقابله با ویروس آنفلونزا خدمات واکسیناسیون در دو کشور آلمان و فرانسه اجرایی شده است. با اعمال واکسیناسیون هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بیماری کاهش می‌یابد. ورود سازمان تأمین اجتماعی به حوزه پیشگیری از طریق پشتیبانی بیمه‌ای بسته‌های پیشگیرانه وزارت بهداشت، می‌تواند نمادی از همکاری بین‌بخشی وزارت بهداشت و سازمان تأمین اجتماعی برای مبارزه با بیماری‌ها باشد.



بیش از ۷۶٪ کل بار بیماری‌ها در ایران به بیماری‌های غیرواگیر اختصاص دارد. ورود سازمان‌های بیمه‌گر به حوزه پیشگیری توانسته است نقش به‌سزایی در کاهش بار بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های غیرواگیر داشته باشد. به‌طور کلی، خدمات پیشگیرانه، مواردی مانند: پوشش خدمات سلامت، کیفیت خدمات سلامت و صرفه‌جویی مالی را شامل می‌شود. این خدمات در دو سطح خدمات اولیه و خدمات تخصصی در واحدهای دولتی و غیردولتی ارائه می‌شوند. همچنین مداخلات پیشگیرانه به سه دسته با اهمیت بالا، با اهمیت متوسط و کم‌اهمیت طبقه‌بندی می‌شوند. نحوه تأمین مالی این خدمات از طریق پرداخت‌های بیمه‌شده، کارفرما، مالیات و غیره انجام می‌شود.

واحد خدمات سلامت سطح دوم موظف است ضمن ارائه بازخورد کتبی، تیم سلامت ارجاع‌دهنده را از نتیجه، برنامه درمان، پیگیری بیمار یا روند پیشرفت کار مطلع سازد. این نوع خدمات در سطح تخصصی نقطه ارجاع و در واحدهای دولتی و غیردولتی طرف قرارداد، شکل می‌گیرند.

●● اولویت‌بندی مداخلات پیشگیرانه و تأمین مالی آن‌ها

مداخلات پیشگیرانه براساس پنج معیار هزینه اثربخشی، بار بیماری، بار مراجعه، بار مرگ‌ومیر و توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی و اولویت‌های وزارت بهداشت به سه دسته با اهمیت بالا، با اهمیت متوسط و کم‌اهمیت تقسیم می‌شوند. در مدل پیشنهادی، سیستم تأمین مالی براساس بیمه مکمل، پایه و مساعدت اجتماعی به سیستم‌های DC، NDC، DB و آزمون وسع تقسیم می‌شود. نحوه تأمین مالی باتوجه به مؤلفه‌هایی نظیر: سطح درآمد نسبت به حداقل دستمزد قانونی، نوع پوشش بیمه از طریق پرداخت‌های فردی بیمه‌شده، سهم بیمه‌شده و کارفرما، سهم کارفرما و بیمه‌شده، مالیات عمومی، یارانه و سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت انجام می‌شود.

●● پیشنهادات سیاستی

- سیاست‌گذاری معطوف به طراحی مدل مشترک کشوری جهت پوشش خدمات پیشگیرانه میان سازمان‌های بیمه‌گر اصلی کشور؛
- ایجاد ائتلاف میان سازمان‌های بیمه‌گر اصلی کشور جهت افزایش قدرت چانه‌زنی با مجموعه وزارت بهداشت و دولت به منظور تأمین مالی خدمات پیشگیرانه؛
- شناسایی ریسک فاکتورهای سلامت گروهی افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی که از بار هزینه‌ای بالایی برای این سازمان برخوردارند؛

- نظرسنجی از خبرگان استانی سازمان تأمین اجتماعی؛

- دعوت از نمایندگان مهمترین سازمان‌های بیمه‌گر حوزه پیشگیری در سطح جهان به منظور هم‌افزایی و انتقال تجربه؛

- ارائه بسته محدود خدمات پیشگیرانه اولویت‌بندی شده مبتنی بر محیط کار و ریسک‌های گروهی به افراد تحت پوشش سازمان در سطح استان یا شهرستان‌ها با همکاری سایر سازمان‌های بیمه‌گر.

جمع‌بندی

خدمات پیشگیری‌محور در سطح اولیه حوزه بیمه‌های پایه قرار می‌گیرند. این خدمات علاوه بر پوشش خدمات سلامت، کیفیت خدمات سلامت و صرفه‌جویی مالی را نیز مدنظر قرار می‌دهند. خدمات و مراقبت‌های سلامت در دو سطح اولیه و تخصصی در اختیار افراد و جامعه تحت پوشش قرار می‌گیرند. براساس مدل پیشنهادی، خدمات پیشگیرانه براساس وضعیت هزینه اثربخشی و میزان حیاتی بودنشان در دسته‌های مختلف جای می‌گیرند که دسته‌های پراهمیت‌تر براساس نظام DB تأمین مالی می‌شوند و منابع آن مبتنی بر طبقه درآمدی افراد در نظام مالیاتی، با مشارکت کارفرما و بیمه‌شده یا بدون مشارکت بیمه‌شده تأمین خواهد شد.

دریاره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی توسط نادر جهان‌مهر در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

●● بار بیماری‌ها در ایران

بیش از ۷۶٪ کل بار بیماری‌ها در ایران به بیماری‌های غیرواگیر اختصاص دارد. پایه پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، شناسایی عوامل خطر اولیه، پیشگیری و کنترل این عوامل است. هدف از این اقدام، جلوگیری از شیوع همه‌گیری و کنترل حداکثری بیماری‌ها در محل بروز است. بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان‌ها، دیابت و بیماری‌های مزمن ریوی از جمله بیماری‌های غیرواگیر هستند.

الگوی مشابهی میان بار بیماری‌ها و بار مراجعه در کشور وجود دارد. از این‌رو مداخلاتی که به‌منظور کاهش بار بیماری‌ها صورت می‌پذیرد، موجب کاهش بار مراجعه بستری و سرپایی در بیماری‌های هدف خواهد شد. بیشترین بار مراجعه بستری به مجموعه تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به دوره حیاتی زایمان مربوط بود. سه بسته پیشنهادی وزارت بهداشت که دوره پیش تا پس از زایمان را شامل می‌شود، پاسخگوی بسیاری از نیازهای این دوره حساس برای مادر و نوزاد است.

●● ارائه‌دهندگان خدمات پیشگیرانه

پوشش همگانی سلامت علاوه بر پوشش خدمات سلامت، کیفیت خدمات این حوزه و نیز حفاظت مالی را مدنظر قرار می‌دهد. ایجاد نظام‌های سلامت کارا همراه با کارکنان آموزش‌دیده، عنصر کلیدی ارائه خدمات باکیفیت در حوزه سلامت است. همچنین در این راستا مراکز جامع سلامت می‌توانند به‌عنوان بهترین ارائه‌دهندگان خدمات پیشگیرانه به افراد تحت پوشش، مورد توجه باشند. در این طرح، خدمات و مراقبت‌های سلامت در دو سطح در اختیار افراد و جامعه تحت پوشش قرار می‌گیرد. این دو سطح عبارتند از:

● سطح اول؛ خدمات/مراقبت‌های اولیه مربوط به سلامت فرد و جامعه

سطح اول، شامل خدمات/مراقبت‌های اولیه مربوط به سلامت فرد و جامعه است. پیشگیری و آموزش سلامت فردی، تشخیص و درمان بیماری‌ها براساس بسته خدمت و پیگیری نتیجه بیماری، از جمله خدمات فردمحور هستند. خدمات سطح اول ابتدا در واحدی با نام عمومی پایگاه سلامت تعریف می‌شوند؛ این پایگاه‌ها مبتنی بر اصول ساختار و سطح‌بندی نظام شبکه بهداشت و درمان کشور، ضمن بهره‌گیری از استانداردهای نیروی انسانی، فضای فیزیکی و تجهیزات معین در حاشیه شهرها و مناطق شهری به ارائه خدمت می‌پردازند. سایر خدمات سلامت مانند: خدمات دارویی و پاراکلینیک نیز در مراکز و مؤسسات دولتی و غیردولتی مانند: داروخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و مراکز تصویربرداری ارائه می‌شوند.

● سطح دوم؛ خدمات ارائه شده توسط واحدهای سرپایی تخصصی و واحدهای بستری موجود در نظام سلامت

سطح دوم، شامل آن دسته از خدمات تخصصی می‌شود که توسط واحدهای سرپایی تخصصی و واحدهای بستری موجود در نظام سلامت ارائه می‌شوند. این خدمات، شامل: خدمات تشخیصی درمانی، توان‌بخشی و بازتوانی تخصصی، تدبیر فوریت‌های تخصصی، اعمال جراحی انتخابی و اورژانس هستند. این دسته از خدمات در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که از سطح اول خدمات به سطح دوم ارجاع شده‌اند.

بررسی آسیب‌های فسادزا در نظام دارویی کشور و ارائه راهکارهایی جهت رفع آنها



کیومرث اشتریان



مرکز بررسی‌های
ریاست جمهوری

دارو و تجهیزات پزشکی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهدهٔ ارائهٔ این پژوهش در جایزهٔ ملی سیاست‌گذاری، کیوآرکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

گزارش حاضر مبتنی بر مدل تحلیلی سیاست‌گذاری عمومی شامل: مسئله‌شناسی تحلیلی، مبانی و نظریهٔ سیاستی، تحلیل حقوقی، تشریح وضعیت موجود و توصیه‌های سیاستی تدارک دیده شده است. دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹، هفده نفر از صاحب‌نظران و فعالان حوزهٔ پزشکی، دارویی، اقتصادی و اجتماعی کشور، نامه‌ای را خطاب به دکتر نمکی وزیر وقت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نوشتند و در آن به طرح مباحثی مانند: فساد در صنعت دارو، تعارض منافع در نظام دارویی کشور، نظام تعیین تعرفه‌های درمانی، نظام تعیین قیمت دارو، نظام تخصیص ارز، مناسبات موجود هیئت امنای ارزی، اعطای پروانه‌های تولیدی به اشخاص فاقد شرایط و تولید محصولات دارویی پرخطر پرداختند. وزیر بهداشت در پنجم اردیبهشت‌ماه همان سال، دستور رسیدگی به دغدغه‌های مطرح‌شده در نامه را صادر کردند. بخش مهمی از فسادهای رخ داده در صنعت دارو به دلیل کاستی‌هایی است که در قوانین فعلی صنعت دارویی کشور وجود دارد. وجود این کاستی‌ها باعث شده است که قوانین موجود نتوانند ممنوعیت‌های قانونی را به‌شکلی کامل و مؤثر پشتیبانی کنند. قوانین ضدفساد فعلی در صنعت دارویی کشور تنها در دو زمینهٔ (ممنوعیت اشتغال همزمان) و «احتمال فساد در فرآیند ارزیابی کیفیت»، محدودیت‌هایی را برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی وضع کرده‌اند. گزارش حاضر، حاصل بررسی‌های انجام شده توسط گروهی است که از جانب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مأمور رسیدگی به وضعیت دارو و تجهیزات پزشکی شدند. در این پژوهش، راهکارهایی به‌منظور رفع فساد در صنعت دارویی کشور ارائه شده است.

●● اصلاحات در صنعت دارو

اصلاحات در صنعت دارو نیازمند شناخت عوامل و شرایطی است که زمینه را برای شکل‌گیری فساد مساعد ساخته‌اند؛ این عوامل در دو سطح قابل بررسی است. سطح اول، مربوط به شرایطی است که دچار نقصان ساختاری است. در این سطح، چالش‌هایی مانند: «فساد ناشی از ضعف کنترل و نظارت حقوقی در صنعت دارویی کشور»، «فساد در فرآیند ارائهٔ مجوز و صدور پروانه» و «فساد در تخصیص یارانه» وجود دارد. سطح دوم به‌علت اهمال وظایف قانونی محول‌شده به سازمان غذا و دارو، زمینهٔ شکل‌گیری فساد را تسهیل کرده است. از جمله چالش‌های موجود در این سطح می‌توان به: «اجرای ناقص دستورالعمل داروهای دسته‌بندی شده (Hazardous) و عدم روزرسانی فهرست دارویی این دسته»، «انحراف در اجرا و رعایت قوانین بین‌المللی حاکم بر نظام‌های تولید دارو GMP» و «تداخل وظایف سازمان غذا و دارو» که از یک سو مسئولیت اجرای قیمت‌گذاری و از سوی دیگر وظیفهٔ



سازمان غذا و دارو با سوداگران تجاری در عرصهٔ واردات و عرضهٔ دارو مواجه است که به شدت در برابر ایجاد تغییرات اصلاح‌طلبانه مقاومت می‌کنند. تبانی و بده‌بستان‌های رفاقتی بسیاری در صنعت دارو دیده می‌شود که در آن اصول و استانداردهای اخلاقی به قیمت امنیت جانی هم‌نوعان به آسانی زیر پا گذاشته شده است. کنترل فعالیت سوداگری غیرقانونی، یکی از مهمترین راه‌حل‌های ضد فساد در صنعت دارویی کشور است. اگرچه این همه آن کاری نیست که سیاست‌گذاری ضد فساد در صنعت دارو ملزم به انجام آن است اما گسترهٔ فعالیت سوداگری در تمام عوامل و گلوگاه‌های فساد شناسایی شده، نفوذ و تأثیر دارد. بنابراین یک اصل راهبردی، شکل‌گیری ائتلاف ضد فساد علیه سوداگران است.

غذا و دارو انجام می‌شود، از دیگر نکات لازم برای بهبود وضعیت حوزه دارو است. در واقع «هرگاه مقام نظارت‌کننده دارای اختیار تصمیم‌گیری هم باشد، انگیزه برای سوءاستفاده وجود دارد». از این رو، لازم است که معاونت مذکور، اقدامات نظارتی را برعهده گیرد و وظیفه تأمین به معاونت دیگری سپرده شود.

سازمان غذا و دارو مسئولیت اجرایی قیمت‌گذاری را برعهده دارد و باتوجه به جایگاه حاکمیتی خود، ناگزیر از حفظ منافع، قدرت خرید مصرف‌کنندگان و بیمه‌ها است. این سازمان سعی در پایین نگه داشتن قیمت‌ها و نادیده انگاشتن الزامات حاکم بر قیمت را دارد. در چنین شرایطی، شرکت‌های تولیدی در معرض اقدامات انقباضی شدید قرار می‌گیرند. در این زمینه، پیشنهاد مشخص گزارش پیش‌رو آن است که سازمان غذا و دارو متولی کنترل کیفیت محصولات تولید شده باشد و اعطای مجوز و قیمت‌گذاری به یک سازمان تنظیم‌گر تخصصی محول شود. چارچوب قانونی و مقرراتی ضعیف و متمرکز، باعث شده است که تصمیم‌گیری‌های کلیدی حوزه دارو به خودتنظیم‌گری و دایره نفوذ ذینفعان واگذار شود. پیامدهای این وضعیت عبارت از: ضعف نظارت، استقلال از پاسخگویی، تأثیر منفی بر نتایج بهداشتی و اهداف بهداشت عمومی است. از این رو، به نظر می‌رسد که وجود نهادی فرابخش مانند: ستاد توسعه زیست فناوری در میان نهادهای تنظیم‌گر صنعت دارو بتواند گامی مناسب در راستای نظارت بر فعالیت‌های این حوزه به شمار آید. فضای حاکم بر صنعت دارویی کشور امکان اعمال قدرت، نفوذ و عملکرد سلیقه‌ای را تسهیل کرده است. راه‌حلی که به‌منظور کنترل و افزایش نظارت عمومی در صنعت دارویی کشور پیشنهاد می‌شود، بکارگیری رویه‌ای «شفاف» است. شفافیت قیمت، شفافیت هزینه‌های تولیدی، شفافیت قراردادهای، شفافیت پرداخت شرکت‌های دارویی به پزشکان، شفافیت پرداخت داروخانه‌ها و مراکز تشخیص طبی به پزشکان، شفافیت درآمدها و مخارج بیمه‌ها، انتشار نتایج مطالعات بالینی داروها و شفافیت اقلام دارویی داروخانه‌ها همراه با قیمت آن‌ها، ازجمله موارد ضروری است که باید متناسب با آنها اقدامات شفافیت‌بخش لازم صورت پذیرد.

جمع‌بندی

وجود برخی کاستی‌ها در قوانین فعلی صنعت دارویی کشور باعث شده است که این قوانین نتوانند ممنوعیت‌های قانونی را به‌شکلی کامل و مؤثر پشتیبانی کنند. برای رفع فساد در صنعت دارویی کشور، راهکارهایی وجود دارد. اکنون برخی از مقامات سابق سازمان غذا و دارو موقعیت‌های خود را به ابزاری برای ثروت‌اندوزی‌های رانتی بدل ساخته‌اند. از این رو، باید مجوزهای اعطاشده لغو و منافع اخذشده بازپس گرفته شود. راه‌حلی که به‌منظور افزایش نظارت عمومی پیشنهاد می‌شود، بکارگیری رویه‌ای شفاف و ایجاد نظارت همگانی است. شفافیت قیمت، شفافیت هزینه‌های تولیدی، شفافیت قراردادهای، شفافیت تعارض منافع، شفافیت پرداخت شرکت‌های دارویی به پزشکان، شفافیت پرداخت داروخانه‌ها و مراکز تشخیص طبی به پزشکان و... ازجمله مواردی هستند که باید متناسب با آنها اقدامات شفافیت‌بخش لازم صورت پذیرد.

دریاره پژوهش

این مطالعه در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با همکاری کیومرث اشترینان، سعید سمنانیان و محدثه جلیلی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

حمایت از حقوق مصرف‌کننده را برعهده دارد، اشاره کرد. سیاستگذاران صنعت دارویی کشور با مسائل مختلفی مواجه‌اند. فساد در صنعت دارویی کشور، گاه از جایی نشأت می‌گیرد که هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیت قانونی برای پیشگیری از آن وجود ندارد. در موارد دیگر، قوانین موجود از کارایی و قدرت بازدارندگی لازم جهت پیشگیری از فساد برخوردار نیستند و در مواردی هم نفوذ سیاسی، عامل دور زدن قانون است. در مجموع، چالش‌های موجود در صنعت دارویی کشور که توان این صنعت را برای مقابله با فساد کاهش داده، از نوع ساختاری است. اصلاحات در صنعت دارویی کشور نیازمند افزایش شفافیت و تقویت نظارت عمومی است. براساس نواقص و چالش‌های کارکردی احصا شده، انتقادات زیر بر فرایند سیاستی حوزه دارو وارد است:

دامنه وظایف و اختیارات بسیار گسترده

وظایف سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری (اعطای مجوز، نظارت، تعیین و هدایت نظام استانداردها و تعیین قیمت) در صنعت دارو به‌شکلی مترکام در حیطه اختیارات سازمان غذا و دارو تعریف شده است. این سازمان نیز به دلیل ماهیت سازمانی خود در معرض پرسشگری مستقیم مجلس قرار نمی‌گیرد.

حقوق قاعده‌گذاری برای خود

در زنجیره تأمین محصولات دارویی، مسئولیت بر دوش دولت است و ضروریست که دایره تنظیم‌گران این حوزه باز شود. همچنین لازم است که ترکیب اعضای تنظیم‌گر به گونه‌ای باشد که ظرفیت مشارکت نمایندگان بخش غیردولتی در حوزه کارکردی فراهم شود. نظام تنظیم‌گری فعلی در حوزه دارو به‌شکلی طراحی نشده است که بازیگران مختلف آن بتوانند به‌درستی در کنار هم قرار گیرند و به ایفای کارکردهای مربوط به خود بپردازند؛ از این رو، اثربخشی این نظام مخدوش شده است.

تداخل وظایف

یکی از مصادیق تداخل وظایف در صنعت دارو عبارت است از اینکه سازمان غذا و دارو از یک سو مسئولیت اجرایی قیمت‌گذاری را برعهده دارد و از سوی دیگر باتوجه به جایگاه حاکمیتی خود، ناچار به حمایت از قدرت خرید مصرف‌کنندگان و حافظ منافع بیمه‌ها است و سعی در پایین نگه داشتن قیمت‌ها و نادیده گرفتن الزامات حاکم بر قیمت دارد.

اقدامات پیشنهادی جهت رفع فساد در

صنعت دارویی کشور

دامنه اختیارات گسترده و تصدی همزمان چند نقش توسط برخی از نهادهای خاص شاغل در صنعت دارو، موجب تعارض منافع، اتحاد مجری و قاعده‌گذار و اتخاذ تصمیمات ناکارآمد شده است. اکنون تصمیم‌گیران و سیاستگذاران صنعت دارو خود، بخشی از نظام اجرایی این صنعت هستند و در قواعد تنظیم شده، منافع آن‌ها بیش از سایر ذینفعان نظام سلامت در نظر گرفته می‌شود. از این رو، حوزه دارو نیازمند «قانون مدیریت تعارض منافع» است. هم‌اکنون تنها قوانین متناسب با پیشگیری از تعارض منافع در حوزه دارویی کشور، ناظر به دو بعد «ممنوعیت اشتغال هم‌زمان» و «احتمال فساد در فرایند ارزیابی کیفیت (تصمیم‌گیری در فرایند تأیید یا رد استاندارد)» هستند. از این رو، ضروری است که نسبت به پیشگیری از سایر ابعاد تعارض منافع، سیاست‌های متناسبی پیش‌بینی شود.

تفکیک دو وظیفه تأمین و نظارت دارویی که اینک هر دو توسط سازمان

بررسی و تحلیل تجارب ایران و سایر کشورها از ابعاد مختلف بازتخصیص آب



اندیشکده تدبیر آب ایران | سروش طالبی اسکندری



آب و منابع طبیعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در ایران، منابع آبی با اضافه برداشت همراه است. در نتیجه، باید برای کاهش میزان مصرف آب و نیز توسعه آبی کشور تدابیری داشت. تنها راهکار برای رفع این چالش، بازتخصیص آب است. منظور از بازتخصیص آب، جابه‌جایی و تغییر الگوی تقسیمات آبی بین بخش‌های مختلف و حتی درون بخش‌ها است. تاکنون موارد متعددی از بازتخصیص در کشور اجرا شده است. این تجارب عموماً بدون توجه به واقعیت‌های موجود است. از جمله بازتخصیص‌های ناموفق کشور مانند احیای دریاچه ارومیه، توسعه و آبادانی بخش‌های محروم کشور از طریق تأمین آب، احیای آبخوان‌های کشور، بازنگری و تعدیل پروانه‌های بهره‌برداری و تخصیص‌ها از منابع آبی کشور و بسیاری موارد دیگر است. لذا ضروری است که قبل از اجرای هر راهکاری، ابعاد مختلف و پیچیدگی‌های بازتخصیص آب به خوبی بررسی شود.

●● روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، ابتدا به منظور آشنایی با بازتخصیص آب، مبانی مفهومی بازتخصیص و روش‌های آن از منابع و مراجع موجود در این حوزه استخراج شد. سپس تجارب کشورها از بازتخصیص آب بررسی و همچنین شیوه پیاده‌سازی روش‌های موجود در نظام‌های حقوقی متفاوت و کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بررسی گشته و به منظور شناخت نگاه قانون‌گذاران و سیاستگذاران به موضوع بازتخصیص، اسناد حقوقی و سیاستی این حوزه نیز واکاوی شده است.

به منظور آگاهی از نقش دولت در بازتخصیص، نظام حکمرانی تعریف شده برای انجام تخصیص و بازتخصیص با محوریت دولت بررسی شده است. بر این اساس، این نظام تلاش دارد که به شکل یک‌طرفه و با حذف واقعیت‌های موجود به مصلحت‌اندیشی برای کل جامعه بپردازد. در نهایت، چند مورد مطالعاتی بررسی می‌شود که نتیجه نظام حاکم بر بازتخصیص آب را در کشور نشان می‌دهند. به این ترتیب، تصویری از نحوه شکل‌گیری نیاز به بازتخصیص، فرآیند اجرای آن و اثرات آن در کشور به دست می‌آید. این بخش‌ها در کنار هم، دیدی جامع از بازتخصیص را ارائه می‌دهد که براساس آن، تدوین و اجرای الگوی «بازتخصیص‌های پایدار» پیشنهاد می‌شود.

●● تفاوت تخصیص و بازتخصیص آب

واژه تخصیص آب در حقیقت برای مواردی به کار گرفته می‌شود که پیشتر مصرفی برای آن تعریف نشده است. اما باز تخصیص مربوط به آب‌هایی است که پیشتر برای مصرف معینی بهره‌برداری می‌شدند. باز تخصیص



یکی از چالش‌های اصلی برای توسعه پایدار کشور، محدودیت منابع آبی است. بازتخصیص آب به عنوان راهکاری برای این چالش، هم می‌تواند میزان مصرف آب را کاهش دهد، هم توسعه آبی کشور را تضمین کند. اما نظام حقوقی کشور برای اجرای بازتخصیص نارسایی‌هایی دارد. از سوی دیگر، تاکنون شفافیتی درباره جابه‌جایی آب بین حبابه‌داران گذشته و بهره‌برداران جدید وجود نداشته است. در واقع، در ایران بازتخصیص خاموش در حال اجراست که نتیجه شناخت ناقص تصمیم‌گیران از بیلان آب (موجودی و تغییراتی است که در موجودی آب در یک محدوده زمانی و مکانی بخصوص رخ می‌دهد) و نیز حذف ذینفعان از فرآیند تصمیم‌گیری است.

اجتماعی است و رسیدن به هدف‌های کاهش مصرف آب ممکن است به دلیل عواقب اجتماعی، در مرحله پیاده‌سازی با شکست مواجه شود. در واقع، حقوق آب پایه و اساس قوی ندارد که بازتخصیص زیست‌محیطی براساس آن صورت گیرد. همچنین این بازتخصیص ممکن است با سیاست‌های ملی و منطقه‌ای که بی‌توجه به محیط‌زیست تدوین شده‌اند، در تضاد باشد. در نتیجه با مقاومت‌های جدی‌ای روبه‌رو خواهد شد. برای نمونه، کاهش تولیدات بخش کشاورزی می‌تواند به عنوان یک تهدیدی جدی در برابر بازتخصیص‌های زیست‌محیطی قرار گیرد.

● بازتخصیص‌های تبدلی

در بازتخصیص‌های تبدلی، هدف اصلی تأمین نیازهای آینده در بخش‌های مختلف شامل شهر، صنعت و کشاورزی است. عدم تأمین این بخش‌ها، می‌تواند موجب محدودیت در رشد و توسعه باشد. محور اصلی این بازتخصیص کارایی اقتصادی است و از طریق تبادل از مصرف با کارایی کمتر به مصرف با کارایی بالاتر انجام می‌گیرد. چالش اصلی در این نوع از بازتخصیص‌ها، تضعیف بالقوه و اگرانگیزندگان آب یا فروشندگان آب است. به عبارت دیگر، مبادله آب ممکن است در آینده عواقب ناخوشایندی مانند از دست دادن سرمایه را به همراه داشته باشد. بنابراین وظیفه دولت فراهم کردن عرصه لازم برای انجام مبادلات به شکلی عادلانه و پایدار است. البته بازتخصیص تبدلی هنوز در ایران رسمیت پیدا نکرده و به دلیل مطرح شدن راهکارهایی مانند انتقال آب از دریا برای تأمین منابع شرب و صنعت، به حاشیه رانده شده است، چراکه این ایده که همواره می‌توان کاستی‌ها را با منابع آب جدید (آب دریا) تأمین کرد، مانع از توجه جدی به بازتخصیص آب می‌شود.

جمع‌بندی

واژه تخصیص آب برای مواردی که کار گرفته می‌شود که پیشتر مصرفی برای آن تعریف نشده است. اما بازتخصیص مربوط به آب‌هایی است که پیشتر برای مصرف معینی بهره‌برداری می‌شدند. در این پژوهش، با بررسی جوانب مختلف بازتخصیص آب به عنوان راهکاری برای توسعه پایدار کشور، تلاش شد که درک درستی از این موضوع ارائه شود. عدم شفافیت در جابه‌جایی مالکیت منابع آبی و نیز صادرنشده پروانه بهره‌برداری برای آب‌های سطحی، بازتخصیص خاموش را موجب شد. تجارب ناموفق بسیاری در کشور وجود دارد که ناشی از این بازتخصیص خاموش است. با توجه به عدم تعادل منابع و مصارف، موضوع بازتخصیص در کشور صرفاً تأمین مصارف جدید از طریق تغییر در تخصیص‌ها نیست بلکه تمایز اصلی آن در رهاسازی آب از بخش‌های مصرفی (به‌ویژه بخش کشاورزی) به محیط‌زیست است. بنابراین در عصر نوین بازتخصیص‌ها در کشور، باید به بازتخصیص‌های پایدار توجه داشت.

دربارۀ پژوهش

این مطالعه در اندیشه‌کده تدبیر آب ایران با همکاری سروش طالبی اسکندری و سید جلال‌الدین میرنظامی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

به مفهوم جابجایی آب بین مصرف‌کنندگانی است که به طور رسمی یا غیر رسمی نسبت به میزان مشخصی از آب مجع شناخته می‌شوند و در زمانی انجام می‌شود که تخصیص فعلی از لحاظ فیزیکی غیر ممکن، از لحاظ اقتصادی غیر کارا و یا از منظر اجتماعی غیر قابل قبول باشد. اگرچه برخی از محققین حتی آبی را که از یک منبع تخصیص داده می‌شود را نیز بازتخصیص می‌نامند اما به طور معمول تفاوت بازتخصیص با تخصیص در این است که آب از مصرفی که نسبت به آن تعهدی وجود دارد (حقوق آب) به مصرف دیگری اختصاص می‌یابد. بازتخصیص آب را می‌توان به عنوان یک بخش جدی از مجموعه اقدامات مدیریتی عرضه و تقاضای آب در نظر گرفت که می‌تواند باعث بهبود اثربخشی هزینه، انعطاف‌پذیری و اطمینان‌پذیری سیستم منابع آب شود. اگر چه از منظر برخی بازتخصیص یک استراتژی کلیدی تقاضای آب محسوب می‌شود اما ممکن است که نهایتاً موجب ذخیره آب نشود و صرفاً منفعت اقتصادی داشته باشد، لذا بسته به اهداف و نحوه اجرا کردن آن، می‌توان آن را یک استراتژی دو منظوره جهت مدیریت عرضه و تقاضا در نظر گرفت.

●● عصر بازتخصیص‌های خاموش در ایران

با تصویب «قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن» در سال ۱۳۴۷، مالکیت خصوصی به مالکیت ملی و قواعد عرفی بهره‌برداری آب به مدیریت بهره‌برداری دولتی واگذار شد. با وجود این، هیچگاه دیدگاه قانون نسبت به نظام حقوقی آب به طور شفاف ذکر نشده است. از سوی دیگر، به منظور افزایش بهره‌وری نظام بهره‌برداری، سازوکارهای رسمی و دولتی محوریت یافت. این رویکرد باعث شد که دولت با تمام ضعف‌ها و مشکلاتش متولی اصلی مدیریت آب شود و با تکیه بر قدرت فناوری مدرن برای استحصال منابع آب، مدیریت آب تماماً به تأمین بیشتر آب تبدیل شود.

براساس «قانون توزیع عادلانه آب»، دولت مکلف شده بود که برای بهره‌برداران آب، پروانه مصرف معقول صادر کند. اما همچنان این پروانه برای بهره‌برداران آب سطحی صادر نشده است. بنابراین در ایران شفافیتی درباره جابه‌جایی آب بین حقایق‌داران گذشته و بهره‌برداران جدید ایجاد نشد. به این معنی که جابه‌جایی به صورت تدریجی و بدون آگاهی کامل حقایق‌داران روی می‌دهد. همین جهت این شیوه را می‌توان بازتخصیص خاموش نامید. این ابهام به شناخت ناقص تصمیم‌گیران از بیلان آب و نیز حذف ذینفعان از فرآیند تصمیم‌گیری بازمی‌گردد.

●● عصر نوین بازتخصیص‌ها؛ بازتخصیص‌های

پایدار

با توجه به عدم تعادل منابع و مصارف، موضوع بازتخصیص در کشور صرفاً تأمین مصارف جدید از طریق تغییر در تخصیص‌ها نیست. بلکه تمایز اصلی آن در رهاسازی آب از بخش‌های مصرفی (به‌ویژه بخش کشاورزی) به محیط‌زیست است. بنابراین در عصر نوین بازتخصیص‌ها در کشور، باید به بازتخصیص‌های پایدار توجه داشت که در دو دسته معرفی می‌شوند:

● بازتخصیص‌های زیست‌محیطی

بازتخصیص‌های زیست‌محیطی به مفهوم کاستن از مصارف کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین مصرف‌کننده آب است، به نحوی که تعادل به منابع بازگردد و حتی در صورت امکان احیا شوند. احیای دریاچه ارومیه بیانگر چنین دغدغه‌ای است. چالش اصلی این بازتخصیص عدالت و پایداری

بررسی مشکلات و چالش‌های سامانه بازارگاه نهاده‌های دامی و کشاورزی



مهدی بختیاریزاده



موسسه مطالعات و توسعه محیط زیست، آب و کشاورزی

●●● ضرورت و اهداف پژوهش

هرنوع خدمت، ابزار، تجهیز یا ماده مصرفی که جهت رشد، تکثیر و پرورش حیوانات مورداستفاده قرار گیرد، در زمره نهاده‌های دام و طیور محسوب می‌شود. طی ماه‌های گذشته، عدم تخصیص به‌موقع ارز از سوی وزارت صمت، عدم تأمین بهنگام ارز از سوی بانک مرکزی و دیو شدن نهاده‌های دامی در برخی بنادر کشور باعث کمبود عرضه و افزایش قیمت نهاده‌های دامی به چند برابر نرخ مصوب دولتی شد.

مشکلات بازار نهاده‌های دامی و خوراک دام و طیور تنها محدود به تخصیص و تأمین ارز نیست؛ حتی نهاده‌هایی که تأمین ارز شده‌اند نیز باید از طریق سامانه بازارگاه نهاده‌های دام و طیور توزیع شوند. سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی، بازار الکترونیک نهاده‌های کشاورزی است که به‌منظور شفافیت فعالیت اجزای زنجیره و کنترل قیمت در سقف مصوب ایجاد شده است و خرید و فروش نهاده‌های کشاورزی در آن صورت می‌گیرد.

این سامانه دارای چالش‌های متعددی نظیر: مشکلات نرم‌افزاری و فقدان دانش کافی برای بهره‌برداری از آن، عدم شفافیت در برخی از فرایندها و فقدان ارتباط با دیگر سامانه‌های فعال بخش تجارت و کشاورزی است. همچنین میزان نهاده‌هایی که در این سامانه عرضه می‌شود، تنها حدود ۵۰٪ خوراک موردنیاز تولیدکنندگان کشور را دربرگرفته و پاسخگوی نیاز تولیدکنندگان نیست. در شرایط محدودیت عرضه نهاده و توزیع آن از طریق سامانه بازارگاه، تولیدکنندگان خوراک دام مجبورند بخش عمده نیاز خود را از طریق بازار آزاد و گاه به قیمت‌های بالا تهیه کنند. اکنون ۵۰٪ از نهاده‌های وارداتی در بازار آزاد خرید و فروش می‌شود و همین مسئله مشکلات متعددی را در زمینه تهیه خوراک برای تولیدکنندگان رقم زده است؛ بنابراین مصوبه، کلیه نهاده‌ها باید در سامانه بازارگاه توزیع شود اما این سامانه با مشکلات متعددی روبه‌رو است.

●●● نهاده‌های دام و طیور

دام و طیور نیز مانند سایر جانداران به کلیه مواد مغذی که موردنیاز متابولیسم بدنی آن‌ها است نیاز دارند. علوفه‌ها مهم‌ترین بخش تغذیه دام‌ها هستند که از مواد پروتئینی و مغذی فراوانی تشکیل شده‌اند. مواد علوفه‌ای شامل دو دسته: لگومینه (یونجه، شبدر، اسپرس و...) و گرامینه (گندمیان) است و به سه شکل: تازه (سبز)، خشک شده و مواد سیلویی در تغذیه گاو استفاده می‌شود. پروتئین یکی دیگر از موارد ضروری در تغذیه دام و طیور است که بر کیفیت تولید گوشت تأثیرگذار است. در صورتی که انرژی لازم برای دام و طیور تأمین نشود، ممکن است آنها دچار مشکلات تغذیه‌ای شوند؛ بنابراین مواد انرژی‌زا نیز به دام و طیور خوراند می‌شود. افزودنی‌ها، جزء یا ترکیبی از اجزای تشکیل‌دهنده افزوده شده به جیره پایه

کشاورزی و امنیت غذایی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



تأمین نهاده‌های دامی در کشور، هم از طریق تولید و هم از محل واردات صورت می‌گیرد، اما به دلایلی مانند: شرایط ژئوپلیتیکی، موقعیت جغرافیایی، هوای گرم و خشک، کمبود منابع آبی، نبود ماشین‌آلات و فناوری‌های لازم و البته فقدان استراتژی‌های مناسب تولید محصولات کشاورزی، ایران در حوزه نهاده‌های دامی به یک کشور واردکننده تبدیل شده است. حداقل ۷۰٪ از هزینه‌های تمام شده محصولات پروتئینی مانند: مرغ، تخم‌مرغ، شیر، گوشت قرمز و... به خوراک دام مربوط است که به‌صورت میانگین ۹۰٪ این نهاده‌ها از کشورهای دیگر وارد می‌شود. از این‌رو هرگونه اختلال در تأمین و توزیع نهاده‌ها، تولید این نوع محصولات را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

چند واحد تولیدی خرد توسط جهاد کشاورزی شهرستان خریداری و توزیع شود. در این شیوه حتی می‌توان از ظرفیت تشکل‌ها و اتحادیه‌ها نیز استفاده کرد؛ به شرط آنکه مشکلات و مفاصل احتمالی موجود در عملکرد آن‌ها کنترل شود.

● عدم شفافیت در نظام توزیع نهاده‌ها

سهمیۀ هر واحد تولیدی باید براساس فرمولی که ظرفیت و بهره‌وری واحد در آن دخیل است، محاسبه شود، اما متأسفانه در شهرستان‌ها به دلیل روابط ناسالم، سهمیه‌ها به صورت غیرواقعی تخصیص داده می‌شوند. این امر در واحدهای دامداری بسیار پررنگ‌تر است؛ بنابراین آن دسته از واحدهایی که روابط قوی‌تری دارند یا می‌توانند تعامل بهتری با کارشناسان جهاد کشاورزی برقرار کنند از سهمیه بیشتری برخوردار خواهند شد؛ اما غالباً در تخصیص سهمیه‌ها ضوابط و شاخص‌های معینی وجود ندارد که طبق آن‌ها عمل شود. برای حل این مشکل، ایجاد شفافیت در سامانه و تخصیص سهمیه براساس ظرفیت ثبت‌شده در مجوز واحدهای فعال بهره‌بردار، ضروری است که اختیارات تخصیص نهاده از دست کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان و استان خارج شود و فرایند تخصیص نهاده در قالب اتوماسیون صورت پذیرد.

● عدم راستی‌آزمایی واحدهای تولیدکننده

بارها دیده‌شده که واحدهای دریافت‌کننده سهمیه فاقد هر نوع فعالیت تولیدی هستند و سال‌ها است که در وضعیت تعطیل به سر می‌برند. این امر در واحدهای مرغداری به دلیل اتصال به سامانه سمامص کمتر دیده‌شده است یا می‌توان گفت که به نوعی دیگر دیده می‌شود؛ بدین صورت که پس از دریافت سهمیه، جوجه‌ها معدوم شده یا ظرفیت واحد را کاهش می‌دهند. اما در واحدهای دامداری به دلیل نبود سامانه دقیق اطلاعاتی، چنین اتفاقی بیشتر رخ می‌دهد و واحدهای غیرفعال، سهمیه را دریافت کرده و در بازار آزاد به فروش می‌رسانند. حل این مشکل نیازمند راستی‌آزمایی دقیق واحدهای تولیدی از سوی نهادهای نظارتی و جهاد کشاورزی است. همچنین اتصال سامانه‌هایی مثل: سامانه ثبت مجوزهای سازمان دامپزشکی کشور و سامانه کشتارگاه‌های کشور به سامانه بازارگاه نیز می‌تواند بسیار راهگشا باشد. برای تولید شیر نیز می‌توان همین روند را در یک سامانه مشخص دنبال کرد. لذا با تجمیع این اطلاعات در سامانه‌های مختلف می‌توان نسبت به برنامه‌ریزی‌های دقیق اقدام کرد. همچنین با راستی‌آزمایی دقیق واحدهای تولیدی فعال، ظرفیت تولید آن‌ها نیز مشخص خواهد شد.

جمع‌بندی

هر نوع خدمت، ابزار، تجهیز یا ماده مصرفی که جهت رشد، تکثیر و پرورش حیوانات مورد استفاده قرار گیرد، در زمره نهاده‌های دام و طیور محسوب می‌شود. سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی، بازار الکترونیک نهاده‌های کشاورزی است که به منظور شفافیت فعالیت اجزای زنجیره و کنترل قیمت در سقف مصوب ایجاد شده است و خریدوفروش نهاده‌های کشاورزی در آن صورت می‌گیرد. در این پژوهش به بررسی برخی از مشکلات موجود در این سامانه و ارائه پیشنهاداتی جهت رفع آن‌ها پرداخته شده است.

دریاره پژوهش

این مطالعه در موسسه مطالعات و توسعه محیط‌زیست، آب و کشاورزی (ماکا) با همکاری مهدی بختیاری‌زاده و مهسا زارع در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

یا بخشی از آن هستند که برای تکمیل کردن نیازهای ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

● بررسی چالش‌های سامانه بازارگاه و ارائه راهکارها

یکی از مهم‌ترین مزایای راه‌اندازی سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی این است که تمامی تولیدکنندگان و بازرگانان واقعی را بدون واسطه با تشکل‌های دام و طیور و تولیدکنندگان این حوزه مرتبط می‌کند. از سوی دیگر، هر دامدار، مرغدار و یا صاحبان کارخانه‌های خوراک دام می‌توانند با ثبت نام در سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی و اخذ کد کاربری نسبت به خرید نهاده موردنیاز خود اقدام کنند. با این وجود، در سامانه بازارگاه مشکلاتی دارد که موجب انتقاد اصناف و تولیدکنندگان دام و طیور از این سامانه شده است. برخی از این مشکلات عبارتند از:

● افزایش زمان و هزینه چرخه توزیع کالا تا مراکز تولید

باتوجه به تمهیدات دولت برای توزیع نهاده‌های دام و طیور، تولیدکنندگان همچنان از وضعیت تأمین نهاده‌ها رضایت ندارند، زیرا با تأخیر به دستشان می‌رسد؛ بدین معنا، تولیدکننده گوشت مرغ از روز جوجه‌ریزی تا کشتار، چهل روز زمان دارد تا نهاده موردنیاز خود را تأمین کند. در چنین شرایطی مرغداران ناچارند به بازار آزاد مراجعه کنند. همچنین این مشکل در دامداری‌ها به گونه‌ای است که نهاده به دامدار نمی‌رسد و نوسانات جیره غذایی باعث بروز مشکلات متعددی در تولید شیر و تولیدمثل دام‌ها می‌شود. از این رو تولیدکنندگان جهت حل این مشکل به بازار آزاد روی آورده و خرید و فروش نهاده‌ها در بازار آزاد، رونق زیادی گرفته است. در چنین وضعیتی یکی از اهداف سامانه بازارگاه با شکست مواجه شده است. راه‌حل این مشکل، تدوین قانون اجرایی جهت تعیین مدت زمان تحویل کالا (حداکثر ۲۴ ساعت پس از واريز مبلغ توسط مصرف‌کننده) و نظارت دقیق بر اجرای آن توسط دستگاه‌های نظارتی است.

● یکسان نبودن ضریب نفوذ اینترنت در همه جای کشور

طبق آمارهای رسمی، ضریب نفوذ اینترنت در مناطق روستایی باتوجه به سن و سطح سواد تولیدکنندگان کمتر از ۲۶٪ است. همچنین طبق آمارهای موجود در مرکز ملی آمار، وزارت جهاد کشاورزی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سن تولیدکنندگان بخش کشاورزی و دام و طیور به طور متوسط حدود ۵۵ سال و سطح سواد آنها به صورت میانگین زیر دیپلم است. از این رو برای حل این مشکل باید در دفاتر جهاد کشاورزی دهستان‌های کشور، بخش مشخصی متولی پیگیری، ثبت نام و دریافت سهمیه تولیدکنندگان مربوطه شود و وظیفه پیگیری و پشبرد امور به این بخش محول شود.

● عدم امکان استفاده تولیدکنندگان خرد از سامانه

معمولاً وسیله حمل‌ونقل و جابجایی نهاده‌ها از مبدأ به مقصد، کامیون‌های ۱۰ الی ۲۵ تنی هستند. این در حالی است که سهمیه اغلب تولیدکنندگان خرد کمتر از ۵ تن در ماه است. در چنین شرایطی نهاده‌های متعلق به تولیدکنندگان خرد یا از طرف فروشندگان بارگیری نمی‌شوند یا هزینه‌های سربار حمل‌ونقل به شکل فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. برای حل این مشکل باید از ظرفیت دفاتر جهاد کشاورزی شهرستان‌ها و تشکل‌های کشوری استفاده کرد؛ به گونه‌ای که سهمیه

بررسی هجوم ملخ‌های صحرایی و پیامدهای آن بر بخش کشاورزی



محسن بابائی



مرکز پژوهش‌های مجلس

کشاورزی و امنیت غذایی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوآرکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در سال‌های اخیر، آفت ملخ صحرایی، هجوم گسترده و فاجعه‌باری به نوار جنوبی کشور داشته و خسارات فراوانی را در بخش‌های کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست به جا گذاشته است. طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، برخی استان‌های جنوبی کشور به شکل گسترده مورد هجوم این نوع ملخ قرار گرفتند. اگر در استان‌های جنوبی، مبارزه با ملخ‌های صحرایی به صورت کامل و صحیح صورت نگیرد، ممکن است این ملخ‌ها به استان‌های مرکزی و شمالی کشور نیز نفوذ کنند. هجوم ملخ‌های صحرایی، خسارات و تبعات سنگینی را به بخش کشاورزی و منابع طبیعی تحمیل می‌سازد که برخی از آنها عبارتند از:

- تهدید امنیت غذایی و احتمال کاهش تولید برخی محصولات کشاورزی؛
 - احتمال به خطر افتادن سلامت جامعه و محیط زیست؛
 - خطر افزایش بیابان‌زایی؛
 - تحمیل هزینه‌های گزاف به دولت جهت اجرای عملیات کنترل و مبارزه.
- طبق اذعان «فائو»، احتمال تداوم هجوم طغیانی آفت ملخ‌های صحرایی به عرصه‌های کشاورزی و منابع طبیعی کشور طی چهار الی پنج سال پس از اولین هجوم طغیانی (۱۳۹۷) وجود دارد. این احتمال، لزوم توجه ویژه به کنترل و مبارزه با این آفت را دوچندان می‌کند.

●● چالش‌های موجود در زمینه کنترل و مبارزه با ملخ

صحرایی

به منظور کنترل ملخ‌های صحرایی، متولیان با چالش‌هایی مواجه هستند. چالش‌های موجود به دلیل گستره جهانی این آفت به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند:

●● چالش‌های خارجی

- احتمال کم‌کاری یا کم‌توانی کشورهای مبدأ در کنترل ملخ صحرایی؛
- باتوجه به خط سیر این آفت و مهاجرت آن از کشوری به کشور دیگر، از یک سو لازم است که عملیات مبارزه با ملخ‌های صحرایی ابعاد جهانی پیدا کند و از سوی دیگر، ضروری است که همه کشورهای در معرض خطر، همکاری و حمایت‌های لازم را از کشور درگیر آفت انجام دهند. برای مثال، کشورهای ایران و عربستان که همسایه یمن هستند، باید با ارسال کمک‌های مالی و فنی به یمن (یکی از کانون‌های اصلی فعالیت ملخ‌های صحرایی در منطقه) همکاری‌های لازم را در راستای مبارزه با این آفت انجام دهند.



ملخ‌های صحرایی از حیث میزان تراکم، تکثیر، هجوم و خسارت، یکی از خطرناک‌ترین آفات مهاجر گیاهی هستند. این ملخ‌ها خسارات گسترده‌ای را در مقیاس بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی به حوزه‌های کشاورزی و منابع طبیعی، به ویژه مراتع که مهم‌ترین منبع تغذیه دام‌ها هستند، وارد می‌آورند. از جمله پیامدهای منفی هجوم طغیانی ملخ‌های صحرایی می‌توان به: تحمیل هزینه‌های مستقیم جهت تأمین سموم دفع آفت، عملیات پیمایشی و هزینه‌های اداری، به خطر افتادن امنیت غذایی جامعه به واسطه کاهش احتمالی تولیدات دامی و کشاورزی اشاره کرد. براساس منابع معتبر جهانی، احتمال تهاجم طغیانی ملخ‌ها پس از اولین هجوم، منتفی نیست. از این رو برای مقابله با این خطر باید چاره‌ای اندیشید.

• محدودیت در تولید و واردات سموم شیمیایی به دلیل شرایط تحریم؛
 • با شروع مجدد تحریم‌های بین‌المللی از سال ۱۳۹۷، واردات و صادرات
 برخی اقلام با محدودیت‌هایی مواجه شد. طبق اعلام مسئولان
 سازمان حفظ نباتات، ماده مؤثره تولید سموم شیمیایی که برای
 کنترل آفت ملخ صحرایی مورداستفاده قرار می‌گیرد، وارداتی است و
 به دلیل مشکلات ناشی از تحریم و عدم تخصیص ارز (چه ترجیحی و
 چه نیمایی)، تولید این سموم نیز با محدودیت مواجه شده است.

چالش‌های داخلی

۲) فراهم ساختن بسترهای لازم برای مشارکت شرکت‌های دانش‌بنیان
 علاقه‌مند به تولید سموم تکنیکال شیمیایی، تجهیزات موردنیاز مانند:
 سمپاش‌های مخصوص و همچنین عوامل بیولوژیک کنترل‌کننده
 گونه‌های مختلف ملخ با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست
 جمهوری؛

۳) تهیه و تدوین یک روش شناسی توافق‌شده میان کشورهای درگیر
 آفت به منظور ارزیابی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی هجوم
 ملخ‌های صحرایی به اراضی کشاورزی و طبیعی توسط مقامات مختلف
 ذی‌ربط؛

۴) پیگیری کوتاهی یا کم‌کاری برخی کشورهای همسایه در کنترل و مبارزه
 کافی با ملخ‌های صحرایی از طریق دیپلماسی و مذاکره با نمایندگان
 ایران در سازمان «فائو» و وزارت امور خارجه با هدف کنترل طغیان‌های
 احتمالی این ملخ‌ها در سال‌های آینده (به ویژه عربستان)؛

۵) ساخت و تجهیز آموگاه‌های جدید در مراکز کانون دائمی هجوم
 ملخ‌های صحرایی (استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و
 هرمزگان)؛

۶) در نظر گرفتن اعتباری مشخص به صورت همه‌ساله در قانون بودجه
 برای تجهیز، تعمیر و نگهداری آموگاه‌ها با توجه به حضور ملخ‌های
 صحرایی در سال‌های آتی و ضرورت حفظ و نگهداری تجهیزات آموگاه‌ها؛

۷) تشویق و حمایت وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفظ نباتات از
 انجام مطالعاتی در زمینه‌های بهبود تکنیک‌های عملیاتی نظارت و کنترل
 ملخ صحرایی، توسعه روش‌های کنترل جایگزین، درک بهتر از پویایی
 جمعیت ملخ صحرایی در فاز انفرادی، نقش تغذیه‌ای ملخ‌های صحرایی
 به عنوان خوراک دام و طیور و تعیین تأثیرات کلی تهاجم ملخ صحرایی در
 اقتصاد کشورهای آسیب‌دیده؛

۸) پرداخت بدهی‌های مربوط به حق عضویت‌های ایران به مجامع
 بین‌المللی ملخ صحرایی از جمله کمیسیون DLCC و SWAC برای جلوگیری
 احتمالی از اخراج ایران از عضویت در این مجامع و عدم امکان استفاده از
 کمک‌های فنی و اعتباری فائو.

جمع‌بندی

ملخ‌های صحرایی از جمله خطرناک‌ترین آفت‌های مهاجر گیاهی هستند
 که بر حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و امنیتی اثر می‌گذارند.
 در سال‌های اخیر، هجوم ملخ‌ها به نواحی جنوبی ایران، تبعاتی مانند:
 نابودی مراتع و محصولات کشاورزی را به همراه داشته که بر امنیت
 غذایی شهروندان نیز تأثیرگذار است. پیشنهاد اصلی این پژوهش برای
 مقابله با ملخ‌های صحرایی، تهیه و تدوین «طرح جامع کنترل و مبارزه
 مستمر با ملخ‌های صحرایی» با همکاری تمامی دستگاه‌های دخیل و
 ذی‌ربط است. این طرح باید دربرگیرنده همه ابعاد ملی و بین‌المللی
 باشد و الزامات مالی، مدیریتی، فنی و نظارتی مطلوب را لحاظ کند تا
 نقشه راه میان‌مدت و بلندمدت به منظور جلوگیری و مبارزه با این آفت
 در ابعاد ملی و بین‌المللی پیش‌بینی شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری
 محسن بابائی و جمال محمدولی سامانی در سال ۱۳۹۹ انجام شده
 است.

• عدم تأمین و تخصیص اعتبار لازم در زمان مناسب؛ تأمین و تخصیص
 اعتبار موردنیاز، از جمله الزامات اصلی مقابله با آفت ملخ صحرایی
 است. شواهد نشان می‌دهد که با وجود تأکید سازمان حفظ نباتات،
 اعتبارات به میزان کافی و در زمان مناسب، تخصیص پیدا نکرده‌اند.

• نبود امکانات و تجهیزات مناسب کنترل ملخ صحرایی؛ شواهد
 نشان می‌دهد که سازمان حفظ نباتات به رغم وجود برخی امکانات
 برای مبارزه با هجوم ملخ‌ها، به دلیل گستردگی سطح تهاجم آنها با
 محدودیت‌هایی مواجه است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به:
 کمبود دستگاه‌های سمپاشی، وسایل نقلیه حمل‌ونقل سموم و
 سمپاش‌ها، هواپیما و هلی‌کوپترهای سمپاش اشاره کرد. این مسئله
 در برخی مواقع باعث شده است که مبارزه در نقاط شروع، به شکل
 اساسی شکل نگیرد و به میزان کافی پوشش داده نشود.

• ضعف نظارت بر عملکرد دستگاه‌های متولی کنترل و مبارزه در ابعاد
 مختلف؛ نظارت مستقیم و مستمر بر عملکرد سازمان حفظ نباتات،
 از جمله وظایف وزارت جهاد کشاورزی است که دستگاه بالاسری
 این سازمان محسوب می‌شود. سازمان حفظ نباتات نیز باید بر
 عملکرد ادارات تابعه خود، نظارت قوی و مستمری داشته باشد.
 کمبود، ضعف یا فرسودگی امکانات و تجهیزات مبارزه با ملخ‌های
 صحرایی در ادارات استانی و شهرستانی، شاهدهی بر این مدعا است
 که نظارت‌های موجود، چندان کامل و دقیق انجام نمی‌شوند.
 همچنین مجلس شورای اسلامی باید نظارت بیشتری بر میزان و
 زمان تخصیص اعتبارات موردنیاز و نحوه هزینه‌کرد آنها داشته باشد؛
 این درحالی است که سازمان حفظ نباتات، همواره از کمبود اعتبارات،
 تخصیص قطره‌چکانی و دیرتر از موعد آنها شکایت داشته است.

اقدامات و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود

کنترل ملخ صحرایی

پیشنهاد اصلی پژوهش این است که «طرح جامع کنترل و مبارزه
 مستمر با ملخ‌های صحرایی» با همکاری کلیه دستگاه‌های دخیل و
 ذی‌ربط، تهیه و تدوین شود. این طرح باید دربرگیرنده همه ابعاد ملی و
 بین‌المللی باشد و الزامات مالی، مدیریتی، فنی و نظارتی مطلوب را لحاظ
 کند تا نقشه راه میان‌مدت و بلندمدت به منظور جلوگیری و مبارزه با
 این آفت در ابعاد ملی و بین‌المللی پیش‌بینی شود.

برای رفع چالش‌های موجود در تحقق این امر، راهکارهای دیگری نیز
 شناسایی شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. امید
 است با کاربست صحیح، منطقی و به‌موقع این راهکارها، بخشی از
 مشکلات موجود در این زمینه برطرف شود.

① تأمین اعتبارات موردنیاز جهت پیشگیری و مبارزه با هجوم ملخ

بررسی رمزارزها و ارائه راهکارهایی جهت سیاستگذاری کارآمد استخراج آن



محمدجواد احمدی



اندیشکده سیاستگذاری
امیرکبیر

تبادلات ارزی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن
کامل پژوهش، کیوآرکد
مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

باتوجه به مزایای موجود در ماهیت رمزارزها و نوسانات به شدت مثبت قیمت واحد آن‌ها در برخی بازه‌های زمانی خصوصاً طی سال‌های اخیر، افراد زیادی در کشور به حوزه استخراج رمزارز به‌ویژه استخراج بیت‌کوین روی آوردند. این وضعیت روبه‌رشد، از لزوم و اهمیت بالای سیاستگذاری مناسب در این حوزه حکایت دارد. به دلیل امکان استفاده از انرژی و ثروت‌های ملی در این حوزه، سیاستگذاری مقتضی در حوزه رمزارزها باید به‌نحوی انجام شود که هم منافع حاکمیت و عامه مردم و هم منافع فعالان حوزه استخراج ارزهای دیجیتال در کشور را تأمین کند. از سوی دیگر، برای سیاستگذاری این زمینه و ارائه راهکارهای مناسب برای برخی ابهامات موجود در این حوزه مانند: «تأثیر ارزهای دیجیتال بر نظام اقتصادی و امنیتی کشور»، «تضمین منافع بلندمدت آن برای کشور در عین وجود تردیدها و ناپیوستگی‌های فراوان» و موارد دیگری از این دست، باید شناخت و بررسی دقیقی پیرامون ماهیت رمزارزها صورت گیرد. عدم سیاستگذاری مناسب در حوزه ارزهای دیجیتال می‌تواند موجب رونق بازار استخراج غیرقانونی رمزارزها و بروز مسائل و مشکلات دیگری مانند: «قچاق دستگاه‌های استخراج رمزارز (ماینرها)»، «استفاده ارزان و ناعادلانه از ثروت‌ها و منابع ملی» و پاره‌ای از مشکلات اقتصادی و امنیتی شود.

●● تأثیر استخراج ارزهای دیجیتال بر شبکه برق کشور و نقش حاکمیت

ایران طی سال‌های اخیر همواره در فصل تابستان با مشکل تأمین برق مواجه بوده و بارها در آستانه ورود به وضعیت بحرانی قرار گرفته است. مسئولین حوزه برق و انرژی کشور تأکید دارند که یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش و بحرانی شدن مصرف برق، استخراج بیت‌کوین است. مطالعات و محاسبات این پژوهش نشان می‌دهد که استخراج بیت‌کوین آن‌گونه که از برخی تریبون‌ها اعلام می‌شود، عامل اصلی کمبود انرژی در کشور نیست؛ از این رو با اصلاح برخی سیاست‌ها علاوه بر جلوگیری از مواجهه کشور با مشکلات موجود در زمینه تأمین انرژی، می‌توان به بازار استخراج رمزارز نیز رونق بخشید.

از آن‌جا که تعرفه‌های اعلام شده از سوی وزارت نیرو ریالی بوده و مستقل از قیمت واحد بیت‌کوین، وضع شده، این صنعت به‌موازات افزایش نرخ ارز و بیت‌کوین به ظرفیت سوددهی بالایی رسیده است. از سوی دیگر، تعرفه‌گذاری چشم‌پوشته و گران‌قیمت جهت استخراج رمزارزها می‌تواند



ارزهای دیجیتال و رمزارزها به صورت الکترونیکی و بر پایه رمزنگاری تولید، ذخیره و منتقل می‌شوند. از مهم‌ترین مزایای رمزارزها حفظ هویت کاربر، عدم نیاز به واسطه، ماهیت غیرمتمرکز، کارمزد پایین و سرعت بالای انجام تراکنش است. اکنون فرآیند استخراج رمزارز و ورود به بازار آن برای همگان مقدور است و عموم مردم می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهای مناسب، به کسب درآمد در این بازار بپردازند. مجموعه این عوامل باعث محبوبیت ارزهای دیجیتال در سراسر دنیا شده است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اساساً با شکل‌گیری این صنعت در کشور مخالف نیست؛ اما نگرانی‌هایی درباره افزایش مصرف انرژی و برخی تبعات اقتصادی و امنیتی در حوزه رمزارزها دارد.

سهم انرژی مربوط به هریک از واحدها، شفاف و برعهده انجمن خواهد بود. به واسطه این اقدام، اثرات مثبت استخراج رمزارز بر بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور- حتی در صورت عدم تداوم استخراج- نیز پابرجا خواهد ماند و ابهامات موجود بر سر چستی منافع بلندمدت کشور در حمایت از این حوزه نیز مرتفع می‌شود.

- زیرساخت‌های میزبانی از استخراج رمزارز باید با نظارت دقیق وزارت نیرو و ضمن توجه به اصل کاهش تلفات شبکه انتقال، توزیع و افت هزینه‌های توسعه برق ارائه شود. در این پژوهش ضمن در نظر گرفتن مشوق‌های لازم، پل ارتباطی مناسب میان توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و استخراج رمزارز پیش‌بینی شده است.
- در پژوهش، جزئیات کامل چند طرح اقتصادی ارائه شده است تا در صورت ایجاد و مناسب‌سازی بسترهای پیشنهاد شده در متن پژوهش، بتوان از استخراج بیت‌کوین به‌عنوان جایگزینی برای صادرات گاز به‌ویژه در شرایط سخت تحریمی که امکان صادرات فیزیکی گاز وجود نخواهد داشت- استفاده کرد (طرح اقتصادی صادرات غیرمستقیم گاز طبیعی).
- به‌منظور حمایت از واحدهای خرد استخراج رمزارز و توزیع عادلانه فرصت‌ها، برخی پیشنهادها اصلاحی در زمینه تعرفه‌گذاری و سیاست‌گذاری نیز ارائه شده است.

جمع‌بندی

رمزارزها به دلایل مختلفی نظیر: تبادل ارزان و آسان، حفظ هویت کاربر، امنیت بالا و عدم امکان جعل، مورد استقبال بسیاری از افراد قرار گرفته‌اند. در ایران به مرور این حوزه نزد حاکمیت به رسمیت شناخته شد و تلاش‌هایی جهت قانون‌گذاری موثر در آن صورت گرفت. در این پژوهش، نخست به بررسی و تحلیل کارکرد و اهمیت رمزارزها و استخراج آنها در کشور پرداخته شده و در ادامه، راهکارهایی جهت سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه ارزهای دیجیتال ارائه شده است. ازجمله این راهکارها می‌توان به: «تعرفه‌گذاری هوشمند استخراج رمزارز»، «قانون‌گذاری موثر ناظر بر افزایش ظرفیت تولید برق و انرژی در کشور و بهینه‌سازی صنایع و شبکه برق»، «ارائه سازوکار مناسب جهت استفاده و عرضه رمزارز استخراج شده باهدف جلوگیری از اختلال در نظام اقتصادی و امنیتی کشور» و پیشنهادات دیگری در راستای توزیع عادلانه فرصت استخراج رمزارز اشاره کرد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده سیاست‌گذاری امیرکبیر با همکاری محمدجواد احمدی، جواد سلیمان‌پور و حبیب‌اله ظفریان، در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

بسیاری از دستگاه‌های ماینر و مزارع استخراج خرد را از سوددهی بیاندازد و چنانچه سازوکار برخورد با تخلفات صورت‌گرفته در این حوزه از استحکام کافی برخوردار نباشند، استفاده غیرمجاز از انشعابات برق افزایش خواهد یافت. مجموعه مسائل مذکور، حاکی از لزوم بازنگری در سیاست‌ها و اعمال سیاست‌گذاری کارآمد در پرتو شناخت دقیق مقتضیات این عرصه نوپدید است.

اقدامات پیشنهادی جهت سیاست‌گذاری کارآمد استخراج رمزارز در ایران

در این پژوهش، چند طرح اقتصادی ارائه شده که در آنها از استخراج رمزارز به‌عنوان جایگزین مناسبی برای صادرات غیرمستقیم بخشی از گاز و انرژی کشور- به‌ویژه در شرایط سخت تحریمی- یاد شده است. شایان ذکر است این امر، منوط به ایجاد و مناسب‌سازی بسترهای موردنظر نگارندگان پژوهش است.

در ادامه، برخی از پیشنهادات ارائه‌شده در این پژوهش به‌منظور سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه استخراج رمزارزها مرور می‌شود:

- تعرفه‌گذاری قیمت برق یا گاز استفاده‌شده جهت استخراج رمزارز باید به‌صورت ارزی و متناسب با قیمت واحد بیت‌کوین انجام شود. این تعرفه‌گذاری باید به‌گونه‌ای ساماندهی شود که هم برای استخراج‌کننده جذابیت داشته باشد و هم حاکمیت و عامه مردم بتوانند به شیوه‌ای عادلانه از مواهب حاصل از بهره‌برداری از ثروت‌های ملی در این مسیر برخوردار شوند. از این‌رو در پژوهش پیش‌رو، مدلی ناظر به تعرفه‌گذاری هوشمند پیشنهاد شده است که بهره‌گیری از آن، بسیاری از اختلافات موجود در زمینه تعرفه‌گذاری را میان حاکمیت و استخراج‌کنندگان رمزارز حل خواهد کرد.
- در این پژوهش ضمن بررسی و شناخت دقیق دغدغه‌های اقتصادی و امنیتی حاکمیت نسبت به حوزه رمزارز، سازوکاری پیشنهاد شده است که بر مبنای آن استخراج‌کنندگان در سایه تعامل با حاکمیت، بتوانند درآمدهای خود را در قالب رمزارز یا ارزهای خارجی به نحوی عرضه کنند که به سیاست‌های کلی اقتصادی و امنیتی کشور لطمه‌ای وارد نشود.
- این پژوهش مشوق‌هایی را برای استخراج‌کنندگانی که به احداث نیروگاه اقدام می‌کنند در نظر گرفته است. بر این اساس، حاکمیت موظف به خرید برق تولیدی ماینرها در ساعات اوج مصرف و تعرفه‌گذاری مناسب انرژی ورودی به نیروگاه‌ها خواهد بود. بدین ترتیب، جذابیت استخراج رمزارز به‌واسطه احداث نیروگاه و کمک به شبکه سراسری برق افزایش خواهد یافت و حاکمیت، ذیل یک ساختار پیشنهادی عادلانه در منافع حاصل شده شریک خواهد شد. از سوی دیگر، نیروگاه‌هایی که متقاضی استفاده از انرژی تولیدی خود جهت استخراج رمزارز هستند نیز در صورت افزایش بازدهی و بهینه‌سازی ظرفیت‌هایشان، متناسب با میزان صرفه‌جویی در مصرف انرژی، از مشوق‌هایی در این حوزه بهره‌مند خواهند شد.
- همچنین پیشنهاد می‌شود یک صندوق انجمنی رسمی و واحد توسط استخراج‌کنندگان رمزارز تشکیل شود؛ صندوقی که استخراج‌کنندگان، اعتبار آن را صرف بهینه‌سازی مصرف انرژی صنایع یا شبکه سراسری برق می‌کنند تا معادل برق صرفه‌جویی شده، انرژی با تعرفه صنعتی و بدون توجه به قیمت بیت‌کوین در اختیار آنها قرار گیرد. ارائه جدول

تدوین ارکان و محورهای اساسی راستی‌آزمایی رفع تحریم‌های ایران در برجام



فرزان قاسمی



مرکز پژوهش‌های مجلس

تحریم‌های اقتصادی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



جهت دسترسی به متن کامل پژوهش، کیوآرکد مقابل را اسکن کنید.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در توافق‌نامه برجام، یک سازوکار نظارتی قوی جهت کنترل اقدامات ایران توسط طرفین روبه‌رو ایجاد شده بود؛ اما امکان نظارت ایران بر پایبندی طرفین نسبت به تعهداتشان وجود نداشت. همچنین به دلیل نبود ضمانت اجرا و عدم پیش‌بینی ابزار تنبیهی مناسب، در صورت نقض توافق توسط طرف‌های مقابل ایران، هزینه این نقض برای آن‌ها بسیار ناچیز بود. با توجه به موارد مذکور و تجربه نقض برجام و خروج از آن توسط آمریکا، ضروری است فرآیندی دقیق برای انجام راستی‌آزمایی طراحی شود تا ضمن اطمینان از پایبندی اعضای توافق به رفع تحریم‌ها، مبنایی مستند، قانع‌کننده و مطابق با برجام، برای اقدامات متقابل ایران ایجاد شود. بنابراین، گزارش پیش‌رو می‌تواند نقش مهمی در مسیر طراحی دستورالعملی جامع جهت پیشبرد موضوع راستی‌آزمایی ایفا کند.

●● ارکان اصلی راستی‌آزمایی

باتوجه به ماهیت تعهدات آمریکا و اروپا در زمینه رفع تحریم‌ها، برای طراحی یک فرآیند منطقی جهت راستی‌آزمایی، لازم است سه رکن اصلی مورد توجه قرار گیرند. این سه رکن عبارتند از:

● تدوین دستورالعملی جامع، عملیاتی و سنجش‌پذیر

طبق بندهای (۲۶) تا (۲۹) برجام، آمریکا و اروپا ملزم به انجام سه تعهد اصلی در زمینه رفع تحریم‌ها هستند. این تعهدات شامل: رفع تحریم‌های بخشی و خروج افراد و نهادهای ایرانی از لیست وزارت خزانه‌داری، عدم اعمال مجدد این تحریم‌ها در قالب‌ها و عناوین هسته‌ای یا غیرهسته‌ای، خودداری از ایجاد مزاحمت در مسیر تحقق انتفاع ایران از برجام و در نهایت، عدم تأثیرگذاری منفی بر عادی‌سازی تجارت و روابط اقتصادی ایران است. بنابراین، دستورالعمل راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها باید براساس این تعهدات و به شکلی سنجش‌پذیر و عملیاتی طراحی و تدوین شود.

● زمان‌دار بودن انجام راستی‌آزمایی و مختصات مرحله اول آن

تعهدات ایران در برجام، شامل مجموعه‌ای از الزامات فنی و فیزیکی است که کاملاً ملموس و رصدپذیر هستند؛ اما تعهدات طرف‌های مقابل از جنس کاهش ریسک و دستیابی به بهره‌مندی‌های ملموس اقتصادی است. به دلیل محدودیت‌های ایجادشده توسط آمریکا، ریسک تعامل با ایران برای کشورهای دیگر افزایش یافته است و کاهش این ریسک، امری زمان‌بر خواهد بود. بنابراین، فعالان اقتصادی تنها در صورتی تصمیم به تجارت با ایران خواهند گرفت که علامت‌های مثبتی را از سوی آمریکا دریافت کنند. در چنین شرایطی طبیعی است که حصول نتیجه عملیاتی برای رفع تحریم‌ها امری زمان‌بر باشد.



بر اساس مفاد ماده (۷) قانون (اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران) و همچنین سیاست قطعی ایران، راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها و انتفاع اقتصادی ایران از این توافق باید یکی از مطالبات اصلی دستگاه سیاست خارجی کشور در هر روند مذاکراتی باشد. راستی‌آزمایی دارای دورکن اصلی «دستور العمل نظارت» و «ناظر» است؛ به این صورت که با توجه به شاخص‌ها و ملاک‌های موجود و با توجه به اقدامات انجام‌شده توسط طرفین، یک نهاد ناظر، پایبندی طرفین به مفاد توافق را ارزیابی می‌کند. در توافق‌نامه برجام علیرغم آنکه یک سازوکار نظارتی قوی برای کنترل اقدامات ایران توسط طرف مقابل ایجاد شده است، اما امکان نظارت ایران بر پایبندی آنها بر تعهداتشان وجود ندارد.

● **مؤلفه‌های کاهش ریسک تعامل با اقتصاد ایران:** خروج یک‌باره آمریکا از برجام و وضع مجدد همه تحریم‌ها، ریسک تعامل با اقتصاد ایران را به شدت افزایش داده است. از این رو، به منظور کاهش این ریسک، علاوه بر مطالبه رفع حقوقی تحریم‌ها، باید مطالبات دیگری مانند: خروج حداکثری اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی از لیست تحریم‌ها و بازنگری اساسی در لیست SDN و فهرست‌های غیر SDN مطرح شود. همچنین تعهد کتبی کشورهای اطراف برجام در زمینه خودداری از هرگونه اقدام منفی علیه آن دسته از اشخاص خارجی که مایل به برقراری تعامل با اقتصاد ایران هستند، باید به عنوان خواسته‌های اجتناب‌ناپذیر ایران از دستگاه حاکم‌بر آمریکا مطرح شوند.

● چک‌لیست راستی‌آزمایی تداوم انتفاع از رفع تحریم‌ها و صدور مجوزهای ادواری در راستای استمرار اجرای اقدامات ایران براساس برجام (راستی‌آزمایی‌های ادواری)

پیشنهاد می‌شود که روند انتفاع اقتصاد ایران از محل رفع تحریم‌ها توسط مرجع معرفی‌شده در محور اول به صورت مستمر مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد و نتایج گزارش‌ها، هر سه ماه یک‌بار منتشر شود. همچنین لازم است که تداوم پایبندی ایران به اقدامات هسته‌ای، مشروط به عادی‌سازی روابط تجاری و بین‌المللی بخش‌های تحریمی اقتصاد ایران و تحقق شروط حدود آستانه‌ای حداقلی در حوزه‌های صادرات نفت، مالی و بانکی باشد. البته این عادی‌سازی در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران دارای مصادیق مختلفی است. برای مثال، در بخش مالی و بانکی مواردی چون: دسترسی آزادانه به سپرده‌های حاصل از صادرات، دسترسی به وام، امکان تأمین مالی توسعه در کنار امکان استفاده از ریال در تبادلات خارجی، باید مورد راستی‌آزمایی قرار گیرند. مرجع راستی‌آزمایی هم نظرخواهی از فعالان عمده دولتی و غیردولتی مرتبط به هر حوزه به منظور اطمینان از تحقق محوره‌های مذکور است.

جمع‌بندی

باتوجه به مفاد قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» و مبتنی بر سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران، راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها باید همواره یکی از مطالبات اصلی دستگاه سیاست خارجی کشور در کلیه روندهای مذاکراتی به‌شمار آید. با عنایت به تجربه نقض برجام، خروج آمریکا از آن و موارد دیگر، ضروری است که فرآیندی دقیق جهت انجام راستی‌آزمایی طراحی شود.

در این گزارش، سه محور مهم در زمینه راستی‌آزمایی مورد بررسی قرار گرفت و پیشنهادهای ذیل آنها مطرح شد. محور نخست، عبارت از تشکیل نهاد مرجع راستی‌آزمایی و متولی ارائه گزارش‌های دوره‌ای است. محور دوم، چک‌لیست راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها و امکان اجرای مجدد اقدامات ایران براساس برجام است که باید مطابق با مؤلفه‌های رفع واقعی تحریم‌ها و کاهش ریسک تعامل با اقتصاد ایران صورت پذیرد. محور سوم نیز چک‌لیست راستی‌آزمایی تداوم انتفاع از رفع تحریم‌ها و صدور مجوزهای ادواری است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری فرزاد قاسمی و مهدی رزم‌آهنگ در سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

● استمرار در انجام راستی‌آزمایی به صورت دوره‌ای و متناوب

باتوجه به اینکه آژانس، هر سه ماه یک‌بار درباره نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران گزارش تهیه می‌کند، ایران نیز می‌تواند به صورت دوره‌ای گزارشی درباره رفع تحریم‌ها تهیه کند. بدین ترتیب، در پرتو نظارت و ارزیابی مستمر و سنجش پذیر بر رفع تحریم‌ها، ایران می‌تواند در صورت احیای مجدد برجام، حق اعتراض به نقض تعهدات طرفین، به‌ویژه آمریکا را داشته باشد. همچنین این امر، شناسایی نقض برجام را نظام‌مند می‌کند و امکان طرح شکایت مستند و مستدل در کمیسیون مشترک برجام را فراهم می‌سازد.

● شناسایی محورهای راستی‌آزمایی و ارائه پیشنهادات

در زمینه راستی‌آزمایی باید دست‌کم سه محور مهم مدنظر قرار گیرد. این سه محور و راهکارهای ارائه‌شده عبارتند از:

● مرجع راستی‌آزمایی

باتوجه به تخصصی بودن مقوله راستی‌آزمایی، پیشنهاد می‌شود که نهادی فراقوه‌ای نظیر: شورای عالی امنیت ملی یا هیئت عالی نظارت بر اجرای برجام، متولی و مرجع رسیدگی به این موضوع باشد و به تدوین گزارش‌های دقیق در زمینه رفع تحریم‌ها بپردازد. این گزارش‌ها باید به صورت دوره‌ای و در طول دوره اجرای برجام تدوین شوند و در اختیار نهادهای تصمیم‌گیرنده قرار گیرند.

علاوه بر این، نهاد متولی راستی‌آزمایی باید در صورت مواجهه با هرگونه نقض متن و روح برجام، به صورت موردی نسبت به تهیه گزارش اقدام کند. این گزارش‌های مستند باید به شکل عمومی منتشر و در کمیسیون مشترک برجام مطرح شوند. گزارش‌های راستی‌آزمایی ایران، مبنایی برای استمرار پایبندی به توافق، اقدامات متقابل در قالب کاهش تعهد یا توقف اقدامات خواهد بود.

● چک‌لیست راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها و امکان اجرای مجدد اقدامات ایران براساس برجام (اولین مرحله راستی‌آزمایی)

بازگشت ایران به توافق هسته‌ای، لزوماً باید پس از ایفای تعهدات ازسوی طرف‌های برجام (به‌ویژه آمریکا) و راستی‌آزمایی رفع حقیقی تحریم‌ها صورت پذیرد. برای اینکه این راستی‌آزمایی به بهره‌مندی اقتصادی ایران بینجامد، باید دوره‌ای دست‌کم سه ماهه طی شود. عدم رعایت قواعدی مشابه این چک‌لیست، نشان‌دهنده عدم عبرت‌آموزی از نقض تعهدهای قبلی است که در بلندمدت باعث خسارت به منافع اقتصادی ایران می‌شود. به منظور راستی‌آزمایی، چک‌لیست زیر پیشنهاد می‌شود:

● **مؤلفه‌های رفع واقعی تحریم:** رفع واقعی تحریم‌ها شامل مؤلفه‌های بسیاری است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: صادرات روزانه دست‌کم دو میلیون بشکه نفت و میعانات گازی به صورت معمول و آزادانه و دسترسی آزادانه ایران به عواید حاصل از این فروش، اشاره کرد. همچنین صدور مجوز موردی برای کلیه واردکنندگان سابق نفت از ایران، دست‌کم به اندازه سقف مقادیر واردات طی ۱۵ سال گذشته، از دیگر مؤلفه‌های رفع واقعی تحریم‌ها است.

نگرش تشکلهای کارگری و کارفرمایی به اصلاحات صندوقهای بازنشستگی



وحید میره بیگی



موسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی

●● ضرورت و اهداف پژوهش

امروزه صندوقهای بازنشستگی با چالش‌هایی اساسی در پایداری و تأمین منابع مالی مواجه‌اند؛ به‌نحوی که ماندگاری صندوقها و تداوم خدمات‌رسانی آنها در زمینه بازنشستگی، در گروی اصلاحاتی شایسته و دقیق است. تاکنون گزینه‌های متعدد کارشناسی به‌منظور اصلاح صندوقها پیشنهاد شده است؛ اما بدون مشارکت، همراهی و موافقت ذینفعان اصلی صندوقها (یعنی کارگران و کارفرمایان) احتمالاً هر اصلاحی با شکست مواجه می‌شود. چنین دیدگاهی در وهله نخست، سیاستگذار یا تصمیم‌سازان او را وامی‌دارد تا مطالبات و ملاحظات ذینفعان متأثر از سیاست در دست‌تدوین را به‌خوبی بشناسند. پژوهش حاضر نیز با هدف شناخت مواضع تشکلهای کارگری و کارفرمایی درباره گزینه‌های ممکن اصلاحات صندوقهای بازنشستگی، انجام شده است.

●● روش‌شناسی

این پژوهش برای پاسخ به دو پرسش «تشکلهای کارگری و کارفرمایی چه تصویری از نظام بازنشستگی، چالش‌ها و ضرورت‌های اصلاح آن دارند؟!» و «تشکلهای کارگری و کارفرمایی چه اصلاحاتی را قابل قبول می‌دانند؟!» صورت گرفته است. بنابراین برای پاسخ‌گویی علمی به این پرسش‌ها، مصاحبه‌هایی نیمه‌ساخت‌یافته با ۵۰ نفر از نمایندگان تشکلهای انجام شد. داده‌های گردآوری‌شده به روش تحلیل تماتیک بررسی شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به‌دلیل گستردگی پوشش سازمان تأمین اجتماعی و تمایل پاسخگویان به تمرکز بر این سازمان، بیشتر حول معضلات سازمان مذکور است.

●● علل شکل‌گیری و تداوم بحران در صندوقهای بازنشستگی

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، چهار دلیل منجر به شکل‌گیری و تداوم بحران در صندوقهای بازنشستگی بوده است که در ادامه هر یک از این دلایل مطرح می‌شوند:

● مشکلات اقتصادی

یکی از علل شکل‌گیری بحران، به شرایط اقتصادی کلان حاکم بر کشور بازمی‌گردد. تورم پایدار، موجب شده است که کارگر و کارفرما از افزایش حق بیمه ناتوان باشند و ارزش ریالی حقوق بازنشستگی، مدام در حال کاهش باشد. همچنین تورم و رکود، بسیاری از شرکت‌ها را به ورشکستگی کشانده و بیشتر صنایع را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. در چنین شرایطی، جامعه نسبت به ایجاد شغل ناتوان می‌شود، تعداد بیکاران افزایش می‌یابد و به‌تبع آن، حق بیمه‌های پرداختی به سازمان نیز کاهش پیدا می‌کند.

نهادهای مالی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



مدتها است که زنگ خطر بحران در صندوقهای بازنشستگی کشور به صدا درآمده و پژوهشگران بر لزوم اصلاحات تأکید کرده‌اند. اگرچه اصلاح صندوقها ضروری است، اما اصلاح آمرانه و غیرمشارکتی، مؤثر نیست. به‌همین دلیل، سیاستگذار باید از نگرش گروه‌هایی که موضوع سیاست قرار می‌گیرند آگاه باشد، مطالباتشان را بررسی و با آنها گفتگو کند. بایستی سیاستگذاران حوزه صندوقهای بازنشستگی، از نگرش فعالان این عرصه آگاه شوند؛ به طوری که این آگاهی، سرآغازی بر تحقق وضعیتی باشد که در آن، مطالبات فعالان کارگری، کارفرمایی و خروجی گفتگوی سیاستگذار با آنها، به یکی از مهم‌ترین معیارهای سیاستگذاری در حوزه بازنشستگی و بیمه‌های اجتماعی بدل شود.

بیانجامد، ندارد. از منظر مصاحبه‌شوندگان، رفع مداخلات بیرونی (مانند انتصابات سیاسی/سفارشی) و اصلاح شیوه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند به بخش شستا کمک کند که فعالیت اقتصادی آن به حفظ و ارتقاء ارزش ذخایر بینجامد. احیای مجدد شورای عالی تأمین اجتماعی و ایفای نقش کارگران و کارفرمایان در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و نظارت بر سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های دیگر، گامی ضروری و مورد مطالبه است. فرض بر این است که اگر سیاست‌گذاران و مدیران اصلی سازمان، نماینده واقعی بیمه‌شدگان و بازنشستگان باشند، تصمیم‌ها و اقدامات مغایر با منافع آنها به حداقل خواهد رسید. بدین ترتیب، رابطه یک‌سویه بیمه‌گذار و بیمه‌شونده، به رابطه‌ای دوسویه و برابر تبدیل می‌شود. همچنین ۱۰ تن از مصاحبه‌شوندگان (شامل فعالان کارگری) قائل به پیش‌شرطی اساسی بودند. از نگاه آنها منافع کارگران، جز توسط تشکل‌های مستقل نمایندگی نخواهد شد. با این وجود، اکنون در کشور در زمینه تأسیس اتحادیه‌های کارگری غیروابسته و دارای حق اعتراض مسالمت‌آمیز سخت‌گیری‌هایی وجود دارد. چنانچه نمایندگان کارگران - که ضعیف‌ترین و کم‌قدرت‌ترین عضو مثلث سه‌جانبه‌گرایی‌اند - در شورایی سه‌جانبه حضور پیدا کنند و دارای حق رأی برابر هم باشند، همچنان به دلیل اینکه تشکل‌های مستقلی در جامعه وجود ندارند، توان واقعی نمایندگی آن‌ها قابل توجه نبوده و مشخص نیست که طی چه مکانیسمی برگزیده و منتخب کدام گروه از کارگران شده‌اند.

تحلیل نظرات درباره گویه‌های اصلاحی پیشنهادی

در تحلیل‌های این بخش، نشان داده شد که دو گروه از نمایندگان کارگری و کارفرمایی درباره شیوه‌های اصلاحی رایج چه دیدگاهی دارند و تفاوت‌ها از کجا ناشی می‌شود. سیاست‌گذار (ان) با نگاه به این بخش، می‌تواند تصویری اولیه از گره‌گاه‌های عملی موجود در مسیر اعمال هر نوع اصلاح بازنشستگی به دست آورد.

جمع‌بندی

صندوق‌های بازنشستگی با چالش‌هایی اساسی در پایداری و تأمین منابع مالی مواجه‌اند؛ به‌نحوی که ماندگاری صندوق‌ها و تداوم خدمات‌رسانی آنها در زمینه بازنشستگی، در گروی اصلاحاتی شایسته و دقیق است. تاکنون گزینه‌های متعدد کارشناسی به‌منظور اصلاح صندوق‌ها پیشنهاد شده است؛ اما بدون مشارکت، همراهی و موافقت ذینفعان اصلی صندوق‌ها (یعنی کارگران و کارفرمایان) احتمالاً هر اصلاحی با شکست مواجه می‌شود. در این پژوهش از طریق مصاحبه با ۵۰ نفر از نمایندگان تشکل‌ها، نگرش آنان درباره علل شکل‌گیری و تداوم بحران در صندوق‌های بازنشستگی و چگونگی اصلاحات در این صندوق‌ها بررسی شده است. از جمله پیشنهادات برای اصلاح در این صندوق‌ها «بهبود اوضاع اقتصادی کشور»، «بهبود فعالیت اقتصادی شستا»، «احیای ساختاری سه‌جانبه‌گرایی و استقلال اداری-مالی سازمان» و «فراهم ساختن بستر سه‌جانبه‌گرایی واقعی» است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی با همکاری سید وحید میره‌بیگی و فروغ سادات مبلغ، در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

از سوی دیگر، این وضعیت مانع از ایجاد زمینه پذیرش نتایج معمول محاسبات آکچوئری (مانند: لزوم افزایش سن بازنشستگی) می‌شود. در چنین شرایطی، فعالیت سرمایه‌گذارانه سازمان برای حفظ و ارتقای ارزش ذخایر خود نیز با اختلال روبه‌رو می‌شود.

عملکرد نادرست دولت و مجلس

مصاحبه‌شوندگان بر نقش دولت در بحران نظام بازنشستگی تأکید بسیاری داشتند. از نگاه آن‌ها، نهادهای دولتی و حاکمیتی آسیب‌های فراوانی را به صندوق‌های بازنشستگی وارد ساخته‌اند که بدهی نجومی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تنها یکی از آنها است. مهم‌ترین مواردی که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشته‌اند، در مقوله‌های زیر دسته‌بندی شده‌اند:

- **لطمه به اصل سه‌جانبه‌گرایی:** این اتفاق فلسفه وجودی نهاد بیمه اجتماعی را زیر سؤال می‌برد و با چیره‌ساختن جهت‌گیری‌های سیاسی-جناحی بر سیاست‌گذاری‌های سازمان، منافع ذینفعان، به‌ویژه کارگران برخوردار از حداقل اهرم چانه‌زنی را به خطر می‌اندازد؛
- **لطمه به استقلال اداری و مالی:** مداخله سیاسی یادشده، مجموعه‌ای از نیروهای غیرمتخصص و بی‌کفایت را راهی رأس تا ذیل سازمان می‌کند و نه تنها مانع از استقلال اداری این شخصیت حقوقی دارای ماهیت عمومی غیردولتی می‌شود، بلکه هدررفت منابع مالی و انسانی را نیز به‌دنبال می‌آورد؛
- **بدعهدی دولت در پرداخت مطالبات سازمان:** این بدعهدی‌ها معضل کسری مالی را به همراه دارد؛
- **تعهدات تمحیلی:** تعهداتی که بدون رعایت منطقی-حقوقی تفاوت لایه‌های نظام رفاه، وظایف حمایتی لایه‌اولی دولت را که باید از محل بیت‌المال/مالیات تأمین مالی شوند، بر دوش سازمان می‌گذارد؛ آن هم سازمانی که منابع آن از نوع حق‌الناس، بین‌نسلی و متعلق به کارگران است؛
- **دخالت مالی و مدیریتی در شرکت‌های زیرمجموعه سازمان:** این نوع دخالت‌ها به هدررفت منابع مالی و انسانی و ناکارآمدی فعالیت‌های اقتصادی سازمان منجر شده است.

معضل برقراری صحیح حق بیمه و وصول آن

علاوه بر بدعهدی دولت در پرداخت دیون خود، وصول بدهی کارفرمایان و مؤسسات نیمه‌دولتی و غیردولتی نیز به‌سختی ممکن می‌شود. همچنین قوانین و مقررات سازمان، به‌نحوی است که امکان دور زدن و سوءاستفاده از آن در حوزه‌های مختلف وجود دارد. این وضعیت، بر منابع مالی صندوق‌ها و ایجاد بحران تأثیر می‌گذارد. همچنین به‌دلیل ضعف در بازرسی‌ها، بسیاری از افراد یا از پرداخت حق بیمه می‌گریزند و یا خود را در جرگه بیمه‌شدگان خاص قرار می‌دهند که این امر، به کاهش ورودی و افزایش خروجی می‌انجامد.

کاهش نسبت پشتیبانی

کاهش نسبت جمعیت تحت پوشش سازمان با مستمری‌بگیران آن، باعث عدم توازن منابع مالی با مصارفش شده است. افزایش امید به زندگی یکی از دلایل اصلی و نظری در این زمینه است.

اصلاحات مورد نیاز در نظام بازنشستگی

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، رفع عوامل برونزای بحران، راه‌حلی جز اتخاذ و اجرای سیاست‌های مؤثر توسعه اقتصادی و بهبود اوضاع اقتصادی کشور که به افزایش اشتغال و بنابراین افزایش ورودی مالی صندوق‌ها

نقاط قوت و ضعف طرح توسعه اقتصادی - فرهنگی

استان خراسان رضوی



رصد

سعید سیدحسین زاده یزدی

اندیشکده رصد

آمایش سرزمینی و توسعه استانی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاستگذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.

ضرورت و اهداف پژوهش

موانع و چالش‌های گوناگونی بر سر راه توسعه اقتصادی کشور به ویژه استان خراسان رضوی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به: تمرکزگرایی، بروکراسی اداری، عدم انسجام ارکان حکومت، گران بودن اداره دولت و بزرگی آن، عدم توجه به فرهنگ اقتصادی در آموزه‌های دینی، نگاه منفی به مجاهدان اقتصادی و سرمایه‌گذاران، وجود قوانین مزاحم و عدم تناسب اختیارات و وظایف با مسئولیت‌ها اشاره کرد. به همین دلیل، معرفی استاندار جدید استان خراسان رضوی، موجب مطرح شدن طرحی با عنوان «الگوی مثلث توسعه اقتصادی- فرهنگی» شد. مثلث توسعه اقتصادی- فرهنگی شامل سه ضلع: نمایندگان مجلس، کارگزاران حکومت و سرمایه‌گذاران و کارآفرینان است و ائمه جمعه به عنوان ناظران عالی، بر اجرای این طرح نظارت می‌کنند. گزارش پیش‌رو با نگاهی بی‌طرفانه، ابتدا ابعاد و چارچوب اصلی طرح مذکور را معرفی کرده است و سپس به شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای آن پرداخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از تجارب جهانی و داخلی، پیشنهادهایی برای بهبود این طرح ارائه شده است.

نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران و سایر کشورها

نظام برنامه‌ریزی ایران همواره با درجه بالایی از تمرکز تعریف شده است، اما آنچه از مفاد قانون اساسی برداشت می‌شود، تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اداره امور کشور است. به نظر می‌رسد که مراتب ساختاری حاکم بر نظام تصمیم‌گیری کشور در عدم تحقق نظامی غیرمتمرکز، سهم و نقش عمده‌ای دارد. اتخاذ تصمیم‌های غیرهمسو میان قوای سه‌گانه، عدم هماهنگی‌های لازم در واحدهای استانی و به‌طور کلی بروکراسی و تمرکز شدید در نظام اداری به‌عنوان مانعی جدی در مسیر تحقق اهداف توسعه‌ای و دستیابی به اقتصادی مقاوم، خودنمایی می‌کند. این وضعیت باعث شده است که نظام برنامه‌ریزی ایران به‌شکلی ناخواسته به سوی نظامی کاملاً متمرکز، با تصمیم‌گیری‌های بالا به پایین، حرکت کند. جوامع مختلف برای غلبه بر نابرابری‌های منطقه‌ای از سیاست‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. از جمله این سیاست‌ها و ابزارها که توسط کشورهای مختلف به‌کارگرفته می‌شود، می‌توان به: استفاده از سازمان‌ها یا آژانس‌های توسعه منطقه‌ای اشاره کرد. این آژانس‌ها، نهادهایی عمومی (و نه لزوماً دولتی) هستند که با اهدافی نظیر: رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، افزایش کارایی کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، اشتغال، مهارت‌زایی و به‌طور کلی توسعه پایدار، تشکیل می‌شوند. وظیفه اصلی



طرح‌های زیادی جهت توسعه استان خراسان رضوی اندیشیده شده است و هدف هر یک از طرح‌ها توسعه این استان در ابعاد گوناگون است. پس از انتصاب آقای مهندس رزم حسینی به عنوان استاندار خراسان رضوی طرحی موسوم به «الگوی مثلث توسعه اقتصادی- فرهنگی» جهت توسعه استان ارائه شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد این طرح نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهایی دارد. با وجود نقاط قوت طرح، در صورت عدم اصلاح نقاط ضعف موجود، اجرای این طرح می‌تواند بر توسعه اقتصادی استان تأثیری معکوس بگذارد.

• دغدغه اصلی شرکت‌های بخش خصوصی در وهله نخست، سودآوری است و فعالیت منطقه را به سوی فعالیت سودآور موردنظر خود سوق می‌دهند.

• توسعه اقتصادی، فرهنگی و خدمات عام‌المنفعه در بُعد منطقه‌ای، ارتباط مستقیمی با فعالیت شرکت‌ها ندارد.

④ یکی دیگر از چالش‌های عمده این طرح، صندوق‌های تأمین مالی خرد است و به نظر می‌رسد که در تعیین ابزار و هدف توسعه، اشتباهی صورت گرفته است.

⑤ عدم پیوست‌های فرهنگی-اجتماعی و رسانه‌ای مختص مناطق، به‌منظور ارزیابی تغییرات رفاهی و فرهنگی طرح‌های اقتصادی و کاهش اثرات جانبی منفی آن‌ها، ضعف دیگری است که در این بخش قابل مشاهده است.

اصلاحات پیشنهادی

یکی از اصلاحات اساسی موردنیاز در این طرح، حذف وظایف معین‌های اقتصادی استان و واگذاری آن به سازمان تخصصی توسعه منطقه‌ای است که جهت‌گیری اصلی توسعه در مناطق را تعیین می‌کند. باید به این نکته توجه داشت که سازمان‌های توسعه‌ای الزاماً سازمان‌هایی دولتی نیستند، بلکه در برخی کشورهای جهان سازمان‌های خصوصی متخصص یا شرکت‌های غیردولتی، متولی توسعه مناطق هستند.

این سازمان‌ها از حیث تأمین مالی، هم از وجوهی که شرکت‌ها برای انجام وظیفه مسئولیت اجتماعی خود می‌پردازند، استفاده می‌کنند و هم از بودجه دولتی، یکی دیگر از مواردی که باید در این طرح به آن توجه شود، این است که از مجموع ۸۴ معین اقتصادی که برای مناطق تعیین شده است، بیشتر آنها از توانمندی لازم برای فعالیت در زمینه توسعه مناطق برخوردار نیستند.

همچنین افزایش تعداد معین‌های اقتصادی، نظارت‌پذیری آن‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که چند معین اقتصادی بتوانند انتخاب و فعالیت توسعه‌ای در مناطق خاص و اولویت‌دار، متمرکز شود. یکی دیگر از این موارد، تقویت و ساماندهی فعالیت معین‌های اقتصادی به‌عنوان بازیگران اصلی طرح مذکور است.

جمع‌بندی

در این پژوهش با استفاده از روش سیستماتیک، جنبه‌های مختلف طرح «الگوی مثلث توسعه اقتصادی- فرهنگی» در استان خراسان رضوی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، باتوجه به نقاط ضعف، قوت و بررسی دقیق تمامی جوانب، پیشنهادهایی در زمینه اصلاح طرح ارائه شد. این پیشنهادها شامل: حذف وظایف معین‌های اقتصادی استان و واگذاری آن به سازمان تخصصی توسعه منطقه‌ای، تمرکز بر تعداد محدودی از معین‌های اقتصادی و تقویت و ساماندهی فعالیت معین‌ها می‌شود.

دریاره پژوهش

این مطالعه در اندیشه‌کده رصد توسط سعیدسیدحسین زاده یزدی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

آژانس‌های مذکور، تدوین و بررسی مداوم استراتژی‌های حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ ساله به‌منظور بهبود وضعیت اقتصادی منطقه است.

معین اقتصادی

در اجرای مثلث توسعه اقتصادی، شهرستان قلعه‌گنج کرمان به‌عنوان الگوی اقتصاد مقاومتی، مدنظر استان خراسان رضوی قرار گرفت. در ادامه، این استان براساس حوزه‌های انتخابیه به دوازده منطقه اقتصادی تقسیم شد که از این تعداد معین اقتصادی، ۹ درصد سهم مؤسسات دولتی، ۱۱ درصد سهم مؤسسات غیردولتی و ۸۰ درصد سهم فعالان بخش خصوصی است. برخی از وظایف معین‌های اقتصادی عبارتند از:

- ① تهیه الگو و جمع‌آوری اطلاعات کامل منطقه؛
- ② ایجاد زیرساخت‌های نظام‌سازی فکری؛
- ③ تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده و نظام‌سازی شکلی؛
- ④ عملیاتی ساختن طرح‌ها و اجرای پروژه‌ها در منطقه.

نقاط قوت و فرصت‌های طرح

باتوجه به مجموع مطالعات و گفتگوهای انجام‌شده، برخی از فرصت‌ها و نقاط قوت طرح، به شرح زیر است:

- ① اولویت‌بخشی به مناطق روستایی در توسعه و توانمندسازی ظرفیت‌های بومی-محلی مناطق از طریق تسهیل‌گری، آموزش و ارائه خدمات مالی؛
- ② کاهش تمرکزگرایی و اتکا به برنامه‌ریزی منطقه‌ای به‌منظور توسعه و بهبود وضعیت روستاها، مناطق کم‌برخوردار و امکان مهاجرت معکوس از شهرها به روستاها؛
- ③ ایجاد جایگاهی رفیع برای فعالان بخش خصوصی به‌عنوان معین‌های اقتصادی توسعه مناطق و تشویق توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنها با استفاده از روش‌های مختلف؛
- ④ امکان تسهیل و تسریع فضای کسب‌وکار و کاهش بروکراسی اداری جهت حل مسائل و چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی از طریق همکاری میان دستگاه‌های دولتی، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس.

نقاط ضعف و تهدیدهای طرح

بعضی از راهکارهای این طرح، تاحدودی در برخی مناطق محقق شده و برخی نیز آنچنان‌که باید محقق نشده‌اند. باید توجه داشت که در صورت عدم رفع چالش‌ها و تهدیدهای موجود، اجرای این طرح می‌تواند آثار معکوسی به‌دنبال داشته باشد. در ادامه، به برخی از نقاط ضعف و تهدیدهای طرح مذکور که حاصل مطالعات و گفتگوهای صورت‌گرفته است، اشاره می‌شود:

① یکی از نقاط ضعف اصلی طرح، فقدان دستورالعمل و برنامه اجرایی- عملیاتی مشخص به‌منظور فعالیت معین‌های اقتصادی است که موجب سردرگمی و ناهماهنگی میان عملکرد معین‌های اقتصادی شده است.

② یکی از محورهای اصلی این طرح، واگذاری توسعه مناطق به شرکت‌های متعلق به بخش خصوصی یا عمومی غیردولتی در قالب معین‌های اقتصادی است. واگذاری توسعه اقتصادی و فرهنگی مناطق به شرکت‌ها در قالب مسئولیت اجتماعی آن‌ها، از چند حیث قابل تأمل است. برخی از ضعف‌های موجود در این بخش عبارتند از:

• مینا و اساس واگذاری مناطق به هریک از معین‌های اقتصادی، آنچنان‌که باید کامل، روشن و معین نیست.

رصد عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور از طریق سامانه قانون بان



مهدی فلاحیان



اندیشکده شفافیت
برای ایران

سامانه قانون بان

جامعه اندیشکده‌ها در گفت‌وگو با مهدی فلاحیان، مدیر سایت قانون بان، ضرورت وجود این سامانه و سازوکار آن در نظام حکمرانی کشور را بررسی کرده است.

• ابتدا کمی درباره ضرورت و اهداف شکل‌گیری قانون بان صحبت کنید. ایده اولیه و اقدامات آغازین چگونه شکل گرفت؟

یکی از مأموریت‌ها و دغدغه کلیدی اندیشکده شفافیت برای ایران، ارتقای سطح کارآمدی حکمرانی در کشور است. در این راستا سامانه قانون بان، از تقاطع دو دغدغه اصلی اندیشکده شفافیت برای ایران شکل گرفت؛ نخست، شفافیت نظام هنجاری کشور و دوم، شفافیت عملکرد دستگاه‌های اجرایی. اکنون با بیش از ده هزار عنوان قانون در تاریخ قانون‌گذاری کشور مواجهیم که اگر این عدد را در مواد و احکام هر قانون ضرب کنیم، به رقم سرسام‌آوری می‌رسیم. این قوانین به درستی شناسایی نمی‌شوند؛ یعنی حقوق و تکالیفی که هر قانون برای مردم و دستگاه‌ها ایجاد می‌کند، شناخته شده نیست. علاوه بر این، گاهی حجم انبوه قوانین مصوب در کشور باعث می‌شود که قوانین به مرور زمان فراموش شوند. در این باره، دغدغه اندیشکده شفافیت برای ایران، شفافیت بخشی به نظام هنجاری کشور بود.

از سوی دیگر، برخی از قوانین که گاهی هزینه‌های بسیاری برای آن‌ها شده است، پس از تصویب، سرنوشت نامشخصی در دستگاه‌ها پیدا می‌کنند و از حسن اجرا محروم می‌مانند. برای مثال، دستگاه‌های اجرایی کشور تا چه اندازه نسبت به تکمیل پازل توسعه‌ای که قانون برنامه کشور ترسیم می‌کند، اهتمام دارند؟ بنابراین ایجاد شفافیت در عملکرد دستگاه‌های اجرایی، دغدغه دیگر ما در اندیشکده شفافیت برای ایران بود. تقاطع این دو دغدغه، منجر به طراحی سامانه قانون بان شد. اما از آنجاکه تحقق این دو امر از طریق نظارت متمرکز ممکن نیست، به سراغ نظارت همگانی یا عمومی رفتیم. به همین دلیل از crowd source استفاده کردیم تا ذی‌نفعان و ذی‌حقان هر قانون با ورود به سامانه بتوانند علاوه بر قوانین موجود، تخلفات دستگاه‌ها در اجرای قوانین را هم بازگذاری کنند.

با این مقدمه، فرایند شکل‌گیری سامانه قانون بان از دو سال پیش به موازات انجام مطالعات تطبیقی، بررسی‌های حقوق داخلی و بررسی سایر اقتضائات مرتبط، کلید خورد.

• قانون بان با همکاری کدام نهادها شکل گرفت و هر یک از نهادها چگونه با شما همکاری داشتند؟

ایده و طراحی سامانه قانون بان متعلق به اندیشکده شفافیت برای ایران بود، اما برای راه‌اندازی و پشتیبانی فنی، نیاز به حامیانی داشتیم که در این

نظام اداری و سیاسی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی



برای مشاهده آرائه این پژوهش در جایزه ملی سیاست‌گذاری، کیوارکد مقابل را اسکن کنید.



سامانه قانون بان باهدف تقویت نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور، اوایل



تیرماه سال ۱۳۹۹ از سوی ریاست قوه قضائیه

رونمایی شد. مهدی فلاحیان، مدیر حقوقی اندیشکده شفافیت برای ایران، این اقدام را حامل پیامی مهم برای دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور می‌داند. فلاحیان معتقد است که فقدان ابزارهای نوین حکمرانی در پنجمین دهه حیات جمهوری اسلامی چالشی جدی برای نظام حکمرانی کشور به شمار می‌آید. او امیدوار است که سامانه قانون بان بتواند بخشی از این خلاء را پر کند. به زعم فلاحیان، نه تنها شهروندان عادی از مواهب راه‌اندازی سامانه قانون بان منتفع خواهند شد، بلکه بدنه حقوقی کشور و بخش خصوصی نیز از این سامانه نفع می‌برند.

است که بتوانند با ورود به سامانه‌های جامع، به رصد تکالیف مختلف دستگاه‌ها بپردازند و در مواقع لزوم، به سراغ آن‌ها بروند.

• نحوه جمع‌آوری اطلاعات در این سامانه چگونه اتفاق می‌افتد؟

قانون‌بان میان گزارشگری تخلف و افشاکاری تفاوت قائل است. همکاری با سامانه در سطوح مختلف قابل تعریف است و از آنجا که داده‌ها و اطلاعات دریافتی، توسط تیم متخصص حقوقی پردازش می‌شود، صحت داده‌ها و اطلاعات کاربران سایت، سنجیده و حفظ خواهد شد.

• آیا تمهیداتی از جنس آموزش همگانی در این حوزه را هم مدنظر قرار خواهید داد؟

با همکاری مرکز وکلا، یک دوره آموزشی ویژه کارآموزان این مرکز طراحی شده است و این، نخستین اتفاق آموزشی در زمینه نحوه استفاده از سامانه است. مرکز وکلا به‌عنوان نخستین سطح از بدنه حقوقی کشور که با قانون سروکار دارد، اولین بهره‌بردار سامانه نیز هست. علاوه بر این، موشن‌های ترویجی آماده و در سامانه بارگذاری شده‌اند و همچنان هم خواهند شد. از این به بعد، کارهای محتوایی-ترویجی ما جدی‌تر خواهد شد؛ چراکه تاکنون بیشتر دوندگی‌هایمان به‌منظور راه‌اندازی فنی و تغذیه محتوایی سامانه بود و به حوزه آموزش، ورود جدی نداشتیم. بی‌شک آموزش یکی از سیاست‌های اصلی ما است، زیرا بدون مردم، اتفاق خاصی رخ نخواهد داد و این سامانه نیز مثل سایر سامانه‌های حاکمیتی، مدتی پس از راه‌اندازی، فراموش می‌شود.

• مزایای اختصاصی سامانه قانون‌بان چیست و تفاوت‌های آن با سامانه‌های دیگر را چگونه می‌بینید؟

قانون‌بان در زمره معدود سامانه‌های مفیدی است که برای پژوهشگران طراحی شده است، چراکه به‌واسطه استاندارد داده باز، کلیه داده‌های سایت را به‌صورت رایگان و همراه با تحلیل، در اختیار کاربران قرار می‌دهد. همچنین در این سامانه، تکالیف مربوط به حوزه‌های مختلف دسته‌بندی شده است و وضعیت تحقق هر یک از تکالیف، در طبقه‌بندی هفت‌گانه‌ای پایش می‌شود. همچنین مستندات مربوط به هر یک از گزارش‌ها نیز به تفکیک هر تکلیف، ثبت و لینک شده و قابل مشاهده است. علاوه بر این، قانون‌بان ضمن برخورداری از فیلترهای مختلف جست‌وجو، قابلیت خوبی را برای جست‌وجو مبتنی بر مجریان و موضوعات تکلیف، در اختیار کاربران قرار می‌دهد. بیشتر سامانه‌های ما مونولوگ محور هستند اما قانون‌بان، دیالوگ محور است و مخاطبان می‌توانند به سهولت در سه بستر مختلف مشارکت کنند و در هر مورد، وضعیت تکلیفی که ثبت کرده‌اند را ببینند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که بهره‌گیری از سرویس محتوایی این سامانه تنها مختص دستگاه‌های حاکمیتی نیست، بلکه بخش خصوصی هم می‌تواند از آن بهره‌برد و خدمات محتوایی مورد نیاز خود را دریافت کند. برای مثال، تکالیفی که دستگاه‌ها در قبالشان دارند و شاید آنها از این تکالیف اطلاعی نداشته باشند را بشناسند و مطالبه کنند. سامانه قانون‌بان آن‌گونه که در سایت مرجع معرف فناوری‌های شهروندی معرفی شده، در ایران بی‌نظیر و در جهان کم‌نظیر است. البته نظام حکمرانی همه جوامع به چنین بستری نیاز ندارد اما کشورهایی مثل ما به این سامانه نیاز دارند. امیدواریم حکمرانی کشور به سمتی برود که تصویب قوانین، فاقد کارکرد صرف رزومه‌سازی برای ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی باشد و در پرتو حسن اجرای قوانین، سطح حکمرانی کشور نیز ارتقا یابد.

راستا مرکز وکلای قوه قضائیه دعوت ما را لایک گفت. به‌طور خاص، آقای دکتر علی بهادری، ریاست مرکز وکلا، این دغدغه را دریافتند و به‌واسطه ادراک و تعامل سازنده، با سامانه قانون‌بان همراه شدند. اگر همراهی‌های ایشان نبود، شاید اینقدر زود شاهد راه‌اندازی و بهره‌برداری از قانون‌بان نبودیم.

• آیا قرار است که قانون‌بان دربرگیرنده رویکرد پیشگیرانه یا تنبیهی برای دستگاه‌ها باشد؟

سعی ما بر این است که بستری برای ضمانت اجرای تنبیهی و دیوان قانون ایجاد کنیم تا نماینده‌ای که قانونی را تصویب می‌کند، از طریق سامانه قانون‌بان امکان نظارت و بازخواست را هم داشته باشد. چالشی که ما آن را تشخیص دادیم، این بود که نظام جمهوری اسلامی پس از گذشت ۴۰ سال، هنوز از فرم‌های سنتی حکمرانی استفاده می‌کند. ارتقای حکمرانی، نیازمند بهره‌گیری از فرم‌های نوین است؛ با این وجود، ما از ساختارهای کارآمد، نوین و مجرب دنیا استفاده نمی‌کنیم. البته پس از حضور حجت‌الاسلام رئیسی در قوه قضائیه، اصلاحات و اقدامات تازه و سازنده‌ای در حکمرانی قضائی کشور آغاز شده است. ما نیز راه‌اندازی سامانه قانون‌بان را گامی در امتداد همین مسیر می‌بینیم. البته قوه قضائیه به‌تنهایی در این حوزه مسئول نیست؛ قوه مجریه و شخص رئیس‌جمهور به‌عنوان حافظ و امین قانون کشور در کنار قوه مقننه که پس از ۴۰ سال، همچنان به دنبال تنقیح قوانین است، باید یک گام جلوتر بیایند و هم درباره اجرا و هم راجع به نحوه اجرای قوانین پرسشگری کنند.

• جایگاه سامانه قانون‌بان را در نظام حکمرانی کشور چگونه ترسیم می‌کنید؟

تعبیر ما از سامانه قانون‌بان، بازوی حرفه‌ای نظارت بر دستگاه‌های اجرایی کشور است و نخستین انتظارتان در حوزه بهره‌برداری از سامانه، ناظر به سازمان بازرسی کشور به‌عنوان مسئول حسن اجرای قوانین است. تاکنون نظارت‌های ادواری سازمان بازرسی چقدر کارآمد بوده است؟ نوع نظارت در قانون‌بان، دوره‌ای نیست؛ بلکه به صورت لحظه به لحظه انجام می‌شود. ما کارمان را از قوه قضائیه آغاز کردیم، زیرا نخستین نهادی که ذره‌بین نظارت در دست و تمایل به شفافیت در آن وجود داشت، قوه قضائیه بود. هنوز دستگاه دیگری بهره‌گیری از ابزار حرفه‌ای قانون‌بان را نپذیرفته است. البته پس از رونمایی از سامانه، توجهاتی جلب شد اما نمی‌توان از آنها به‌عنوان اقدام جدی نهادهای حاکمیتی یاد کرد. قانون‌بان تلاش می‌کند تا مسیر حرکت دستگاه‌های حاکمیتی را به‌منظور تحقق تکالیفی که بر عهده‌شان گذاشته شده، کوتاه و چابک سازد؛ لذا انتظار ما این است که این سامانه به‌طور جدی مورد استفاده نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی کشور قرار گیرد.

• قانون‌بان علاوه بر موارد مذکور، اثرگذاری‌های دیگری هم خواهد داشت؟

یکی از افتراقات موجود میان نظارت همگانی و متمرکز، این است که ضمانت اجرای نظارت اجتماعی از نوع فراحقوقی است. این سامانه خوراک مورد نیاز کمپین‌های مطالبه‌گری را تأمین می‌کند. برخی کمپین‌های مطالبه‌گری به دلیل فقدان جهت‌بخشی مناسب یا اتکا به داده‌های نادرست، به سرانجام نمی‌رسند. سامانه قانون‌بان در چنین مواقعی به‌واسطه ارائه اطلاعات دقیق و مستند می‌تواند به تغذیه کمپین‌های مطالبه‌گر بپردازد. از طرف دیگر، برای رسانه‌ها جذاب

مهمترین اخبار زیست بوم اندیشه ورزی کشور در یک نگاه

مروری بر مهمترین رویدادهای زیست بوم اندیشه ورزی و فعالیت‌های اندیشکده‌ها و مؤسسات سیاست‌پژوهی کشور در زمستان ۱۴۰۰

رونق انتشار کتاب با موضوع شفافیت



اندیشکده شفافیت برای ایران با انتشار دو کتاب، گام دیگری در ترویج ادبیات شفافیت برداشته است. این اندیشکده با تألیف کتاب «تعارض منافع در بخش عمومی» و ترجمه کتاب «راهنمای اجرایی دولت به مثابه پلتفرم»، مفاهیم پایه و اساسی از هر دو موضوع را توضیح می‌دهد. نحوه تهیه کتب روی سایت اندیشکده شفافیت برای ایران اطلاع‌رسانی شده است.

مسائل امروز در چشم‌انداز آینده



بنیاد توسعه فردا، با نگاهی معطوف به آینده، سلسله نشست‌های کافه آینده را با محوریت مسائل روز برگزار می‌کند. این مجموعه از سال ۹۷ نوعی از مسئله‌محوری را دنبال می‌کند و از موضوعات نظری تا چالش‌های اجرایی مسائل جامعه را محور بررسی قرار می‌دهد.

مسکن؛ پیشران تولید



اندیشکده اقتصاد مقاومتی طی بزرگ‌ترین اجتماع سالانه اقتصادی کشور، هشتمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی را با موضوع «مسکن؛ پیشران تولید» برگزار کرد. در سلسله پیش‌نشست‌های و ارائه‌های این همایش، ابعاد طرح «مالیات بر عایدی سرمایه» تیز مورد بررسی قرار گرفت. این طرح اردیبهشت ۱۴۰۱ برای تصویب نهایی به صحن علنی مجلس می‌رود.

چالش‌های حوزه تعلیم و تربیت



مؤسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان، دوره سیزدهم رویداد چهارسوق را برگزار کرد. این رویداد بزرگ‌ترین گردهمایی تخصصی فعالان حوزه تعلیم و تربیت است که به شناسایی، شبکه‌سازی و توانمندسازی فعالان تعلیم و تربیت از سال ۱۳۹۲ با هدف تحول در آموزش برگزار می‌شود. این اجتماع سالانه، به بررسی و گفت‌وگو پیرامون مهم‌ترین موضوعات حوزه تعلیم و تربیت اختصاص دارد.

حذف یک نگاه سیاست‌پژوهانه از دانشگاه

خبر پر سروصدای فصل گذشته مربوط به اخراج دکتر محمد فاضلی، از دانشگاه بود. دانشگاه شهید بهشتی، اواخر دی‌ماه سال جاری طی نامه‌ای، عدم نیاز به دکتر محمد فاضلی را ابلاغ کرد. این خبر از این جهت واکنش‌های بسیاری را برانگیخت که معذور افرادی که اتصال «دانش» و «راهبرد» را پیگیر هستند، از دانشگاه رانده و نگاه‌های سیاست‌پژوهانه به سیاست‌های جاری حذف می‌شوند.

ورود مرکز پژوهش‌ها در بزنگاه تصویب طرح صیانت



مرکز پژوهش‌های مجلس در فرصت ده روزه بررسی طرح صیانت در دی‌ماه ۱۴۰۰، جلوی تصویب این طرح را گرفت. پس از آن در بهمن ۱۴۰۰ طی جلسه رأی‌گیری طرح در کمیسیون مشترک، اجازه صحبت به نماینده مرکز پژوهش‌ها داده نشد! بنابراین طرحی با ایرادات اساسی تصویب شد که روز بعد برخی از نمایندگان در نامه‌ای خطاب به هیئت رئیسه مجلس خواستار لغو بررسی آن در کمیسیون مشترک و بازگشت طرح به صحن مجلس شدند.

موضوع اوکراین در دستور کار اندیشکده‌ها



مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، تاکنون در دو شماره از بسته خبری ویژه خود، به تحولات اوکراین پرداخته است. در این بسته‌ها تحولات سیاسی نظام بین‌المللی و واکنش کشورها به درگیری روسیه و اوکراین مرور شده است. چین به مشارکت استراتژیک با روسیه ادامه می‌دهد، اما اسرائیل از دولت اوکراین حمایت می‌کند.

همچنین مرکز مطالعات خلیج فارس، در عملیات نظامی روسیه علیه اوکراین از منظر تبادلات انرژی دقیق کرده است. این مرکز، افزایش ۳۰ درصدی قیمت گاز در اروپا را نتیجه ادامه تنش میان دو کشور تحلیل کرده است.

اندیشکده رصد نیز به صورت لحظه‌ای اخبار مربوط به اوکراین را پوشش می‌دهد. رئیس‌جمهور روسیه برنامه خود برای اوکراین را خلع سلاح این کشور خوانده است!

مروری بر تاریخ تحلیلی اندیشکده‌های کشور



اندیشکده حکمرانی شریف در سلسله نشست‌های «از علم حکمرانی تا حکمرانی عالمانه»، مروری انتقادی بر تاریخ اندیشکده‌ها و مؤسسات سیاست‌پژوهی کشور دارد. تاکنون چهار جلسه از این مجموعه برگزار شده است که طی آن‌ها تاریخ تحلیلی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و پژوهشکده زن و خانواده مرور شده است.

مقاومتی‌سازی سلامت



هسته سلامت مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) موضوع بدیع «نظام سلامت مقاوم و مردم‌بنیان» را مورد بررسی قرار داده است. این موضوع در ادامه مباحث تولید واکسن داخلی کرونا قابل تحلیل است که تاخیر یک‌ساله در ورود واکسن به کشور را منجر شد.



IranThinktanks



IranThinktanks



IranThinktanks__com

www.IranThinktanks.com